

CHECKED

کشف

دوروی و نیرنگ انگلیس

از روی اسناد محرمانه انگلیسی در باب ایران

۲۲۳۳۲
۲۲۱۹



از سلسله انتشارات اداره « کاوه »

شماره ۳

در دار السلطنة برلن در حاحانه کاویای بطع رسد

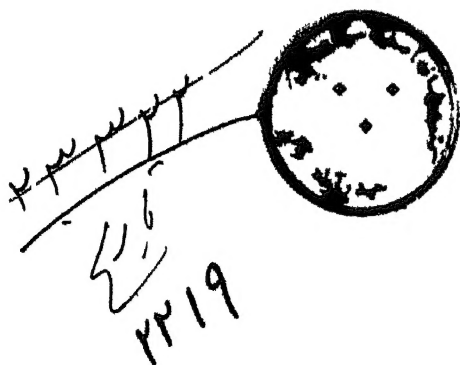
۱ ۳ ۳ ۶

کشف التلویس

یا

دو رویی اونیترنگ انگلیس

از روی اسناد محرمانه انگلیسی در باب ایران



از سلسله انتشاران اداره « کاوه »

سما رة ۳

در دار السلطنة برلین در چاپخانه کاوانای بطمع رسید

۱ ۳ ۳ ۶

فهرست کتاب

صفحه	مقدمه
۴-۱	فصل اول - عهد شکنیهای روس و انگلیس نسبت بایران از وفات مظفر الدین شاه تا استعفای مرگان شوستر
۳۲-۵	فصل دوم - عهد شکنیهای روس و انگلیس نسبت بایران از استعفای مرگان شوستر تا ابتدای سال ۱۹۱۴
۴۴-۳۳	فصل سوم - ایران در ابتدای جنگ بین المللی از روی متحد المآلهای محرمانه سفیر انگلیس در طهران
۶۳-۴۵	فصل چهارم - ژاندارمری ایران و معلمین سوئدی آن
۸۲-۶۴	فصل پنجم - ایران در اثنای جنگ بین المللی (ژانویه تا اوت ۱۹۱۵): کاغذهای کنل سابق ژاندارمری ایران ج. ن. مریل بقونسول انگلیس در شیراز مازور اوکوز
۱۰۲-۸۳	فصل ششم - مقاصد استیلاجویانه انگلیس در ولایات خلیج فارس وضدیت انگلیسان با سیاست روس در ایران
۱۱۴-۱۰۳	

ضمیمه

۱۹۳-۱۱۷	عکس بعضی اسناد مهمه که در متن مندرج است
	نصّ معاهده انگلیس و روس در سنه ۱۹۰۷ در باب ایران (ترجمه از انگلیسی)
۱۹۶-۱۹۴	نصّ یادداشتی که وزیر مختار انگلیس در طهران سیر سسیل ا-پرنگ رایس در ۴ سپتامبر ۱۹۰۷ بدولت ایران فرستاده است (ترجمه از انگلیسی)
۱۹۹-۱۹۷	

نقشه مختصر ایران

مقدمه (۱)

کتاب «کشف بلیس» که باسم آلمانی *Englische Dokumente zur Erdrosselung Persiens* می «اسناد انگلیسی برای همه کردن ایران» در اواسط سده ۱۳۳۵ در برلین نشر شده و بعدها ترجمه انگلیسی و فرانسوی آن در هولاند و ترجمه سوئدی آن در اسوکهولم نشر شد یکی از بهترین کسی است که در باب ایران در فرنگستان نشر شده رورنامه «کاوه» مطبوعه برلین در شماره ۲۰ خود موزحه ۲۲ حمادی الآخره ۱۳۳۵ در باب این کتاب تقریبطی حالب بطر بوشه و آرا «یک صدای حقاقت و ندای عدالت تاره» اسم داده بود این کتاب حقیقه تا اندازه پرده از بیات انگلیسی در ناره ایران برداشته و اسباب تنه بررگی برای ایرانیان نواد شد. در شماره مذکور رورنامه «کاوه» وعده داده شده بود که عقرب ترجمه فارسی آن نشر میشود لکن بواسطه موانع زیاد انشار آن تا حال ساجیر اعداد و ایک خوشحانه در عره رح ۱۳۳۶ طبع آن انجام رسد

این کتاب با آنکه از روی حررت و بصیرت نوشته شده حالی از سهوهای حرفی و یا محاکمات شخصی خود مؤلف بیست که ما در اینجا اشاره نآهارا لازم نداسه و ترجمه کنایرا حناکه هست نشر مکیم.

بعضی خطاهای عاراقی و لغتی بیر در ترجمه شده که مخالف مسلک و شوه اداره «کاوه» است و سهوا داخل در کتاب شده از جمله در صفحه ۲۵ و ۹۴ بحای لفظ تصرف کلمه ما مابوس «اشعال» نوشته شده — در صفحه ۵۸ سطر ۱۴ بحای حق ردّ «حق رأی امساع» نوشته شده و در بعضی جاهای دیگر بحای ما امی «ما امتتی» و بحای ما مهران «نی مهران» و غیره و غیره سهوا آمده

این بود آنچه لازم باشاره دیده شد امد که این کتاب بعین مقول بطر هموطنان گردد.

«اداره رورنامه کاوه»

مقدمه

حبه کردن تدریجی یونان از طرف یک دسته دولی که «حمایت مالی کوچک» را ظاهراً بهاء اعمال خود قرار داده اند و با این حيله میخواستند در نظر ملت خود و سایر ملل اعتراف اخلاقی برای خود کسب نمایند همان رويته دیرینه بینش میبود که دول متفقین همیشه در فشار آوردن بملل دیگر بوسائل تهدید و وعید بکار میبرده اند.

بهترین مثال تاریخی برای این فقره بلاهات است که انگلیس و روس از سه ۱۳۲۴ (۱۹۰۷) تاکنون بر سر ایران آورده و میآورند.

هرچه بسر یونان آمده است خیلی بیس از آرا بر سر ایران آورده اند. به نقطه از طرف روسیه که عهد شکنی و بیحسانی آن نسبت باین مملکت بدیخ (ایران) در تاریخ کمتر نظیر دارد بلکه بر طرف «حامی صفا» انگلیس که در زیر نقاب دوست میاخی و مصلح خبر اندلس (مأمور حایه در ایران) همیشه برای آنکه قنیه شهر و اعتبار او بکلی از میان رود کار حلائی را بیک ار مل متحد خود واگذار میکند.

دو رونی و هاق انگلیس از ده سال باین طرف بسیاری از ایرابهایی با هوس وطن پرست را فریب داده است. ایرانیان خیال میکردند و امید داشتند که میاخی گری صافانه انگلیس که چه بسار در هنگام ضرورت باو متوسل شده بوده اند بالاخره ایران را از روال و اصطلاحات محلات خواهد بخشید و حمایت خواهد کرد. علاوه بر این در خود انگستان هم به فقط از حوزه اعضای آکادمی «برساکمیه»^(۱) بلکه از سیاستمدان درجه اول دواویگ استریت^(۲)

(۱) Persia Committee (جست طرفداران ایران)

(۲) Downing Street (کوهه انسب که مجلس و شورای انگلیس و وزارت امور خارجه

آن دول در آنجا واقع است و همیشه گناه اس از وزارت امور خارجه انگلیس مترجم

بر رویه سیاست انگلیس را در خصوص ایران سخت شقید میکردند. رفسور
ا-وارد راون حامی جدی ایران در انگلستان در کتاب معروف خود موسوم
«انقلاب ایران» و در بسیاری از نوشتات دیگر خود طرفدار ک سیاست
حسانه از طرف انگلیس نسبت بایران بود. و حتی اعاب اوقات ما عارات سخت
و کات تاج روس و انگلیس حمله کرده وار ایرو سی قلوب محروح ایرانیان را
سکین داده و ترصیه خاطر آمارا فراهم آورده اس. ادوارد گری هم که
مستول سیاست بیچ اندر بیچ انگلیس در ایران بود این مرد رسور را که
همواره محل واساب درد سر او بود بالاخره محال خود گداست تا مامد
طعین هاید پارک^(۱) بواسطه الفاء خطب و سررساتل و مقالات و انواع وسائل
دیگر حسیات حق رستی انگلیسار را تحریک نماید ولی رای تسلیه وحدان خود
ک قدم پس از این بیستر رفت.

انگلیسها رای آنکه تمام تقصیر خراب کردن ایران را گردن روسها اندارد
و اقدامات خود را در ایران مل یک حرکت اضطرابی حاوه دهد از دی
القعدة ۱۳۲۴ (دسامبر ۱۹۰۶) بایطرف تمام محاراب کتی و تلگرافرا که مابین
ورارتخاها و نمایندگان ساسی انگلیس در خصوص ایران رد و بدل سده بود نشکی
کتابهای آنی حیلی مسوطی سر دادند. تاریخ ایران حواں تقریبا بدون
قصص در این کتابها مدرج اس. یک دولی که از آسکار سدن حرکات
خود رس بداست و حتی مردم را تدقیق در اعمال خود دعوت مامود
دین وسله وک تیرهای حمله کسندگان خود را در هم سکس و هجوم آمارا
باطل کرد.

رای کسانی که از حریان سیاس انگلیس اطلاعات سطحی دارند در وهله
اولی یک حین دفاعی سیار مؤثر و ناجه نظر میآید. لکن اگر قدری با
عمق ودقت در کتابهای آنی ملاحظه سود مقصر بودن حتمی انگلیس در خصوص
حال رقب اگیز حایه ایران که این مملکت هیچوجه مستحق آن سوده بطور وصوح
آسکار مسود. چه کاعدها و تلگرافهای همین کتابهای آنی هرچند که رای

(۱) نام عمومی شهر لندن اس که هم گردشگاه رهم محل بطق با حق و واعطی

مدافعه نوشته شده است و قید که بذقت در آنها عور شود اسناد محکمی است از عهد شکسپائی که کمتر ملتی باین واسطی یا بعارهٔ احرری ما این بی‌سرمدی خود آنها را تصدیق کرده است. ایالات متحدهٔ امریکا که امروز طاهرًا حاصراند رای هر تخطی از قوانین بین الملل صدای خود را بلند کند در آن زمان هیچ تمیزی رای اعراس بیافتد.

هر قدر کتابهای آبی نان زمان ردیگرتر میشود که برگزین عهد سکسها در آن واقع شده یعنی آن سالهایی که ایران از دو طرف طعمهٔ سیاسیه حصه کرده شده بود در اوّل تلگرافات این حمله یستردیده میسود: «مضمون قسمت مهمّ تلگراف دبل، (یعنی عین تلگرافات را در بسیاری از مواضع در کتاب آبی درج نکرده بلکه باستحراحی از آنها استکفا نموده‌اند). در ایکه بعضی تلگرافها در کتابهای آبی درج شده و محرمانه نگاه داشته شده است هیچ جای شک نیست و این فقره بطور وضوح از اینجا معلوم میسود که در بعضی تلگرافات و کاغذها سیاستون انگلیس سارهٔ اسناد اساره مکسد که هر چند تاریخ رور و ماه آنها داده شده اسب اکن خود آن اسناد در تحت عنوان آن تاریخ در کتابهای آبی اصلا و امدا یافت نمیشود. مهمّ ترین مالی از رای این فقره یاد داشت مشهوری اسب که سر سسیل اسپرینگ راس^(۱) چهار رور بعد از امضای عهد نامهٔ روس و انگلیس در سال ۱۳۲۵ (۱۹۰۷) بدولت ایران داد.

مقصود ما از جمع این رساله ایست که توسط اسناد خود انگلیسها ثابت نماید که ایسان با چه بشرمدی و بیجائی حقوق اساسی یک مملکت مسرو را که رای استحکام استقلال خود بیدار شده بود بایمال کردند و حتی حقوقی را که خودشان رای بدست آوردن آنها کمک کرده بودند از تصدیق و اعتراف بداهای سانه حالی کردند.

اساس این رساله چاکه گفته شد اسناد رسمی است که دولت انگلیس منتشر ساخته است ولی مانع ما فقط منحصر باین اسناد نیست.

در حصوص وقایع این سوات احرره اسناد دیگری بر مثل بوسستحات قونسولاجاهٔ انگلیس در سیرار در دسب داریم. واعاب این اسناد عدت

«خیلی محرمانه» ر بالای آنها مسطور است و قطعا در کتابهای آن هیچوقت ممکن بوده درج شود.

توفیق موقی مستر اوکور^(۱) قونسول انگس در شرار بواسطه قراسوران ارانی در محرم ۱۳۳۲ (نوامبر ۱۹۱۵) در آن موقع بود که اسناد قونسولخانه دست آلمانها افتاد) انگلیسها و محصولات آنها را خیلی مشاغل ساخت. لرد گری توفیق اوکور را یک دردی و عارتگری که هیچ دلیل ندارد نامید. لکن رسم معمول در مقابل تقصیراتی که گردن خود انگلیسها در ایران قبل از توفیق قونسول ایشان در سیرار با همدستی عمال قونسولخانه متفقین وارد آمده بود کلی ساکت ماند.

در اواسط ربیع الثانی ۱۳۳۲ (اوایل مارس ۱۹۱۵) واسموس^(۲) که سم فوسولگری امپراطوری آلمان در سیرار نامرد و مصوب آن نقطه در حرکت بود بجهت تمام از یک حمله که محرک انگلیسها در حوالی سیرار بر سر او وارد آمد فرار کرد. و در همین حمله رفیق راه او دکتر لدرس^(۳) طب آلمانی بحس انگلیسها افتاد. و مقارن همان اوقات یر دکتر لیستمان^(۴) فوسول امپراطوری آلمان در بوسهر را با هر آیرهوت^(۵) یکی از عمال مختارخان «وکهاور»^(۶) در بوسهر با عیال سه ساله مدترین وصی صاحب مصان و عمال فوسولخانه انگلیس در آن شهر دستگیر کرده و آنها را با دکتر لدرس از راه سره هندوستان حمل کردند. و اکنون لیستمان و آیرهوت و دکتر لدرس در محس احمدگر در هندوستان در حبس هستند. همچنین روسها برای آنکه از متحد خود عقب مقتد فوسول عبا را در رس برتس کرده و روسیه برسد.

فصل اول

پس از وفات مظفر الدین شاه ایران در یک حال اسفناکی بود ولی نکلی ناس آور نمود. آنچه از عهده ناصر الدین شاه برآمد که با دولتی که در ایران ناکدیگر رقابت و همجسمی میکردد بسکلی رفتار نماید که ایران از آنها اسفاره کند از عهده سر شایل او مظفر الدین شاه بریآمد چه او فقط آتی بود در دسب هستندین. احتیاج دائمی مظفر الدین شاه و وررای نیملات او سرول او را محصور کرد که در تحک سراطی که ترقی آزاد اران را در خطر اداح ورمه دولت مستقل ایران را تدریج بدست روس واگیس و نمایندگن ساسی آنها در ایران داد قروصی جد از دولتان مر نور نماید.

محره که ناصر الدین شاه در عقد یک استقراض بدسب آورده بود ورای ای حیل گران تمام سده بود نایستی رای مظفر الدین شاه اسباب عبرت ودرس کردد ولی بدخته سدد. در ضمن باید گوئیم که همین مقره قرص ناصر الدین شاه که در دیل بدان اساره خواهیم کرد ناب میکند که ملت ایران از همان اواخر قرن سیردهم هجری نامور و حالات ساسی عادت کرده بود. و دیگر ارکه هتال مسروطه حیلی متریویستراز آنکه بعضی نویسندگان بول مگر (مل د. فریرا^(۱)) بهالی اروپا معواهد عهمامد تهته سده بود.

ناصر الدین شاه در سال ۱۳۰۷ (۱۸۹۰ میلادی) احصار کلن خرید و فروش توتون را بیک سرک اگایی ربع عادات سالانه آن که تقریباً ۱۰ مامور مارک (قریب سح کرور تومان) میسد فروح. بواسطه ک قوانی از طرف محتهدین در سال ۱۳۰۸ (۱۸۹۱) تمام تحار بوبون وروس دکاکین خود را اسه و ملت بیر دیگر بهیحوحه توتون استعمال نمود صور که در اندک رمای تحارت توتون نکلی خواسد. بالأخره ناصر الدین شاه محور سد که قرار داد

انحصار را مسح نماید و این ممکن نبود مگر بعد از اداء یک وجه خسارتی معادل ده ملیون مارک (فریب پنج کرویر تومان) شرکت لندنی مذکور. این مبلغ را از قرار تفریل صدی سس قرض کردند و پرداختند. و این قرض یک ارب بسیار ناگزاری برای مظفر الدین شاه ماد که از مدرس باو منتقل گردید. بعد از ده سال و نیم که مظفر الدین شاه با سوء اداره سلطنت کرد در حین وفات خود جدید قرض دیگر بر این قرض که از مدرس باو رسیده بود اضافه کرده و مالیه ایران را بی اندازه سنگین نموده بود. بیس از هفتاد ملیون مارک (فریب ۱۸ ماون تومان) از صرافها و تجارخانههای روسی و انگلیسی و هندی فروس تازه اضافه شده بود در آنکه سر سوزنی فایده محال ملت ایران داشته و آنها را یک قدم حلوتر برد.

جدول ذیل صورتی است از قروض دولت ایران در سال ۱۳۲۴ (۱۹۰۶) و از آن معلوم میشود که قرض دهنندگان چه شرایط سختی در دادن پول کرده اند:

سال ۱۳۰۹ (۱۸۹۲) قرض برای ادای خسارتی که ناصر الدین شاه برای انحصار توپان داد: ۵۰۰۰۰۰۰ ایره (۱۰ ملیون مارک).

قروض ایران در زمان وفات مظفر الدین شاه.

سال ۱۳۱۷ (۱۹۰۰) - قرض اول از روس از قرار تفریل صدی پنج بموعده ۷۰ ساله با شرط آنکه در ده سال اول نمیتوان آن قرض را پرداخت از قرار بربول ۸۵ : ۲۲ ملیون و نیم منات (۴۴ ملیون مارک).

شرایط این قرض:

- ۱ تمام فروس ایران بحارجه از همیں بول پرداخته شود.
- ۲ - تعهد دولت ایران که از این یبعد از حارحه هیچ استقراضی عقد نکند مگر با اجازه دولت روس.
- ۳ تمام واردات گمرک غیر از گمرکات بادر جنوب ببالک استقراضی عاید سود و ناک مذکور بعد از کسر اوسط بقیته آنرا (اگر بقیته بماند) در هر سس ماه بدولت ایران بردازد.

سال ۱۳۲۰ (۱۹۰۲) - قرض دوم از روس در تحت همان شرایط فوق :

۱۰' میلیون منات (۲۱ میلیون ویم مارک) .

سال ۱۳۲۲ (۱۹۰۴) - قرض سوم از انگلیس بتوسط بانک شاهنشاهی از دواب

هند با اجازه روس : ۱۹۰۰۰۰۰ لیره (۳۰۸۰۰۰۰۰۰ مارک) .

سال ۱۹۰۵ (۱۳۲۳) - قرض چهارم از انگلیس مانند فوق : ۱۰۰۰۰۰۰ لیره

(۲ میلیون مارک) .

ضمانتها در مقابل این دو فقره قرض اخیر :

۱ - عایدات سیلات بحر خرد ورود خانهای که در آن میریرند

(تقریباً ۶۰۰۰۰۰ تومان) که امتیاز آنرا دولت ایران تقریباً ۳۰ سال

قل بیک نفر روسی مسمی به لیانازوف^(۱) داده بوده است .

۲ - اگر این مقدار کافی نباشد عایدات تلگرافات ایران هم باید

داده شود .

۳ - در صورتی که آن کافی نباشد عایدات گمرکات جنوب ایران

نیز داده شود .

(بواسطه شرایط ۲ و ۳ دولت ایران اختیار تصرف آزادانه خود را در عایدات

تلگرافات ایران و گمرکات بنادر جنوب از خود سلب کرد) . این دو قرض

امدها جزو قرض سال ۱۹۱۱ گردید .

هرچند مجموع این قروض که به ۸۰ میلیون مارک (قریب ۲۰ میلیون تومان)

میرسد نخودی خود در مقابل محلی که ایران برای ادای آنها دارد از قبل

روت اراضی ایران وامکان وضع مالیاتهای جدید بتوسط اشخاص قابل .

اطلاع از امور مالیه چندان فوق العاده و زیاد نظر نیاید ولی این قروض از

لحاظ شرایط سنگینی که در عقد آنها برگردن دولت ایران تحمیل شده است یک

بار خیلی سنگین ناگواری برای دولت و ملت ایران گردیده است مخصوصاً سر

آنکه دولت ایران تا مدت هفتاد و پنج سال اگر قرض مذکور را پرداخته

نشد نمیتواند بدون اجازه روسیه قرض جدیدی نماید تا قید آنکه دولت ایران

در ظرف ده سال اول مطلقاً نمیتواند قرض مذکور را بپردازد .

با این همه قبل از وفات مظفرالدین شاه اشعه نورانی برای ملت ایران طلوع کرد. ملت ایران که از فروخته شدن حقوق خود روس و انگلیس متوسط درباریان ستوه آمده بود بواسطه یک مقاومت صلحی غیر مسلح که شاهکار ملل مسرق رمین و بهترین وسایل تحصیل مطالبات ایشان از قوای حاکمه است بالأحره در حمادی الآخره ۱۳۲۴ (ماه زویه ۱۹۰۶) یک مشروطه و یک مجلس شورای رای خود از دولت تحصیل نمود. مجلس شوری در ۱۷ شعبان (۱۹ اوت) همان سال افتتاح گردید. اعمال این مجلس را در اروپا که در آنوقت احوار اغلب از مانع روس و انگلیس میرسید فدری بطور استهرا تلقی کردند. ریرا کسی تاریخ سرگذشت و تفصیل حرّیات آرا میدانست و آن قوای مقتدری که هر کار حدّی مشروطه و مجلس را عقیم میکردند نمیدید. ویر اروپا در مقابل یک ملت مسرقی که یکدفعه از حالت استبداد در حه مشروطه معخواست ترقی نکند آب صبر و حوصله را که در مقابل «دوما»ی روس ظاهر ساخت نداشت و متعجب نمشد که بدفعه اعمال مجلس ایران را بدرج ملاحظه نماید.

و در حقیق مجلس از همان اوّل انعقاد خود حدّا شروع بکار کرد و در همان ماههای اوّل جلسات خود بیسهاد یک فرص روس و انگلیس را بمقدار ۴۰۰۰۰۰ لره (یک مقدار خیلی که در اندک مدّتی در قعر حیب درباریان نبود بپسند) ردّ کرد.

در ۱۳۲۴ (۱۹۰۱) محمد علی شاه که مشهور روس دوستی و دسمی با مشروطه بود و از همان عهد حکومت استبدادی خود در آذربایجان اسباب خوف و تفرّ ملت سده بود بحای مظفر الدین شاه ر تحت سلطت ایران نشست. همان مجلسی که بعضی اروپائنها بطور استهرا میگفتند که شاه نا اعتنا دارد و آرا کالعدم می‌مدارد در اندک مدّتی بعد از حلوس شاه با یک عزم حرم وطن رسانه وجود خود را ظاهر ساخت. اوّلین کار او این بود که شاه را محبور کرد باحراج بور (۱۱) تاریکی. بور مامد سایر لمزیکها که در خدمت دولت

(۱) حتی محتر تاتس داود فریر (David Inss) که دهس در باب ایران حبیب مشوب اسر ر بور (۱۸۸۹) و حرکات او را نقد میکند و از حله میگوید او مسیحی ن صدمام ود (رجوع کند کتاب او ایران و انقلاب عثمائی صفحه ۵۱) علاوه بر اس

ایران بودند بواسطه اقداماتی که ر صد مافع ایران کرده بودند ایرانیان را فوق
الماده محکم آورده بود. یکی از کارهای نور امضای آن دو فرص از دولت
روس بود که استقلال این مملکت را شدت متزلزل صاحب. و همین نور
بود ترتیب دهنده آن تعرفه گمرکی که فقط از نقطه نظر مافع روس نوشته شده
و بواسطه قلب مقدار گمرک که در آن تعرفه معین شده است یکی از مهم ترین
و مهم ترین مافع عایدات ایران را بریده و باطل کرده است (۱).

در ۲۲ ربیع ۱۳۲۵ (۳۱ اوت ۱۹۰۷) روس و انگلیس عهد نامه مسهور را
که ایران را بدو منطقه خود و یک منطقه بیطرف تقسیم مکن امضا کردند. در
امضای این عهد نامه از طرف مهم یعنی از خود دولت مستقل ایران هیچ حوجه
سؤالی و مشورتی نشده بود. در همان روز انتشار این عهد نامه رئیس الوزرا
اتاک اعظم که یکی از مستدین درجه اول بود و شاه او را ر صد میل ملت از
تعهد آورده و رئیس الوزرا عمده بود کشته شد. هیجان و عصب ایرانیان در
باب تقسیم مملکتشان با اداره بود که چهار روز بعد از امضای عهد نامه سیر
سسیل اسرینگ ریس (۲) وزیر مختار انگلیس در طهران برای تسکین افکار
نامه بوریر امور خارجه ایران یک یاد داشتی فرستاد که مضمون آنرا انگلیسها

صدمای که فریر آن اشاره مکنند حدان غیر قابل تحمل خود بعد از آنکه نور مالتاب
ایران را نکلی حرات و در هم برهمه صاحب آنوقت از عیدانی که در ایران او رسد دهات
بسیار و تصور زیاد در بلرک برای خود حریه (رجوع کنند بکتاب سوستر حفه کرد
ایران صفحه ۶۳)

(۱) مرگان شوستر در کتاب خود (حفه کردن ایران صفحه ۲۷۱) گوید اگر
کسی از نقطه نظر ایران ملاحظه کند این تعرفه نور بندیرین و مصریر تعرفه هی دنا
است سوستر در اینجا بعضی ارفه ندسب مدهد گمرک واردات و صادرات بر سان
۱۹۰۹-۱۹۱۰ ملادی رویهم روه فقط چهار ویم در صد نسبت اصل فمب مان التجاره
عاندی داش روسته که نصف تمام واردات و صادرات ایران سهم اوسب رای مان التجاره
هی خودس که فمب باشد فقط صدی سه و برای نفت نصفه سده فقط صدی سه گمرک ممداد
علاوه بران روسته براربت (عورنی گمرک) هر مان التجاره عر روسی را برای ایران
دعس کرد لهدا بخار عر روسی سعی کردند که بواسطه تسه های امانت سی (کلی سان)
که عور آنها از روسته از فرار عهدنامه بی المللی آزاد است و حی ، کردند آنرا نداده مان
التجاره مان وارد کنند

در کتابهای آبی خود درج نکرده‌اند ولی موضوع آن بعدها در مجلس وکلاي انگليس مطرح شد و صحت آن ثابت گرديد (۱). مضمون بعضی از وترات این یاد داشت را ما در اینجا نقل میکنیم :

«هیچیک از دولتين متعاهدتين بهیچوجه چیزی از ایران نمیخواهند. بنا براین ایران میتواند تمام قوای خود را صرف انتظام امور داخلی خود نماید این قرار داده صریح بمنافع ایران دارد و نه بمنافع هیچیک از دول خارجة دیگر. زیرا این فقط قرار دادی است بین روس و انگلیس که من بعد در ایران اقداماتی کنند که برخلاف منافع دیگری ناسد. و بنا براین ایران در آینده ار موانعی که تا بحال سدّی در جلو ترقی آمال سیاسی او بود نکلی آراد خواهد بود از این بعد ایران میتواند با حمایت و مساعدت دول قوی همجوار تمام قوای خود را برای تطهیم امور داخلی خود بکار برد غرض دولتين متعاهدتين بهیچوجه حمله و تهدید بایران نیست بلکه برعکس مقصودشان اینست که استقلال و آزادی ایران را الی الأبد تأمین نمایند نه فقط هیچیک از دولتين متعاهدتين بهیچوجه بهانه برای مداخله در امور داخلی ایران نمیخواهد داشته باشد بلکه هیچیک از آنها بدیگری اجازه هیچگونه مداخله را بهانه حفظ منافع خود در ایران نخواهد داد. دولتين متعاهدتين امید دارند که از این بعد ایران از هرگونه ترس مداخله خارجی مطمئن و فارغ البال سده و نکلی آرادانه برطبق میل و صلاح حال خود امور مملکت خود را هرطور میخواهد اداره نماید» .

چطور روس و انگلیس این قول خود را محصوّمًا آنکه بهانه حفظ منافع خود در امور داخلی ایران مداخله نکنند نگاه داشتند بزودی معلوم شد. با وجود آنکه محمد علی شاه قسم خورده بود که از مشروطیت نگاهداری کند ک دولت مشروطه همیشه در جیم او جاری بود. در ۹ ذی

(۱) من باد داشت مزبور در کتاب براون «انقلاب ایران» و در روزنامه جبل المتین طهران (مورّخة ۱۴ سنه ۱۹۰۷) و در کتاب شوستر خفه کردن ایران صفحه ۲۸ چاپ شده است.

القعده ۱۳۲۵ (۱۵ دسامبر ۱۹۰۷) محمد علی شاه رئیس الوزرا ناصر الملک را حبس کرد. نه این حرکت و نه تحریکاتی که مردمان معلوم الحال بر ضد مجلس میکردند هیچکدام منتج نتیجه نشد. عده کثیری از داوطلبان مجلس و وکلای محافظت میکردند. شش ماه بعد در ۲ جمادی الأولى ۱۳۲۶ (۶ ژوئن ۱۹۱۸) اولین قول شکنی یاد داشت سسیل اسپرینگ رایس^(۱) که دوالتین متعاهدین در امور داخلی ایران مداخله نخواهند کرد بظهور رسید: سفر روس هارتوبگ^(۲) که بواسطه تحریکات و دسباس خود در بلگراد در مقدمه این خنک عالمگیر معروف شد و مارلینگ^(۳) سارز دافر انگلیس در ایران مجلس و یسروان مایور را تهدید سخت نمودند که اگر مقاومت آنها در مقابل میل شاه خاتمه پیدا نکند ایسان اقدامات سخت خواهند کرد.

بواسطه این تهدید بهائش وزراء و مجلس محمد علی شاه جسور شده و بعد از آنکه در خارج پایتخت اقامتگاه خود را در جای امی مستقر کرد و بعضی از معاریف مشروطه طلبان را بخدمت خود آورده و بختیاری نمود بقتل آن «تبدیل وضع» (کودتا) مشهور ۲۳ جمادی الأولى ۱۳۲۶ (۲۳ ژوئن ۱۹۱۸) را بعمل آورد. محکم او دستجات قزاق ایرانی که در تحت ریاست لیاخوف^(۴) صاحب منصب روسی بودند مجلس را گلوله باران کرده و حضار بعضی کشته شده برخی بحبس افتادند و بعضی هم فراری شدند.

نتیجه این «تبدیل وضع» یک هیجان عمومی شد مخصوصاً در شمال ایران. تبریر را که مرکز هیجان ملی بود دولتیان قریب یک سال بیفائده محاصره کردند. یک اتفاق غیر منتظری در این سال باعث هیجان شد و آن این بود که سردار مخصوص شاه سپهبد اعظم بطرف ملیون رفت و همچنین الی بختیاری هم آنها را بحق سد. بختیارها طهران را تصرف کردند و لیاخوف حکمران نایبست و بریکند قزاق ایرانی که در تحت ریاست او بود شاه را تنها گذاشته تسلیم شدند. تمام ایران بر صد شاه متحد گردیدند. شاه بالأخره چون دید که کارش تمام شده در ۲۷ جمادی الآخره ۱۳۲۷ (۱۶ رولیه ۱۹۰۹) از سلطنت استعفی داده تحت ایران را بیسر نابالغ خود ساطان احمد شاه باز گذاشت.

که درد معروف رحیم خان جلیلاولورا که بواسطه قشون دولتی محاصره شده بود از سرحد روسیه فرار دادند و دولت ایران از روسیه مطالبه کرد که آن دردی را که دولت روس مخصوصاً برای دستگیری او قشون بایران فرستاده بود بر طبق عهدنامه ترکمانچای^(۱) بدولت ایران مسترد سازند خواهش دولت ایران را کلی تهازل کرده و نشت گوس انداختند^(۲).

کابینه جدید ووکلائی مجلس تازه علاوه این انقلابات و هیجانهای داخلی که بواسطه اردیاب دایمی قشون روس لایق قطع در تراید بود کار بسیار دشوار سبکی در مقابل خود حس میکردند و آن اصلاح امور مالیّه و تعدیل بودجه دولتی بود. واضح است که سهل ترین طرق برای مرّت امور مالیّه ایران را انگلیسها در سال ۱۳۲۲ (۱۹۰۸) کلی مسدود کرده بودند. در آنوقت وزیر مالیّه صبیح الدوله نکلی حداکثر از مستشار فرانسوی مسیو بیرو^(۳) که شوستر او را در کتاب خود خوب وصف کرده است^(۴) بودجه خودش را بمجلس پیشنهاد کرد صبح الدوله طرفدار مالیّات نستان ناراضی شهری و امروندن رگمرک واردات اندوهای بود تا عایدات این مانع صرف تطمیع عمومی مملکت و ساحات طرق و سوارع و ایجاد مدارس سود. لکن ر صدّ یک حس اقدامی که برای «منافع مخصوصه» همسایگان مصرّ بود نمایندّه سیاسی انگلیس مارلسگ قیل از هرکس بدولت ایران^(۵) اعتراض کرد و با یک وضع ساده لوحی بسیر ادوارد گری تلگراف

(۱) صلح ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ (۱۸۲۸) جنگ ایران و روس حایه داد صغو عهدنامه ترکمانچای روسها مجبورند که هر درد و سرکش ایران را که روسیه فرار کند کرده بدولت ایران مسترد سازند

(۲) در کتاب آنی انگلیس ایران ۱۹۱۱ شماره ۱ عمده ۲۳ مسطور است که سر سکسون سفیر انگلیس در بطرربورع سر ادوارد گری تلگراف میکند این بسبب درای طبیعی است^(۱) که دولت روس ردّ حواهد کرد طبعی بر گویا آن بود که معاهدهای امضا شده و با قول سرفرا دولت روس مرعی دارد رجوع کند نکات سوستر حعه کردن ایران ص ۵۵

(۳) Izot

(۴) رجوع کند نکات سوستر حعه کردن ایران ص ۶۶

(۵) رجوع کند کتاب آنی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۰۹) عمده ۱۱۳ مراسند مارلسگ سر ادوارد گری یکی از واضح ترین مالهاس برای اینکه انگلیس حیّ قیل از

کرد که وریر مالتۀ تاره یک قرص تارۀ از خارحه (واصح اسب در مقابل امتیارات تاره) در نظر ندارد بلکه می‌خواهد ابتدا بر مایع واردات بفراید تا آنها صامتی نشود برای قروض آتیه.

ولی از آنجائی که بدست آوردن مایع تاره برای مالیات بدان فوریت ممکن نبود و وضع و ترتیب مالیات هم یک تسکيلات و ترتیب مخصوصی لازم داشت و برای این مقصد هم لازم بود که منظمًا بمعال ادارات مواحب و ماهیة آنها پرداخته شود و این هم بواسطۀ صیق مالتۀ محالۀ ممکن سود بالآخره هیچ وسیلۀ دیگری بتصور نمی‌آمد مگر باز همان راه معذور قرص. لهذا دولت ایران تا بعضی از دلالات و صرفااف فرانسه و همچنین با یک ناک خصوصی لندن داخل مذاکرات سد ویر بحال گروگ-اردن حواهرات سلطنتی افتادند. باری هر وسیله و راهی که ایران را از استقراض از انگلیس و روس با آن شرایط کمر سکن آنها محفوظ ندارد بطر حوب می‌آمد. لکن روس و انگلیس بکاره تمام این مذاکرات بواسطۀ یاد داشت ۲۶ ربیع الأول ۱۳۲۸ (۷ آوریل ۱۹۱۰) که بدولت ایران فرستادند حاتمۀ دادند. مضمون این یاد داشت «کس دار» اس بود که دولت ایران باید هیچ قرصی از خارحه نکند که شرایط آن منافی با مایع نسائی («استراتژی») و سیاسی دولتین روس و انگلیس باشد^(۱). و چون اغلب قروض خارجی لابد در مقابل بعضی امتیارات و سراطی ممکن الحصول می‌شود و هر گونه امتیارات و سراطی را که دولت ایران بخارحه بدهد بهای بدست روس و انگلیس می‌دهد که آنها را منافی با مایع نسائی و سیاسی خود فرص کسد لهذا بالمال بتجۀ این یاد داشت سدّ هر گونه قرص خارجی برای دولت ایران می‌گردید. در ۱۰ جمادی الأولی ۱۳۲۸

رمان شوستر و تشکلات عافلاۀ او ساعی بود که حلوی هر گونه اعدامی را برای ادخل اصلاحات تاره در امور مالتۀ ایران با دلال و راهین بمعنی بگیرد. مرسلة مارلینگ در خصوص رفتار نامووار خود با وریر مالتۀ ایران صمع الدوله که شوستر هم با همان عقاید او (بعی صصع الدوله) همراه سده بود با این حمله حقیر انگیز حتم می‌سود. لرومی ندارد که شرح مفصلی در باب بوده، صصع الدوله داده شود.

(۱) رجوع کسد کتاب آی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۱) عمده ۸۷ بدلاوه

(۲۰ مه ۱۹۱۰) روس و انگلیس (به فقط روس چنانکه راوون میگوید) از ایران حراً قول گرفتند که هیچ کس امتیاز راه آهن ندهد^(۱).

بدین لحاظ هیچ حای تعصّب سود که دولت ایران که از این مداخله ناحق دولّین همحوار خشمگین شده و ملت ایران هم بالطبع نا او همراه بود قرص^(۲) تاره از روس و انگلیس را قول نکرده ردّ نمود وسی کرد که احتیاج مالی دولت را که روز بروز ریادتر میشند بواسطه یک قرص داخلی رفع نماید. لازم نیست گفته شود که قوای کاری این هیجان ملّی اسخاص قابل ماهوسی از اعصای مجلس بودند، هال اسخاصی که راپرت سمبارت انگلیس مورّحه دی القعه ۱۳۲۷ (نوامبر ۱۹۰۹)^(۳) در حق آنها میگوید: «اینها مردمان هستند پاکدام و بی آلائش که بواسطه رؤسای قابل راهبائی شده وقوّه لارمه رای احرای تشکیلات حدردا تهیه میباید». لکن از آنجائی که این اشخاص همه وطن پرست و رای همراهی با یک سیاست بر صدّ مافع ایران محجوحه حاضر مودید مارلیگ سارز دافر انگلیس این فرفه مجلس را رای هم حورددن قسه روس و انگلیس (که نمیده او آن قشه با مافع ایران توأم بود) مسئول میسارد. مارلیگ با ک حال عصب مصحکی در ۱۶ رحب ۱۳۲۸ (۲۴ رویه ۱۹۱۰) لندن تاگراف میکند: «این اشخاص مافع مملکت حودرا فدای سوء طنّی مآحدی کردند که مقاصد دولّین (روس و انگلیس) داشتند^(۴)».

سیاست که مدّحه و اصراری مجلس بالطبع بر اعتشاس امور که لازمه حراّه حالی است همواره میافرود. مداخلات نامشروع روس (از قبل مسئله داراب میرا^(۵) در سال ۱۳۲۸ = ۱۹۱۰) ایلات را که همسه راههای کاروان رو

(۱) رجوع کنید بکتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۱) ج ۸۱ علاوه نمّه ۹۱. در آنجا تصدیق میشود که در داد هر گوبه امبار از صرف دولت ایران بدول دیگر انگلیس و روس حقّ قفده دارند و اوّ ناند از آنها سوأل سود

(۲) رگری [در کتاب آئی شماره ۱ (۱۹۱۱) نمّه ۱۰۷] از این سراجّه حه که به سراجّه حلی آسان تعدیر میباید

(۳) رجوع کنید بکتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۰) نمّه ۲۶۹

(۴) رجوع کنید بکتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۱) نمّه ۱۳۳

(۵) رجوع کنید بکتاب شوستر حه کردن ایران صفحه ۴۵

ایران را معشوش میکردند حری تر کرده آنها را وادار میکرد که تمام وسایل زندگی خود را بصرر دولت ایران از چپاول و غارت بدست بیاورند.

ماه شاه این حال هرج و مرج بیشتر و این ناری اسفاک مکررتر میشد. و آن ایران که همه وسائل را که برای تحلیف ادارات خود لازم داشت روس و انگلس وضع کرده بودند و حتی آن مقدار کمی وجه هم که بحراة ایران وارد میشد سهد انواع ادعای خسارت از او مگرفتند نایستی که با یک صد ایوان بیهودات روس و انگلس و تحکیمات نامنروع ایسان را نامم تقاضای اعاده نظام و امنیت تحمل نماید. مارلک کهمل سسارت انگلس لایققطع بدور حسنگی در خصوص نامی عمومی در سهرها و اعتشاس راههای تجارتی بلدن تاگراف میکرد. این تلگرافات شکایت آمیز که کم بدرجئه اعلى رسد و بالاخره در ۱۱ شوال ۱۳۲۸ (۱۶ آشتور ۱۹۱۰) دولت انگلس آن اتمام حجت معروف را بدولت ایران فرستاد. مضمون آن این بود که اگر رقراری اعلم وامیتب در راههای تجارتی حونی ایران « بطور دلخواه دولت انگلس، در طرف سه ماه بحم بدیر دولت انگلس این مسئله را خود بفسه بواسطه یک قشون هزار لی هزار و دویست هری در تحت فرماندهی صاحب مصال هندی و انگلسی بدست خواهد گرفت و محرج این قشون از اصافه صدی ده رگمرکات و رات سار حونی ایران علاوة مالیات ایال فارس برداخته خواهد شد (۱). بدست و اسخر انگلس فقط رای رواج تجارت خود در ایران محواس که روس مستقل ایران از عیدات خود یک قشون پولیس حاضر کرده آنها را سلاح سرد و ر همه حب ر آنها نگاهداری کد.

این تمام حب به فقط در ایران بلکه در اسلامول هم که محامع بسار از روس و عجمها گرد آمده و استراض کرده وحسم وعصب اهالی را محرکت آورده بودند سسار هساح سدید و تأثیر عمقی گردید و حتی این فتره اسباب تعجب بعضی انگلسان شد که بپوده سعی میکردند که قصه (حقایت رستی) انگلس را بدست آورند. دولت انگلس این سوء تأثیرات و هساح را خود

تصدیق می‌کند^(۱). در حوای این اتمام حجت وریر امور خارجه ایران حسینقلی خان نوای^(۲) ریان سیاسی و در زیر برده اصطلاحات دیپلوماسی (ولی رای کسانی که می‌توانند بین السطور را بخوانند واضح و آشکار) تمام تفصیلات را یک یک بگردن روس و انگلیس می‌اندازد^(۳)، و این ادعای انگلیس را که او بمیل خود می‌تواند گمرکات واردات مملکتی مستقل مثل ایران را صدی ده بالا برد نکلی رد می‌کند، و این اقدام را فقط حق طلق دولت ایران میداند، و در مقابل شکایات انگلیس در خصوص خسارتهای تجارتی که با او وارد آمده ثابت می‌کند که با وجود «نامی» عمومی به آنکه فقط در واردات مال التجاره در ایران احتلالی و قصاصی راه یافته بلکه در سال گذشته واردات مال التجاره در ایران صدی ده هم سست واردات سالهای گذشته ترقی کرده است.

انگلیس در خواسته‌های خود را بالاخره با کمی تغییرات در شکل آن از بیش رد و با روسیه متفقاً بایران فرص تازه داد که در مقابل آن ایران تمام عایدات گمرکی و عایدات تلگراف و صرّاحانه را بگرو گذارد. دولّین در شروط این قرض مخصوصاً پرداخت مقررّی سالیانه شاه مخلوع و نگاهداری ریگاد قزاق (که روسیه آنرا از زمان هجتل مشروطه برای خاموش کردن این آتش بکار می‌برد) و دادن مقررّی قشون و مسلّح کردن آن و مخصوصاً ایجاد یک قراسوران همیت ربا داده بودند. ایتالیا بدیروفت که معلّین قراسوران بایران فرستد ولی سوئد رای این امر حاضر گردید. در ۱۹ سنان ۱۳۲۹ (۱۵ اوت ۱۹۱۱ میلادی) پامارس^(۴) رئیس کلّ قراسوران ایرانی با دو نفر همکار وارد

(۱) سیر انگلیس تاریکی در ۱۷ دی القعه ۱۳۲۸ (۲۰ نوامبر ۱۹۱۰) مکتوبی
 • ولسد این عقده که در یک قسمی از مطبوعات اروپا اظهار شده است که این یاد
 داشت آخری مقدمه تقسیم ایران است بواسطه روس و انگلیس در این مملکت (ایران) بی
 ار مانده است معالای حراید سارحرا در ایران ترجمه کرده و بدون کم و زیاد چاپ و منتشر
 ساخته اند و در بعضی آن در بعضی جاها بیشتر از مطبوعات اروپا اعراق گونئی شده است
 (کتاب آتی شماره ۱ [۱۹۱۱] مره ۲۰۷)

۲۱ که حاله سمر دولت ایران است در برلین

(۳) رجوع کند کتاب آتی شماره ۱ (۱۹۱۱) مره ۱۹۹ و صمیمه

طهران گشت. بعد از او چندین صاحب منصب سوئدی دیگر وارد شدند. باین نحو شالوده یک قراسوران ایرانی که اعمال آنها در این جنگ عمومی خیلی جالب انظار گشت ریخته شد. این قراسوران عبارت بود از یک دسته قشون نظامی که برای محافظت راههای تجاری ایران با پول ایران در تحت ریاست صاحب منصبان سوئدی که مستخدم ایران شده بودند بزور انگلیس ایجاد شده بود.

سال ۱۳۲۹ برای تاریخ جدید ایران بواسطه ورود مرگان شوستر^(۱) امریکائی که بتصویب مجلس شورای ملی ایران و بتوسط دولت امریکا بسمت ریاست کل خزانه داری بایران آمد و جای ییزو فرانسوی را گرفت یک اهمیت فوق العاده پیدا کرد^(۲).

ورود شوستر بایران در زمان پر آشوبی بود. در همان زمان نسبت بحاکم اصفهان و برادر زاده او سوء قضدی واقع شد. خود حاکم سخت مجروح و برادر زاده اش کشته شد. مرتکبین که اتباع روس بودند بقونسولخانه روس بست نشستند. وقونسولخانه از تسلیم ایشان بادارات ایرانی امتناع نمود. پنج روز بعد از این واقعه وزیر مالیه ایران صنیع الدوله که طرف تنفر و بی میلی سفارتخانههای روس و انگلیس بود^(۳) بتوسط دو نفر جانی کشته شد و در گرفتاری

(۱) Morgan Shuster

(۲) شوستر در کتاب خود، خفه کردن ایران (ص ۶۶) اعمال ییزو را با آن زبان برده که از خصایص امریکائیهاست خوب تشریح میکند و میگوید: «ییزو از برای دولت ایران صبور و ساده لوح فقط یک رساله یادگار گذاشت که با ماشین نوشته شده و ۳۰ ورق ضخامت آن و زبان فرانسه حلی قشنگی نوشته شده بود. شوستر هم مانند ییزو باین عقیده شده بود که چه بد کرد و حسرت بهترین وسيله برای آنکه مالیه ایران اساس منظمی و ترتیب صحیحی پیدا کند.

(۳) رجوع کنید بکتاب براون مطبوعات و اشعار تازه ایران (Browne, the Persia and Poetry of Modern Persia) ص ۳۲۲ در تحت تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۱۰. — مارلینگ کفیل سفارت انگلیس در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۶ (۲۲ مه ۱۹۰۸) در وقتی که صحبت آن بود که صنیع الدوله رئیس الوزرا شود بگری چنین مینویسد: خیلی مشکل بنظر میآید که بتوان بدر از این انتخاب نمود. کتاب آبی انگلیس، ایران، شماره ۹ (۱۹۰۹) تیرة ۱۲۱

مرتکین چهار پلیس ایرانی هم مجروح شدند. این دو نفر قاتل هم اظهار نکردند که تبعه روس هستند و سفارت روس ایران را مجبور کرد که مرتکین را تسلیم سفارت روس کند و سفارت روس آنها را از سرحد ایران خارج کرد. ناامنی و اغتشاش در ایران بواسطه سوء قصدهای پی در پی و حمایت روسیه از مرتکین که دلیل بر این بود که روسها این اعمال را تصویب میکنند روز بروز شدیدتر میشد و تمام زحمات دولت ایران را برای برقرار کردن نظم و امنیت که انگلیسها بزور تهدید آنرا تقاضا میکردند خشی میگذاشت. این اغتشاش عمومی در موقع مراجعت شاه مخلوع بدرجه اعلی رسید. شاه مخلوع که از ایران تبعید شده و در اودسا میزیست ظاهراً با اسم عوضی و لباس مبدل با اسلحه و ذخیره که با اسم «آب معدنی» با خود حمل کرده بود بسواحل ایران وارد شد (۲۱ ج ۱۳۲۹). و متفقاً با برادر خود سالار الدوله که در طرف غربی ایران اغتشاش میکرد یک جنگ مختصری با یفرم خان سردار قشون ایرانی کرده شکست خورد. بعد از چندین مرتبه جنگ که در همه آنها بر شاه مخلوع شکست وارد آمد بالأخره در ۱۳ و ۱۴ رمضان ۱۳۲۹ (۷ سپتامبر ۱۹۱۱) دوباره از ایران فرار کرده و با یک کشتی روسی از بحر خزر عبور نموده بروسبه مراجعت کرد.

روس و انگلیس در این مساعی که محمد علی شاه را دوباره بتخت و تاج ایران برسانند بازی عجیبی کردند. هر دو دولت سابقاً با دولت ایران یک قرار دادی در خصوص استعفا و مخارج سالیانه شاه امضا کرده بودند. بر طبق آن قرار داد در صورتی که شاه مخلوع سی کند که در ایران اغتشاش نماید مخارج سالیانه او ساقط میشود. بعلاوه بر وفق همان قرار داد دولت روسیه مخصوصاً قول داده بود که از هر اغتشاش سیاسی که شاه مخلوع بر ضد ایران در نظر داشته باشد جلوگیری نماید.

در ۲۱ رجب ۱۳۲۹ (۱۸ ژولیه ۱۹۱۱) گری بسیر بوکانان^(۱) تلگراف کرد که «ما هر دو (روس و انگلیس) سلطنت شاه تازه (یعنی سلطان احمد شاه) را تصدیق کرده ایم. من هیچ راهی نمی بینم که چگونه ما با روسیه بتوانیم مراجعت

شاه مخلوع را قبول کنیم . شما باید از دولت روسیه سؤال کنید که آیا دولت روس شاه مخلوع را با خبر خواهد ساخت که برای مراجعت او بایران ما هیچوجه اجازه نمیتوانیم بدهیم (۱) .

در غرة شعبان ۱۳۲۹ (۲۸ زولیه ۱۹۱۱) کاپیتان وملاح کشتی روسی موسوم به «کریستوفوروس»^(۲) را از شغل خود منفصل کردند بعلت آنکه ایشان از چگونگی مسافرت شاه مخلوع بایران وعبور او از بحر خزر بمطبوعات اظهاراتی کرده وشرحی داده بودند^(۳) .

در ۴ شعبان ۱۳۲۹ (۳۱ زولیه ۱۹۱۱) سفرای روس وانگلیس متفقاً بدولت ایران یادداشتی دادند ودر آن یاد داشت هر دو دولت قید کرده وتصدیق داشتند که مخارج سالیانه شاه مخلوع بواسطه مراجعت او بروسیه (۴) [ایران — ظ] ساقط شده است ودر همان یاد داشت ذکر شده بود که روس وانگلیس مداخله در جنگ داخلی با شاه مخلوع نخواهند کرد^(۴) .

در ۲ شعبان دولت ایران برای سر ساه مخلوع ۱۰۰۰۰۰۰ تومان و برای سر دو برادر او شعاع السلطنه وسالار الدوله هر کدام ۲۵۰۰۰۰ تومان جایزه قرار داد .

در ربیع الاول وربیع الثانی ۱۳۳۰ دولتین روس وانگلیس دولت ایران را مجبور کردند که مجدداً بشاه که اتباع او ترکمنها وقفقازیها (بیشتر اتباع روس) در ایالت مازندران قتل وغارت میکردند وبسیاری از مستملکات اهالی را بباد فنا دادند یک مقرری سالیانه بمقدار ۷۵۰۰۰۰ تومان بدهد . بالاتر از این روس وانگلیس با کمال وقاحت از دولت ایران تقاضا کردند که نه فقط راهزنان ایران وروس اطمینان وامیت داده بلکه در مقابل اغتشاشی هم که آنها کرده اند ۷۰۰۰۰۰ تومان بول پردازد^(۵) واین جریمه از یک قرص تازه از روس وانگلیس رداخته شد که دولت ایران برای آن صدی هست تزیل بایستی بدهد .

(۱) کتاب آبی انگلیس «ایران» شماره ۳ (۱۹۱۲) نمرة ۱۹۱

(۲) Christophoros

(۳) رجوع کنید بکتاب تراون اشعار ومطبوعات ایران ص ۳۳۰

(۴) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) نمرة ۲۴۶

(۵) کتاب آبی انگلیس «ایران» شماره ۵ (۱۹۱۲) نمرة ۲۳۸

جدیت شوستر که سابق بر این عهد شکنهای اسفناک روس و انگلیس بود طول زیادی نکشید و فقط هشت ماه دوام داشت. اقدامات مکرر کسی از رجال دولت این عصر بامید بخشی فعالیت شوستر بود. ایرانیانی که فقط حسیات وطن دوستی و منافع مملکت خودشانرا در قلب خود می‌پروراندند با یک تعجب و شعی که نمیشد آنرا در پس پرده نگاه داشت با اقدامات شوستر مینگریستند که برخلاف همکران بلژیکی و فرانسوی خود از قیل نوز و مرنارد و بزو خودشانرا یکی از عمال دولت ایران دانسته وسی میگرد که اعتمادی را که دول ایران و امریکا بشخص او داشتند بیش از پیش محکم نماید و نمیخواست که فقط جیب خود را بر کند بلکه تمام هم او این بود که واقعاً کار کرده و تشکیلات تازه مفیدی بدهد. این مسئله که تبعه یک ملت اروپائی و امریکائی منافع ایران را بر منافع خود یا منافع روس و انگلیس ترجیح دهد برای مملکت بیچاره زجر دیده ایران یک قصه تازه ناشایده بود. با یک بی‌صبری و شغف زیادی مجلس شورای ملی ایران اقدامات شوستر را که با صداقت و راستی با پشتکار زیاد و دور بینی و قابلیت تأسیس تشکیلات جدید داخل کار شده بود نظاره میکرد. مجلس ایران در ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۲۹ با اتفاق آرا در خصوص مراقبت خزانه دار کل تازه ایران در تمام وجوه وارده و صادره رأی داد و باو اختیارات زیادی واگذاشت (قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹). و این دفعه اول بود که ایران مقدرات آتیه خود را که مبتی بر اوضاع اقتصادی مملکت بود و هست داوطلبانه بدست یک خارجه داد. از آنجائی که شوستر اختیارات تامه داشت رئیس کل گمرکات مرنارد را با وجود تعرض دولت بلژیک مجبور کرد که در تحت اطاعت او درآید. شوستر ترتیبی داد که مخارج قشون مرکری را که تا آنوقت از دست رجال بزرگ دولت میگشت مستقیماً خودش پردازد. نتیجه آن شد که دولت ایران از این راه صرفه زیادی برد. شوستر ترتیب مالیّه قشونی را که بجهت شاه مخلوع و برادرش فرستادند منظم کرد و یک مقداری اسلحه و ذخیره که تازه وارد شده بود ضبط نمود و مابین قشون مذکور تقسیم کرد. و فقط بواسطه اقدامات سریع جدی شوستر بود که آتش فتنه که شاه با اتباع ترکمن و قفقازی خود در ایران بر پا کرده بود زود خاموش شد. و چون حاصل غله بد سده بود این مرد دور بین

اسارهای دولتی را برار عله نگاه داشت و اقدامات حدی کرد که این عله بطور تساوی مابین قشون تقسم شود و حلوی فتنه قطعی را گرفت (این عمل را «مدها مرآرد تقلد کرد»). و اگر محاطر آورده شود که یک مقداری از مالیات ایران تا آن زمان همیشه بصور محس پرداخته میشد و معمولاً این علهجات را برگر مستند ایرانی خود صط کرده قیمت آرا بدخلواه خود تسعیر میکرد و از آرو همواره رتمول خود میافروشد آنوقت بدخه این اقدام شوستر خوب مفهوم میشود.

اعتماد ایران حوال شوستری انداره بود و امیدی هم که وطن پرستان ایران محط سیر این ستاره بسته بودند بدخه بود (ولی بدختانه رود گذر بود). سفر الکلیس سیر حارج نارکلی در ۱۰ رحب ۱۳۲۹ لگری مویسد: «مسر مرگان شوستر حال فقط دو ماه است که در طهران است و در این مدت قتل خود او کی از عوامل مهم اوضاع عمومی شده است».

خیال اساسی مرگان شوستر با آن اختیارات تامه که او داده شده بود آن بود که از خود ایران هر آنچه برای ترقی آن مملکت لازم است استخراج نماید و این ک مسئله بود که تا محال در آن امال وریده سده بود. یکی از مسائل اساسی مهم تقسیم مساوی مالیات و گرفتن منظم آن بود. از برای تنظیم این مسوسر ک قراسوران مالیته تشکیل داد و در بواسی مملکت تراگنده کرد رای سکه بدون ملاحظه از کسی لکن از روی حق وقانون مالیات را گرفته و در صورت لزوم با قوه حریه این امر را احمام دهد. بسیاری از رجال بزرگ مسول ایران مانند علاء الدوله و سهدار و فرماهرما و غیرهم ملع ریادی مالیات عقب افتاده داشتند و تا آن زمان از پرداخت آن انا کرده بودند. باید آن قصه صحت را در کتاب خود شوستر^(۱) خود که چگونه ساهراده فرماهرما که رای حدین ملون تمول است و یکی از دوستان صمعی روس است گریه کسان و محس سوری دولتی استدعا میکند که او را در مقابل خدمانی که برای مملکت کرده اسب از پرداخت مالیات عقب افتاده که حرانه دار کل از او مسخواهد

معموداً دارد. لکن شوستر محکم ایستادگی کرد و عقب رفت و باین شکل از چندین سال باینطرف دمه‌آول بود که نمایندگان سیاسی ایران در خارجه از حراة که در وقت ورود شوستر نکلی تہی بود و حالاً کم کم بر میشد مطلقاً مواحب خود را بر یافت کردید.

اسکالات و مواعی که اخلوی این اقدامات شوستر موجود بود هر کسی را اگر اندک صعی در طبیعت داشت برودی مأیوس میساخت. خواهی که شوستر از انگلیس کرد که یاور استوکس^(۱) نماینده نظامی انگلیس در دربار طهران را سمب ریست قراسوران مالتہ در تحب اداره او (یعنی شوستر) در آورد باغبان آن شد که استوکس بطور غیر مستقیم اچاره دادند که از خدمت نظامی انگلیسی وهدی ستعفا دهد. لکن بعد از آنکه دولت روسیه بر صد نص استوکس در خدمت دولت ایران تعرض کرد با وجود آنکه استوکس را دولت ایران احتر کرده وقرار دادش هم از محسب گذشته بود دولت انگلیس باو عدعن کرد که این کار را قبول نماید^(۲). باز هم فول سیر سسل استرنگ رایش که در شعبان ۱۳۲۵ بدولت ایران اصرار کرده بود که به انگلیس و به روسیه هیچکدام حق ندارد که که نامم محافظت مانع خود مداخله در کارهای داخلی ایران بنامد دروع درآمد.

روسه از انعسی که ساه مخلوع با اتباع خود وشاهزاده سالار الدولہ در بعضی ایالات ایران بر ما کرده بودند تا انداره که ممکن بود فایده برد و در س موقع چندین مرتبه عهد سکئی وخص فول نمود وانگلس هم با آن س سب تأویل بردار خود طرفداری از این عهد شکبها کرد. طرفی سمال ایران مخصوصاً تبریز و طرف حوب آن مخصوصاً ایالت فارس وسواحل خلج مندان، حوب و تار حوبی برای روس وانگلس گشت واین دو دولت در آن صحاح فدمانی کردند که استقلال دولت ایران اهالت وارد مآورد.

۱. Major Stok

(۲) حتی روزنامه «اس» مورخه ۸ شعبان ۱۳۲۹ پوست به دوا انگلس وه دولت هند هیچکدام حق و قدرت آرا ندارد که یاور استوکس را از فور کاری که رجوع شده اسب منع نماید.

در سلج رحب ۱۳۲۹ قسول روس در تبریز با حد هر قراق روس رفته ورشید الملک را که بواسطه حیات زرگی ادارات ایرانی حس کرده بودند آراد کرد و در زیر حمایت روس درآورد^(۱).

قسول روسیه محاکم گیلان اطلاع داد که از طرف دولت روس هر کسی که مضمون سطر آید گرفتار و محسوس خواهد شد چه آنکه تنه روس باشد یا طاهرا خود را تنه روس نماید یا در هر لباس دیگری که باشد. در همان روز اعلان بطریق روس و انگلیس در خصوص ورود شاه مخلوع بایران از شهر اردبیل تلگرافاً بدولت خبر رسید که نایب قسول روس نادارات و اهالی اردبیل اطلاع داده است که شاه مخلوع در حرکت است و از قوای حگی و مالی او تعریف نموده و مردم را آگاه کرده که از «حرکات بیقاعده فی فکر» دست باز دارد و از شایع و خیمه آن نترسد^(۱).

در ۱۶ رمضان ۱۳۲۹ حوال قسول روس نادارات و اهالی شهر تبریز عدس آند کرد که در داخل شهر سگر شدند و در صدد دفاع شجاع الدوله روس پرست که علناً بکمک شاه مخلوع برخاسته بود و شهر تبریز را تهدید میکرد برسیاید و را که بظن شهر را قشون روس بعهده گرفته است و فقط در خارج شهر متواند محکد^(۲).

وقتی که شاه مخلوع شکست خورده دوباره بحر حرر فرار کرد (و شول کری در تلگرافی که در ۲۰ رمضان بسیر نوکانان کرد^(۳)). دحاصر رای آنکه محبت یک اعتشاش تازه در نقطه دیگری ورود آید» دولت ایران مکرر خاطر نشان روس و انگلیس کرد که قبول شاه در خاک روسیه مخالف با ماده ۱۰ قرار داد سال ۱۳۲۷ است که دوق ایران و روس و انگلیس با هم امضا

۱۱ کتاب آئی انگلیس شماره ۳ (۱۹۱۲) ترمه ۲۵۱ ویر خارجه ایران که این اطلاعات را نگری بنگراف کرد و خواهش نمود که با روسته داخل مذاکرات سود در صحن آن بنگراف مگوید در مقابل بصری که دولت روسته میخواند نگاه دارد و اصلاً بمندابیه که در اقدامات حه اسمی بدهد

۱۲ کتاب آئی انگلیس شماره ۳ (۱۹۱۲) ترمه ۲۳۲

۳۱ کتاب آئی انگلیس ۱۱۱ شماره ۳ (۱۹۱۲) ترمه ۳۴۳

کرده‌اند و مافی‌نا اعلان بطریق است که چندی قبل دول روس و انگلیس موده‌اند^(۱). اما راتوف^(۲) در جواب گفت که شاه مخلوع در روسیه در تحت الطر گرفته شده و مواطنت خواهد شد لکن صامت می‌توانیم بگویم که شاه مخلوع حرکات آخری خود را تکرار نکند^(۳).

انگلیس که تمام خواهشهای ایران را در خصوص میامحی‌گری سرمانه اعتبار اخلاقی برای خود میدانست لکن بهیچوجه کمک معوی بدولت ایران نمیکرد. از این حالت محران ایران که بواسطه اوضاع اطامی پیدا شده بود استفاده کرد. پس سکی که حگ رقابتی ماس رؤسای ایلات حوب را که از قدیم الأنام وجود داشت برای فایده خودش بکار برد. ابتدا ر قشون قوسولخانه انگلیس در حوب افروزد. در عرّه دی‌القعده ۱۳۲۹ دولت انگلیس بدولت ایران اطلاع داد که ۴۰۰ هزار سپاهی هدی برای حفظ مافع انگلیس بطرف ایران حرکت کرده‌اند. خواهشهای متوالی دول ایران از انگلیس که نگهدار خود دول ایران بظلم و امانت‌داری در مملکت خود برقرار کند و انگلیس در اقدامات قراسوران در تحت ریاست سوئدیها (که خود انگلیسها بدان حدیب مایل ندان بودند) بشدستی بکند پشت گوس انداخته شده و رعایت نشد^(۴). اقدامات دول انگلیس وسیله شد برای روسیه که او هم سولت خود بر قراقهای قوسولخانه روس در اصفهان ورشت افروزد وعده آهارا به ۳۰۰ هزار رسانید^(۵).

در ۲۴ شوال ۱۳۲۹ قاب بکلی برداشته شد. راتوف^(۶) بشاررداف انگلیس در پطرزبورگ آورن^(۷) اطلاع داد که بعقیده او دیگر دولت روسیه نتواند در اقدامات حلی حدی (یعنی اشغال اراضی ایران) تأخیر نماید. لائی که راتوف برای این عزم که هیچ چیز اثبات حقایقت آن ممکن نبود مآورد برای آن سیاسی دان انگلیس هم آشکار بود. لکن بدریخ در ضمن

۱) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) عرّه ۳۴۰ و ۳۵۰

۲) Noutof

۳) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) عرّه ۳۶۱

۴) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) عرّه ۲۹ و ۳۷

۵) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) عرّه ۶۷

۶) Noutof

۷) O L n n

مذاکرات واضح شد^(۱) و آن این بود که اقدامات جدی مرگان شوستر مخالف با منافع روسیه است. نراتوف از جدیت و مساعی مرگان شوستر سخت شکایت میکرد و شکایتش آن بود که این مرد میخواهد نظارت در تمام ادارات ایران داشته باشد بشکلی که مکنای مخالف با منافع دولت روس است. و در ضمن صحبت الفاظ ذیل گفته شد که: «تشکیلات در ایران باید کم کم در دست گرفته شود و آن هم بصریقی که منافع روسیه در آنها منظور گردد».

واقع اقدامات شوستر نزدیک شده بود که نظمی در ایران برقرار کند و آن اغتشاش و هرج و مرج ایران را تصفیه نماید. شوستر با جدیت فوق العاده و با دقت تمام نقشه‌های خیلی مفصلی برای تشکیلات تازه در ایران حاضر کرده بود. نه دولت روس و نه انگلیس که بواسطه کینه با آلمان کورکوران طرف اقدامات روسیه را در ایران گرفته بود هیچکدام مایل نبودند که یک ایران تازه با اوضاع صحیح ببینند. ایرانی که خود دارای راه آهن و معادن باشد، مالیات آن از روی قانون صحیحی گرفته شود، و وزرای آن رشوه نگیرند. و مخصوصاً چشم دیدن یک فراسورانی را نداشتند که فقط منافع ایران را در نظر داشته باشند. هیچ چیز نتوانست جلوی اقدامات جدی شوستر و همکاران او را که دائماً در تزايد بودند بگیرد. نه اغتشاش شاه مخلوع و ناهزادها در شمال، نه غارتگری شاهسونها و ترکمنهای بیم روسی که روس و انگلیس جدیت میکردند که دولت فقیر ایران با آنها بول بدهد^(۲). نه اغتشاش اهالی بواسطه وجود دستجات قشون روس و انگلیس در خاک آنها، نه تحریکات قوام الملک رئیس ایلات خمسه بر ضد حاکم فارس و هوادار او صولة الدوله رئیس ایل قشقائی. نه ادعای خسارهای بی‌دردی از دولت ایران برای اغتشاش ایلات که خود این اغتشاش تا یک اندازه جواب

(۱) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) عرّه ۲۵

(۲) مقصود از این جمله صریح نیست. ساند مقصود آنست که بعدها در ماه صفر و ربیع الاول ۱۳۳۰ در موقع قرار داد اخراج اخیر ساه مخلوع از ایران و عودش از استراماد بروسیه، نفسار روس و انگلیس دولت ایران مجبور شد که علاوه بر ۷۰۰۰۰۰ تومان مقرری سالانه بخود محمدعلی مرزا قریب ۱۰۰۰۰۰۰ تومان برای پرداخت حقوق و مخارج ترکمنها و سایر اسرار ابلع او دفعه بردارد. لکن در آن وقت مدتی بود که شوستر از ایران رفته بود - مترجم.

ایلات بود بحركات غير قانونی انگلیس وروس، هیچکدام از این امور نتوانست شوسترا از راه بیرون برد و نقشهٔ او را برهم زند. بافدات شوستر هیچ لضمهٔ وارد نیامد زیرا که مجلس متحداً از او حمایت میکرد.

از آنجائی که این نپسهای کوچک کارگر نشد و فائدهٔ نبخشید کار بوحشیگری علنی کشید. اول سیر ادواردگری فریاد خود را بلند کرد. در ۸ ذی القعدة ۱۳۲۹ وقتی که مرگان شوستر با شرکت بانک «سلیگمان و برادران» (۱) در لندن برای عقد یک استقراضی بمبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی داخل مذاکرات شد سیر ادواردگری بطرزبورک (۲) تلگراف کرد که: «استقلال ایران نباید باع صدیت آن با انگلیس وروس بشود و این واضح است که بمقتضای موقع جغرافیائی ایران روسیهٔ تحمل هیچ دولتی را در این مملکت نخواهد کرد که منافع روسیه را محترم ندارد و در نظر نگیرد. هر وقتی که موقع مناسب باشد ما این مسئله را بشوستر خواهیم فهمانید». با این تلگراف انگلیس بروسیه اختیارات تام داد که هر اقدامی که میخواهد برضد شوستر بکند.

از اولین موقعی که بدست آمد استفاده کردند. اروپا هنوز سرگرم قضیهٔ غشاش مراکش بود و تصور نمبرفت که یک نارضائی از بد رفتاری با ایران در اروپا بیس از چند روز طول نکشد.

بحکم نورای مملکتی خزانه دار کل با کمک قراسوران خود خانهٔ شعاع السلطه را که علناً برصد دولت ایران قیام کرده بود ضبط نمود. یک روز بعد از ضبط خانه جنرال قونسول روس (۳) بوختانوف (۴) بیک دسته قزاق امر کرد که قراسوران شوسترا از قصر شعاع السلطه بیهانهٔ آنکه این خانه در رهس بانک استقراس روس است (۵) بیرون بکنند. بعد از این واقعه قراسوران

Seligmann Brothers (۱)

(۲) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۲ (۱۹۱۲) نمره ۶۵

(۳) در روز ورود او بتهران سمت جنرال قونسول وزیر امور خارجهٔ معروف ایران حسدقی خان بواب استعفا داد.

Pokhitanoff (۴)

(۵) ابن حرف را شوستر در کتاب خود خفه کردن ایران ص ۱۵۴ رد میکند و ابن ادعرا باطل میداند.

شوستر دوباره مأمور شد که خانه را ضبط کند و در ورورد قصر شعاع السلطه را در تحت تصرف در آوردند. در این گیر و دار حویری شد لکن از طرف روسها و مخصوصا از طرف دو نایب قونسول بایرانها توهین وارد آمد. ولی باوجود همه این اهانتها فراسورانهای شوستر از حالت قانونی بطامی خود خارج نشدند^(۱). کمی بعد از آن روزنامه «تایمس» نوشت^(۲) که سفیر روس اقدامات حیرال

قونسول پوختیانوف را تصدیق کرده و دولت ایران رصده این اقدامات اعتراض کرده است. اندکی بعد از آن در ۱۰ دی القعه ۱۳۲۹ دولت روس از دولت ایران که حاضر نشده بود در این خصوص تفتیس و تحقیق نماید^(۳) تقاضا کرد که رسم عذر خواهی کند. سفیر انگلیس خواهش دولت ایران را که دولت انگلیس مابین ایران و روس میامی واقع شود بدیرف لکن باز طرفداری از تقاضای روس نمود^(۴). در ۱۸ دی القعه ۱۳۲۹ در مقابل حوایهای طعنه آمیز دولت ایران اولین اولمباتوم روس بایران داده شد. جمع آوری قشون در سرحد ایران از این لحاظ که ممکن است رقیب انگلیس تنها ایران را تصرف کند ناعب نگرانی انگلیس گردید. سر ادوارد گری در ۲۴ دی القعه سیر نوگانان تلگراف کرد که: «اگر دوای روس چنین تصور میکند که این مسئله بشکل رسایت حسی خاتمه می یابد مگر آنکه مستر شوستر احرارح سود آن وقت من حرق ندارم. من میخواستم احرارح شوستر را پیشهاد بکنم. مقصود من فقط آن بود که در روسیه تصور رود که من طرفداری از شوستر میکنم»^(۵). پیشهاد احرارح شوستر و حراب کردن سای تشکیلات تازه که با این همه رحمت ساخته شده بود چنانکه انگلیسها میخواستند مردم ماوراسد از طرف روسیه نشد بلکه از قراریکه در فوق نام گردید این پیشهاد اول از طرف سیر ادوارد گری اظهار گردید^(۶).

(۱) کتاب شوستر ص ۱۴۵ بعد

(۲) موزحه ۹ و ۱۰ آکر ۱۹۱۱

(۳) کتاب آن انگلیس ایران شماره ۲ (۱۹۱۲) مره ۷۶

(۴) کتاب آن انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) مره ۸۱

(۵) کتاب آن انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) مره ۱۲۲ رجوع کند به مره ۶۵

(۶) تایمس موزحه ۱۸ آکر حله سخی شوستر آورده بود

ار این بعد با سرعت هرچه تمامتر اتفاقات گوناگونی روی داد. روسیه ارتباط سیاسی خود را با ایران قطع کرد. ۴۰۰۰ هزار قشون روس در قزوین حاصر و دستجات تازه دیگری هم در سرف حرکت بایران بودند. در ۱۷ و امیر (۲۵ دی القعه) گری محمداً تصدیق کرد که دولت انگلیس اصرار شوسترا صوب می نماید^(۱). در ۲۴ نوامبر (۲ دی الحجه) آن اتفاق تاریخی معروف در طهران روی داد که در دنیا بطیر بداشت و احوال آن از استقرار است. ساطعستانی که از طرف سفير انگلیس داده شد که اگر دولت ایران آطور که ماید و شاید عذر بخواهد قشون روس بیشتر نخواهد آمد نماینده ایران از سفير روس رای تقصیری که از روسها سرورده بود عذر خواست. س از آن سفير روس اظهار کرد که ارتباط سیاسی مابین دولتين ایران و روس دوباره رقرار است و در همان وقت یک اولتیموم نابوی بدولت ایران داد^(۲). ن اولتیموم در ۷ دی الحجه ۱۳۲۹ (۲۹ نوامبر ۱۹۱۱) بدولت ایران داده شد و رای آن یک موعده ۴۸ ساعته معین کرده بودند. مواد اساسی آن از این قرار بود:

- ۱ - اصرار شوستر.
 - ۲ - تعهد دولت ایران بایکه در آتیه بدون تصویب روس و انگلیس یک عبر ایرانی را بخدمت ایران قبول نکند.
 - ۳ - پرداختن یک وجه خسارتی رای فرستادن قشون روس بایران.
- سرحی که شوستر در کتاب خود درج کرده است که این تقاضاهای اهانت آور روس چه اثری در مجلس ایران کرد لازم است در اینجا ذکر شود:
- دچد دقیقه بظهر مانده مجلس رای عالی گرف.

۱۱) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۲ (۱۹۱۲) مره ۱۲۷. شما بدون هیچ رده بوسی برابوف بگویند که دولت انگلیس با تقاضای روس رای اصرار شوستر مکتلی همراه است (گری نه بوکانان)

۲) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۴) مره ۱۶۳ شوستر این حرکت را که باستی اسباب حالات حامی ملل کوچک یعنی انگلیس سود با الفاص جلی سحت سخی شرح میدهد (حقه کردن ایران ص ۱۶۳ وعیره)

امم هر وکیلی را که میخواندند آن وکیل از جای خود برخاسته و رأی خود را میگفت. رأی مخفی در این خصوص گرفته نشد.

بعد از اتمام خواندن اسامی وکلا نتیجه آن شد که هریک از ایشان مهره مقدرات خود را با دست خود انداخته و بدون آنکه فکر آینده خود و خانواده خود را نکند رأی خود را اظهار کرده بود. همه وکلا متحداً بخرس بزرگ شمالی آن حواری را دادند که ممکن بود بک ملت مایوس مامل شده در بنیض موقی بدهد: همه وکلا پیمودن یک راه مشکوک خطرناکی را برای آینده ترجیح دادند برآنکه سرف و حیثیت ملی خود و حقوقی را که تازه بدست آورده بودند باختیار خود تسلیم دشمن نمایند. همه وکلا تقاضاهای روس را رد کردند^(۱).

ما در اینجا نمیخواهیم مفصلاً شرح آن روزهای تاریک دی الحجه ۱۳۲۹ و محرم ۱۳۳۰ را بدهیم که بایران پس از رد کردن مردهای آن اولتیماتوم حق سکن گذشت. همینقدر کافی است بگوئیم که روس رشت و ازل و تبریز را تصرف کرد و در سهر تبریز که بزرگترین سهر شمال ایران است غاصبین روس هر وطنی رستی را که بدست آوردند بدار زدند و از قرار دستور العمل «نویه ورمیا» که «لازمه انسانیت حقیق ظلم وستم است» روسها در این سهر مردان را گلوله ناراز میکردند، بدار میزدند. شکنجه میکردند، باره میکردند، حلوی توب میگذاشتند و زنان و اطفال را بدترین وضعی میکشند. رفسور راوان که از لا انالی گری دولت خود متمر سده بود در خصوص ظم تبریز یک کنابجه مسر کرد و از فطایع اعمال روس چندین عکس برداشته در آن کنابجه درج نمود^(۲). حتی فوسول انگلیس هم تصدیق کرد که بعضی از کسانى که سر دار رفتند بی تقصیر بودند^(۳) و این اعمال روس را «وحشیگری» نامید. قشور روس که برای نصرف ایران آمده بودند حرکاتی کردند که مافوق تصور بود و بدترین آن حرکات که در تاریخ بطیر همان باره باره کردن جسد

(۱) خفه کردن ایران ص ۱۷۶

(۲) The Reign of Terror in Tabriz: Englands Responsibility

(۳) کتاب آلی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عره ۴۶۴

منمهدی توسط انگلیسهاست بدار زدن نفقه الاسلام بود. دو ۱۰ محرم (روز عاشورا) مقدس‌ترین روز مسلمانان شیعه بزرگترین مجتهد ایالت آذربایجان نفقه الاسلام را با هفت نفر دیگر بداری که با پیرقهای روس مزین کرده بودند آویختند^(۱). یکی از معارف نویسندگان انگلیس تشبیه کرده است تأثیری را که دار زدن نفقه الاسلام بایرانیها کرده است بتأثیری که دار زدن کشیش اعظم کنتربوری^(۲) در روز جمعه عید فصیح بانگلیسها میکرد^(۳). این اقدامات روس حتی در «داوینک استریت»^(۴) هم اسباب گفتگو و تنفر گشت. لکن این تنفره از روی حس انسانیت برستی بود بلکه فقط از ترس آن بود که مبادا این دار زدن‌ها حسیات مسلمانان تبعه انگلیس را محرکت آورده آنها را بشوراند. و علت دیگر آن بود که مبادا نتایج وخیمه این اقدامات کار را بجائی برساند که روسها بطرف طهران رفته آن شهر را تصرف نمایند^(۵). سیر بوکانان بوزیر خارجه روس چنین اظهار میدارد: «دار زدن این مجتهد محترم هم یک اتفاق بدی و هم یک خطب برگی بود. بلا شک باید این اتفاق تمام ایرانیها را باعلی درجه خشمناک و متعبر سازد. یکی از اولین نتایج آن این خواهد بود که کابینه حالیه که آنچه توانسته برای آرام کردن روسیه کرده است در مقابل هجوم ملی نتواند مقاومت کرده و استعفا بدهد. و نیز ممکن است که این مسئله طوری جلوه داده شود که روسیه نفقه الاسلام را فقط برای آن بدار زد که تنفر عمومی را نسبت بخود تحریک کرده و بدیبطریق اغتشاش تازه بر پا نموده بهانه برای تصرف طهران بدست آورد^(۶)».

(۱) رجوع کنید بکتاب براون، سعرا و مطبوعات ایران، ص ۳۳۵ و کتاب آبی

انگلیس ایران، شماره ۵ (۱۹۱۲) مره ۲۴

(۲) Canterbury کنتربوری شهری است در انگلستان در شمال لندن که محل اقامت

کشیش اعظم تمام انگلستان است - حاشیه مترجم.

(۳) خانه شوستر در کتاب خود خفه کردن ایران» (ص ۲۰۲) نقل میکند این

تشیه ابتدا از پرفسور براون ناشی گشته است.

(۴) Downing Street خانه‌ای است در لندن که وزارت خارجه انگلیس در آنجاست

و کمیته است از وزارت خارجه انگلیس. - حاشیه مترجم.

(۵) کتاب آبی انگلیس، ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) مره ۵۲

(۶) کتاب آبی انگلیس، ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) مره ۳۲

این وحشیگریها و ظلمهای بی درنی اهالی شمال را حوفاک و ترسو کرد. و در این گیر و دار قصیه شوستر در طهران کم کم فراموش شد. مجلس را حراً تعطیل کردند و محامع علی و بسیاری از روزنامه‌جات را غصب نمودند و در اواخر دسامبر ۱۹۱۱ (محرم ۱۳۳۰) شوستر احراح شد و اولتیموم روس را قبول کردند.

در اینجا بهترین زمانی برای ایران که بایه همه نوع امیدی بود مختام رسید. شوستر در حاقه کی از حصول کمائی که در سرگذشت خود نوشته خطاب روس و انگلیس کرده و با الفظ سحت تلخی «قره دیل را میگردان» (۱):

«فهمیدن دلایل المحطاط ایران چشم تمام مردمان حتی چشم آن کسایرا هم که هیچوقت گمان بدی برده ناز مکند. واضح است که ایران بیچاره فدای ناری چند دولت اروپائی گشت که از صدها سال نامصرف در رحر دادند و ما کردن ملل کوچک و صعب عملیات و تحریر داشتند و برای رسیدن بقصد خود از هیچ وسیله مصایقه نمودند، نه از حوریری پروائی داشتند و نه از براد دادن شرف و افتخار و ترقی یک نژاد بالتمام».

فصل دوم

مجلس شورای ملی تعطیل شد و بحال تعطیل هم باقی ماند. و این تعطیل بیش از دو سال طول کشید و وکلای تازه انتخاب نشدند. و در آن زمان که بیشتر یا کمتر محرف انگلیس و روس گوش میدادند سالی حدین بار به می یافتند. هر دفعه که تقاضاهای روس و انگلیس بیک مانی تر حورده دوجا، سکالاتی میشد فوراً این دو دولت قشون تازه بحاک ایران وارد کرده و ایران را محاصره قبول آن تقاضاها میکردند.

احراج شوستر در موقعی شد که اروپا بکلی سرگرم حالات خود بود. از این موقع دول روس و انگلیس استفاده کرده و فوراً بعد از احراج سوسر ادارات ایران را از وجود اشخاصی که طرف مل آن دو دولت سودمند ناک کردند. امرکائیهای همکاران شوستر همه متحداً بعد از شوستر داوطلبانه از کارهای خود استعفا دادند ناستدای یک نفر از آنها که عارت ناسد از معامله فراسوران مرل^(۱). بعد ها بار از این مرد بخت خواهد شد.

حای شوستر را به مرلارد^(۲) بازگشت دادند که تا آن زمان رئیس کل گمرک بود و این مرد بعد از رسیدن تمام برگ رباست کل حرا به داری کار اولی خود را هم از دست نداده و بالطبع برای هر دوی این شعل مواحب مگرف. سفیر انگلیس از مرلارد همیشه اظهار رصایب میکرد^(۳) و مگف که بملاحظه آنکه مرلارد در کارهای خود همیشه اتحاد کامل با این دوسفر تحاه دارد اید بصراوصاع امرورده ایران او برای این شعل مناسبترین آدمیست که ممکن است

Merrill (۱)

Morrell (۲)

۱۳۱ شش ماه بعد سر تولی یک در لنگرانی در خصوص مرلارد سر ادوارد گری میدهد از معارف آن جناب معلوم میشود که کارهای مرلارد حداد صرف رصایب سفیر انگلیس بوده است که در انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) مره ۲۷۵

تصوّر شود» (۱). بایرانیائی که با تمام قوای خود رصد انتخاب این شخص که در تحت حمایت روس و انگلیس بود کار میکردند (۲) کسی گوش نداد.

یک خیال دیگر سفارتین آن بود که مردمانی را که در جاهای دیگر عالم آنها را وطن پرست مینامد یعنی مردمانی که فقط مافع مملکت خود را در نظر داشتند و حاضر نبودند که قول سیر نازکلی با «اتحاد کامل با سفارتین» کار کنند و همیشه عایقی بودند برای اجرای نقشه تقسیم ایران بتعدد کسب. این اشخاص عبارت بودند از رؤسای فرقه دموکرات ایران. بیست هزار این وطن پرستان محلّ را در بهار ۱۹۱۲ (۱۳۳۰) یا در طهران تبعید کردند یا آنها احراز داده شد که مؤکداً یک مسافرتی با اروپا نمایند (۳). از جمله این اشخاص که مایه امیدواری ایران خوان بودند (۴) یکی حسینعلی خان بواب (۵) دیگر وحید الملک، سلیمان میرزا و سردار محبی بودند.

بعد از این اوضاع روس و انگلیس تصوّر کردند که حالا دیگر وقت آنست که آخرین قدم برای رطرف کردن آزادی ایران برداشته شود. از طریق تنبی بودن حرّات ایران و از طرف دیگر ادعاهای حسارت دولّین روس و انگلیس (که در حقیقت خودشان بواسطه جمع آوری قشون در سرحدات ایران ناعب

(۱) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۴ (۱۹۱۲) عمره ۲۴۵ آ

(۲) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) عمره ۳۵ - سیر انگلیس در ایران گری را بورت میدهد > از طرف دولت ایران یک کمیّه موقّتی تشکیل شده است که کار شوسبر را در دست بگیرد اعضای آن کمیته ۵ نفر هستند و مراد حرو آنها بست رجوع کند شماره ۶۵ از همان کتاب آئی که گری در بلگراو سیر انگلیس در بطور برج کوند دولت ایران رصد انتخاب مراد است و امید دارد که دولّی روس و انگلیس هم بر انتخاب او اصرار بورزند

(۳) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمره ۱۲۸ بعد از آنکه سیر حدید انگلیس سر والبر ناولی خود بصدق میکند که برگردن این شخص هیچ تقصیری بمسوّب وارد آورد مکتوب موقع حلی مناسب بنظر میآید که حساب قدم را بصفه کرده و تمام رؤسای مهمّ تاری را که در مجلس سابق بواسطه صرفداری از پروگرام شوستر و صدد دائمی با روس مشهور شده بودند از حوره ساسی خارج کند

(۴) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمره ۱۲۶

(۵) سیر حلتّه ایران در برلین خرید انگلیسی بواسطه من موزحه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۵ در رد او مکتوب یکی از رجال مهمّ ایران که حلی و بل ملاحظه است

این اعتشاشات شده بودند) از دولت ایران بهائت آنکه اموال آنها عارت شده و متصرف شده اند موقع مناسبی بدست میداد که محدداً امتازات تازه در مقال پرداخت یک مبلغ کمی از دولت ایران بگیرد. گری حاضر شد که دولتين روس و انگليس يك مساعدهٔ مبلغ ۴ مليون مارک (دو کروير تومان) () با سراط ديل بدولت ايران بدهد.

۱ - اگر دولت ايران دو مليون مارکی را که انگليس ميدهد صرف تشکيلات قراسوران سوندي حوب و عمارت احرى صرف منافع تجارتی انگليس نمايد.

۲ - اگر شاه مخلوع که روسته فرار کرده است محدداً يك مهری سالها داده شود (ريزاکه گري از دوستي شاه مخلوع با روس ميترسد).

۳ - اگر يك عفو عمومي رای دستجاتی که «رامون شاه جمع سده بودند از طرف دولت ايران داده شود و تمام قشور غير نصامي (که شايد رای ايران نتواند محکمد) حلع اسلحه شوند.

۴ - اگر ايران عهد نامهٔ ۱۹۰۷ (۱۳۳۵) روس و انگلس را قبول کند (۱).

روسيه پيشهاد کرد که اين مقدار ۴ مليون مارک از قرار بربيل صدي هشت ناقساط کوچک پرداخته شود. سفير انگلس در طهران سير خارج نازکلی اين شکل را يك «ترتيب حشی» مينامد (۲). و از آنجائي که حوامردی بکي از حصايص بزرگ انگلس است سير نازکلی پيشهاد کرد که تربيل ول را نئين آورده و در عوض صدي هب صدي هفت تربيل بگيرد (۱). دولت ايران بعد از کشمکشهای زياد در خصوص عازات و حمل ۴ عهدنامهٔ ۱۹۰۷ (۱۳۲۵) انگليس و روس با احره در ۲۰ مارس ۱۹۱۲ (عرةٔ ربیع الاول ۱۳۳۰) ياد

(۱) کتاب آن انگليس ايران شمارهٔ ۵ (۱۹۱۲) عمةٔ ۱۵۴

(۲) کتاب آن انگليس ايران شمارهٔ ۵ (۱۹۱۲) عمةٔ ۱۸۱

(۳) گري پيشهاد کرده بود که دولت ايران بايد با حوسحاتی عهد نامهٔ ۱۹۰۷ روس و انگلس را بپذيرد

داشت تارۀ روس و انگلیس را قبول میکند ولی شرط آنکه هر چه رود تر قشون روس و انگلیس از خاک ایران خارج شوند (۱).

به روس و انگلیس هیچکدام در صدد ربایند که این تقاضای مشروع دولت ایران را احمام بدهند. تقریباً در هر یاد داشت مهتی دولت ایران محتملاً خاطر نشان روس و انگلیس میکرد که انقلاب عمومی اوضاع فقط بواسطه بودن قشون خارجی در مملکت است. حتی سیر نوکانان هم در سلح محرم ۱۳۳۰ (۲۰ ژانویه ۱۹۱۲) سارائوف اظهار کرد که دولت روس اطمینان داده است که قشون خود را از قزوین بیرون برد و اگر روسیه قبول خود وفا کرده بود و اقدامات دولت روس در شمال ایران نافع را فروختگی ملت ایران نشده بود حال حالیه راههای تجارتی حوب ایران باین بدی سود و اسباب سکای دانی انگلیس میشد (۲).

حوای که روسیه بایران داد بعد از آنکه از سفیر خود در ایران نوکوسکی کورابل (۳) تعلیمات لازمۀ گرفت حوای اهانت آمیزی بود. در ۲۳ فوریه ۱۹۱۲ (۵ ربیع الاول ۱۳۳۰) سیر نوکانان در بطربورگ گفتند که دواب ایران حوسحل است از اینکه یک مقداری قسوں روس در فروین توفف داشته باشد رای آنکه هر وقت لازم باشد دولت ایران سواند آهارا سه روره پای تح حاضر کند (۴).

واصح است که اقداماتی که انگلیس مکرد رای آنکه روسها قشوں خود را از ایران بیرون بکشند از راه احساسات همدردی و دلسوری نسبت بایران یا از روی محترم داشتن عدالت و راستی سود بلکه نقطه نظر او در این کار قصد رقابت با روس بود و پس. بعدها ثابت خواهد شد که انگلیس در واقع به حیوحه مراعات عهد. ۱۳۲۵ (۱۹۰۷) را با روس بکرده و آن اهمیتی نداد.

(۱) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) مره ۳۱۶

(۲) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) مره ۱۱۱

(۳) Poklewski-Korici که فقط مانده روس در خارجه است که از اهل لهستان است

کی از دوسان پادشاه انگلیس ادوارد هفتم بود

(۴) کتاب آئی انگلیس ایران شماره ۵ (۱۹۱۲) مره ۲۲۲

ر. خواندن کتابهای آبی انگلس چنین استنتاج میشود که ترس دولت انگلس
از مراجعت شاه مخلوع بایران حوس طیفداری از روس میکرد بیش از ترس
وجود دولت ایران از آن فقره بود.

اما انگلس با وجود تقاضاهای مکرر دولت ایران و با وجود آنکه دست
فشون او در حوض ایران بواسطه هیجان ایلات حگی فارس مکرر مورد حمل
و عدوت شد^(۱) اصلاً در صدد آن نبریامد که قشون خود را از حوض ایران
برون نکشد. سمیر انگلس میگفت که عساکر انگلس وهد وقتی از ایران خارج
خواهد شد که دولت ایران قراسوران در تحت فرماندهی صاحب منصب
سوئدی کمک کرده و آنها را درست نگاهداری کند^(۲).

هر چند که ایران اعلان حگی نکرده بود با وجود این در روله ۱۹۱۲ (سعر
۱۳۳۰) روسها فقط در تیریز ۱۵۰۰ غر سرباز داشتند و هراها سرباز دیگر هم
مقاط دیگر شمالی ایران فرستاده بودند. روسها کمترین بی مهری را نسبت
مخودشان و حتی مراعات داخلی اهالی آن سهری را که در آن اعانت داشتند
دست آویر قرار میدادند که نادارات محلی از یو فشار وارد آوردند. در رس
روسها اداره یک روزنامه را با تمام آلات آن حراب کردند و روزنامه را
بوقیف نمودند. در مسهد در مارس ۱۹۱۲ (۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰) یک وای
روی داد و حسوبت روس را ناعلی درجه ظاهر صاحب و این حرکت روسها
تمام عالم اسلام یک از دردناکی کرد^(۳). در مسهد یکی از علما از ترس آنکه
ممکن است طرف سر او هجوم آورد بمقبره مقبر امام رضا سه رده و سه
تختا نسبت بسته بود و از قرار عادت حدس صد سائ ایران دیگر کمی را باو
دست رس نمود. حتی خود روس و انگلس اس سب قدیمی ایران را که مانند
یک قرار داد بین المللی است تصدیق داسه و در خصوص اسخاصی که در
حوض حایب آنها بودند بکار مترددند. لکن در این موقع فرمانده مسور روس

(۱) برای اس عازب مبلغ گرافی از رول ایران حسرت گرفته سد و از و س ر
که بازان داده سد قبل از همه حراس منال حسرت عریق کس

(۲) کتاب آبی انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) ۳۹۵.

(۳) تراو مصوع و اسعار ایران ص ۳۳۶

این مکان مقّس^(۱) ایرانیان را گلوله باران کرد و مقداری از دیوار بیچاره و
بیمگاهان را هدف گلوله ساخت.

شجاع الدوله یکی از دردها و متقلّلهای معروف کمک روسها بخودی خود
حکومت آذربایجان را در دست گرفت و چندین سال در آنجا با کمال وحشیگری
و ظلم حکومت کرد. و هر حال آزادی را معدوم نمود^(۲). فقط نسب این
سجّص و حرکات خود سرانّه روس بود که در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ (۱۳۳۰)
به حراسان و نه آذربایجان که با ثروت ترین ایالت ایران است تک دیوار برای
مخارج دولت مکرری مالیات دادند. در وقتیکه هتّ و ررای طهران
سم ار را حاکم آذربایجان کرده و تبریر فرستادند شجاع الدوله اشخاصی
برای محصور کرد که یک رصایت نامه از او امضا نماید و آرا بعد از امضا
در عوض اینکه بدوای خود هرستند وزیر امور خارجه روس و نایب السلطنه
قفقر و سمر روس در طهران و فوسولخانه فراسه فرستاد^(۳). دولت روس
از راه ایران باصا میگرد که سرگاد قزاق که مخارج آنرا دولت ایران مداد
ولی آنها هیچوقت برای مافع ایران نمیجگیدند و فقط برای مافع روس حصر
حگ بودند بفرماید. بعد از آنکه دولت ایران این پیشهاد را قبول کرد
آنوقت دولت روس شجاع الدوله فشاری وارد آورد و طرفداری از حاکم
تار مکر که دولت ایران فرستاده بود^(۴).

از سال ۱۵۱۲ (۱۳۳۰) نایب طرف دولت ایران از تنها کسانی که میتواند
فرس کند | امی رس و انگلس | قروض تار مکر و صدی هفت برل

۱. لرد کرری در حصص معمره مدس امام رضا در کتاب جور موسوم به ارا و
را ۵۵۴ (حد روض ۱۵۴)

۲. من عده اسحوی که اس وک مصع روسها دار ده وکسه اسب سی دسور
اسب ایکس حورری او خاف رسیده بود که حتی موسول سگدن انگلس معم بر رهم
کرا تده و در وهی که شجاع الدوله در سامر ۱۹۱۳ (سوا ۱۳۳۱) باز سدر
سکاه را دار رد موسول انگلس وس این دار دنها نأ بر حلی بدی در جمه اروا

مسند کتاب آئی انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۲) مره ۳۱۳

۳. کتاب آئی انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) مره ۲۳۹

۴. کتاب آئی انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) مره ۲۳۶

میداد. بواسطه آن اعتشاش کاری که دولت ایران را محور آن کرده بودد کار مخانی رسیده بود که هر چند هفته دولت ایران با پولهای حبلی کمی یک طوری گذران میکرد تا اینکه بالاخره محور میشد با یک قرص تارۀ حساسه‌ها را صصیه نماد. شرایط آن قروض متناسب استهای روس و انگلیس زیاد میشد در رولیه (شماره ۱۳۳۰) دولت روس در حواست امتیاز راه آهن حلفا - بریر - اورمیه را نمود که در اول دولت ایران نکلی رد کرد و غیر قابل مذاکره نامید (۱) ولی بعد قبول کرد مسروط تا آنکه مجلس شورای ملی (که اصلاً آنوقت موجود بود) تصدیق نماید (۲).

و حوخی که دول روس و انگلیس مساعدۀ دولت ایران میکردا حتم بواسطه تقاضاهای گوناگون همان دول که رور رور در تراید بود حلی رود مصرف میرسند. یک نظر بنیاد داس کری که سفر انگلیس در طهران در ۲۰ سبتمبر ۱۹۱۲ (۸ سوال ۱۳۳۰) (۳) بدولت ایران داد درست نشان میدهد که ما حه حرص و طمعی این دو دولت بزرگ بسر ایران بیچاره هجوم آورده بودند. در آن یاد داشت میگوید که فسور انگلیسی و هندی عقرب ار اصفهان حرکت و بشیراز رحمت خواهد کرد. دولت ایران باید در شیراز از برای آن قشور مکانی معین نماید و الا پول دول ایران در شیراز سربار حانه خواهیم ساخت. هم روس و هم انگلیس که رفاه روس امتیاز راه آهن محمّره - حرم آباد را دولت ایران تقاضا نکرد از بطور وار هت ورا و تأخیر آنها در احام امور سفارتین مبرح گشتند. سفارتین میخواستند یک شخص مطع تری ککار را در دست بگیرد و حیالشان بسعد الدوله رف یعنی همان وریر مستندی که ته ماب ایران او را با شاه مخلوع از مملکت مرون کرده ود. این حال محراب سارا نوف و گری و کریو (۴) در لندن با هم مذاکره کردند و برای انتخاب این وریر تار. هم متحداً سراطی گذاردند که مافی ما هر گونه حساسات اسایب بود. عن آن شرایط حانکه گری طرح کرده از این قرار است

- (۱) کتاب آت انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمده ۲۳۳
- (۲) کتاب آت انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمده ۲۷۶
- (۳) کتاب آت انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) عمده ۳۴۹

(۱) سعد الدوله بايد قول بدهد در صورتیکه دولتين بخواهند وضع مائتۀ ايران را بشکل خوب و تحيبي اداره کند هيچ وجه مانع نبود.

(۲) اطمینان سعد الدوله که عدل از آنکه او و تمام حکامی که او عین نماید ماده اول مدکور را رعایت نماید در تمام عطا ایران از طرف دولتين و جميع نايدگان آنها معنی نایشان کمک و مساعده خواهد شد^(۱).

این دو دولت بزرگ که مقدرات ایران را بخودی خود در دست گرفتند از این بیسپاه سگی که کردند چندان حوسود سودید. در ه اکثر (۲۳ سوال ۱۳۳۰) گری تصدیق میکند که گذشته سعد الدوله چندان خوب و کامل نیست. و بالأحره و قیقه این شخص حمایت روس و انگلیس وارد سهران شد و علی رغم دولت ایران که رسد او دست و پا میرد سمت رئیس ویرانی انتحاب گشت کری گف. (تها دلیلی که ما برای انتحاب سعد الدوله سمت رئیس الوردائی داسیم آن است که دولت ایران حما محتاج بود است) و ر برای آنکه هیچ شبهه نماند که چرا این دو دولت بهخواستند دوره ایران کمک مالی نمایند گری مگوید. (و زراً بعد از آنکه سعد الدوله بیسپادهای روس و انگلیس راجع نامتداران را قبول کرد بدولت ایران ممداری مساعده داده خواهد شد^(۲)).

در این سکار در عقب امتیارات روسته فاتح شد و پس برد. امسار را آهین حلفا - بریر اورمیة در - فوریه ۱۹۱۳ (۲۸ صفر ۱۳۳۱) امص رسید آکی ناگلیس اوسسول^{۱۳} (یعنی وعده) راه آهین محمده - حرّم آباد داده شد. این امتیارات هر دو ر روی قانون جدید ایران لغو بودند در آنکه محاسن تصدیق مکرده بود. ولی ساراوف مانع از گرد آوردن محاسن بود و مگف

۱۱ کتاب آو انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۳۴۶

۱۲ کتاب آو انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۴۲۳

۳ این معنی که شرکت انگلس که این وعده را از دولت ایران دریافت کرد. سی حصه یک فرضی راه آهین محمده ، حرّم آباد را برای دولت ایران بسازد و راه آهین مک شود. و فقط آب فرضی دولت بآستی بپردازد، و یا اینکه دولت ایران اصل ساحین راه آهین مرور بر سراسمی که بعدها مقرر خواهد شد شرکت مدکور واگذار نماید کتاب انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) ۵۵۱ حاسه مترجم

که اول باید یک دولت محکمتری (مقصودش سعد الدوله بود) تأسیس بسود^۱. مدتی طولانی گذشت تا اینکه بالاخره یک هیئت ورز برای تسکین سد و این مسئولیت را بکندن گرفت که حقوق ملت را بامال کند و بدگران و آگاهان^۲. این روه روس و انگلیس که قروض یا مساعدتهائی نا فیست حلی گران بدوب ایران میدادند و فودا ار همان بول حسانتها و مخارج قزاق و قزاقوران را که مقصد برای منافع شخصی خودشان میخواستند کسر میگذاشتند نتیجه اس آن سد که هیئت ورز را کلی سرگرم کرده ادارات دولتی را کاملاً حراب کرده و روه مرکزی دولت را کلی ضعف و نابوال ساحب و مقصد دوا این همجوار هم حریب سور. ارتباط حکام ولایات، دواب مرکزی دور بروز سست تر گشت. در هر حالیکه روه قدیم مسروق رومی مسد بول و وسائل رذکی دسب آرد و حکم هم بیجواسب از سرمایه جور حرج کند آتوقت حکم بیجوره محبور مسد که ماسد بوکر و علام هرجه رؤسای فوی ایلات با اسرار ه مسدن دیگر ماسد سالار الدوله و عیره با او میگردند حمل نماید.

مثلاً رفتاری که فرما فرما حکم کرمانشاه در مدب حدین ماه در مقابل سالار الدوله نمود حلی حوسمره بود. وسائلی برای تهیه یک فسون متهم در دسب بود و میباید ملی را هم با حکم روس و انگلیس خلع ساخته کرده بودند. بدینا ماب فسونی که فرما فرما جمع آوری کرده بود و اتناع سالار الدوله مدب حدین ماه تصور عریبی حگک مسد که قوسول انگلیس شرح آن جنگهارا بن صور بین میباید متحصص آنکه این دو فسون در مقابل هم میرسیدند کاره ار ه صرف سلیک میسند و هر دو طرف هم فور فرار اختیار میکردند. محلل (سرکرده دستجات سالار دوله) از پس رد حوکه او اهل کسی بود که منافع بن مسئله سد که ایسان هم مل صرف مقابل هر دو ک ماری میسند و هر دو ک حل میدادند^۳.

- ۱ کتاب آنگلیس ایران شماره ۱ (۱۵۱۳) تیره ۳۶۱
- ۲ کتاب آنگلیس ایران شماره ۱ (۱۵۱۳) تیره ۵۱۳ دلی دره راوه
- ۱۵۱۳ (۲۷ تیره ۱۳۳۱) مکر میسند یک کده حدین مدرا کتی از جور ه مرجه کرد اگر ه راب راب آور فور ه
- ۳ کتاب آنگلیس ایران شماره ۱ (۱۵۱۳) تیره ۱۰۰

بالآخره شاهزاده سالار الدوله که ده دوازده مرتبه شکست خورده بود و سفير انگليس اورا «مرد گريز پا» و علاء الساعه^(۱) «ديوانه» و سارردار روس «يك آدم معي»^(۲) مي‌ناميدند بواسطه فشار از طرف روسها و جمع تعرضهاي دولت ايران حاكمت گيلان را دادند. تا آخر سال ۱۹۱۳ (۱۳۳۱) اعشاشات و مسادكريهاي اين شاهزاده عارتگر که هر يكجدي از سر نو طعان ميکرد امتداد يفت. بالاخره راي آكه تخيير ايران را باعلي درجه رسامد قراقيهاي اراي معيم استراده از سالار لدوله حمايت كردد^(۳). اين قراقيها ر همان رنگاد قراق ايران ودد كه در دسامبر ۱۹۱۲ (محرّم ۱۳۳۱) روسها حراسد ۳۰۰ نفر رعدّه آن سيرايد^(۴) و راي وجود ميافيدد آماد دولت ران قبول خود سازنداور روس بول هنگفتي صرف ميكرد^(۵). ين قراقيها ر تحت فرماندهي صاحبمضان روسي بودد.

اين ناري عجيب بالاخره در پائيز سال ۱۹۱۳ (اواخر ۱۳۳) تمام گشت سالار الدوله كه ماتيجي قوسوخلانّه روس در كرمانشاه سده بود بعد از آكه حترار ددها ايران ك مسرري ساليه راي خود رقرار كرد كمك روسها صرف اروا حركت كرده بسويس رف.

در اسماء آكه روسها كمك دسب نشايدههاي خود و حكام مهابل روس ر فس سحاح الدوله (كه از فرستادن وكيل بمجلس سوري كه در اواخر سال ۱۹۱۲^۶ زور مختارها جمع آوري سده بود حلوگيري نمود) و بهرار گوا حلل و دساس ر كرمه حزب ايلات سالي ايران را آهسته آهسته ار گوا نايين

۱) كتاب آل انگليس ايران شماره ۱ (۱۹۱۴) عرّه ۸۹

۲) كتاب آل انگليس ايران شماره ۱ (۱۹۱۴) عرّه ۲۱۶

۳) كتاب آل انگليس ايران شماره ۱ (۱۹۱۴) عرّه ۸۸

۴) كتاب آل انگليس ايران شماره ۱ (۱۹۱۳) عرّه ۵۲۰

۵) كتاب آل انگليس ايران شماره ۱ (۱۹۱۴) عرّه ۱۳۱ در ۳ آور ۱۹۱۳

۶) ۲۰ ر ۱۳۳۱) س س ردد بر روس س طهران س وائلر تاويلي مگوي د صورتك سوارا ر كراي صرف قراق مكند خوب بودش از اين ار رنگر في اسده مسد س وسود س اقتدر مفائده تامد و در كمال سادگي مگوي د كه عموما حين ضرر مك سده روسته در عقب اين قراقيها اسساد و ار آنها حمايت مكند

صور حقي ۵ سده ۱۹۱۲ مه ۱۳ مجرّه ۱۲۳۳ حاسبه م

این همان روتورا در سایر ایالات ایران بر بیس گروند. تقریباً همین شکل هم با قراسوران ایران در تحت فرماندهان سوئدی معامله شد. از برای قراسوران یک دفتر مخصوص در «بانک ساهشاهی ایران» (که کنونی یک اداره گلیبی صرف است) در طهران باز شد که از آنجا در تحت مراقبت حرا دار کل مقدار و حوه لازم ریاست قراسوران پرداخته میشد. این بود و واضح است که خود دولت ایران بایستی سردارد ولی از یک مساعدت و تبریل صدی هفت که دولت ایران از نالت یک فرص برگی از انگلیس گرفته بود.

چنین خطر می آمد که حکام درگ ایالات و قسوم قراسوران که بر عکس قراقها صرف میل مات ایران و تنها قوه طامی قابل ایراسد مطیع اوامر و اشارات انگلیس و دست ساددهای او یعنی لژیونیکها باشد.

انگلیس یک مد محکمی تمام اعضای ایران بسته و بدون آنکه ادا گوس سالهای سکایت با تعرض ایران دهد باز از سر نو عهد تازه را سکس و با وجود آنکه هماسه از اقدامات قراسورانهای ایرانی اظهار رضایت میکرد^(۱) در بهار ۱۹۱۴ (۱۳۳۱) راحوت ۷ (عساگر هدی) را از بلو حستان موسهر حرکت داد^(۲).

ایران سیحاره که مابین دو جنگال آهین قوی گیر کرده بود و دور برور بیس از بیس مورد مساز ییگاگان واقع میشد با حراة حالی و بدون مجلس^۳ در صورتیکه مردان قالمس را فا کرده بودند و فقط یک ساه با نالع سلطنت آتر محمود شر حوین جنگ دیانی را دید که از افق تارنک طالع گست.

۱) سفر انگلیس سیر و اترا اولی در ۱۷ راونه ۱۹۱۳ (۸ صفر ۱۳۳۱) گ س در مدهند آنها (یعنی صاحب مصاص سوئدی) تماماً اسحاس با حرره و صاحب مصاص کارکی هسند کتاب آف انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۳) نمره ۵۳۹
۲) تعرض دولت ایران در کتاب آف انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۴) نمره ۲۰۴
مصور است

۳) ا حات حدید را از آخر سال ۱۹۱۳ (اواخر ۱۳۳۱) از احرا انداحند ک س
ر انگلس ایران شماره ۱ (۱۹۱۴) نمره ۳۳۶

فصل سوم

یکی از عوامل اساسی سیاست انگلیس در ایران قبل از جنگ عمومی «رقابت» بود. در سال ۱۸۹۹ (۱۳۱۷) وقتی که دولت فرانسه حدّ داس سکه ناحرهٔ ساحل مسقط ک مرکری رای چهارات خود در حلیج فارس ردک عیسی (۱) دست یاورد امیر البحر انگلیسی داخل مداکرآن سده و نهدید کرد که فوراً سهررا گلوله ناراز خواهد کرد. دولت انگلیس که حاضر سده بود معاً عیسی و آمان ثمانهٔ راه آهن بغداد مکک کند نا کما نهرت و کراحت ساحل این راهرا تمساک میکرد. لکن از آنجا که بقول «تایس مورچه» ۲۳ مارس ۱۹۱۱ انگلیس هیچ حقی ندارد که یک مملکت را تعلیم دهد که چه راه آهن دارد، دولت آلمان با تمام قوای خود سعی کرد که اتمام سمت احبر راه آهن بغداد را (که حصهٔ بغداد-بصره باشد) تأخیر بیدارد (۱). وقتی که تحارتخانهٔ آلمان و کپور و سرکاه (۲) خرید و حمل و نقل بوسه رفرا در حلیج فارس بعهده گرفت و نتایج خوبی هم دست آورد دولت انگلیس تصور کرد که این تحارت آرامی سر و صدا در دریای سسته، او یک نوع دحاتی است در حقوق انگلیس و مستصبر عهدنامه ای مهم تأویل برداری که ماروئای ایلات عربستان سرقی سسته بود با قوهٔ مسأحه در صدد مباح

[illegible]

برآمد (۱). «تایس» تا یک تفری که توانست نهان کند در ۱۹۰۶ (۱۳۲۴) حر اولین سفر کشتی «هاپاگ» را (۲) تملیح درس داد. این شرکت از سال ۱۹۰۶ (۱۳۲۴) نایب طرف مابین هامبورگ و عربستان و خلیج فارس جدید کشتی راه انداخته بود و جایی معروف بود که این شرکت از طرف مملکت آلمان مساعدت مالی می‌شود و لهذا علاوه بر موانع تجارتی مقاصد سیاسی هم در نظر دارد. انگلیس هر وسیله متوسل شد در برای آنکه تجارت آلمان را با ایران که سدرش بدرجه سوّم از مللی که با ایران ارتباط تجارتی داشتند ارتقا حسته بود زمین رده و ارمیان برند.

مهم‌ترین رقب انگلیس در مشرق روسیه بود که انگلیس با او آن قرار داد معروف ۱۹۰۷ (۱۳۲۵) را بست و مقتضای آن قرار داد حدودی در ایران تعیین کرده شد که در داخلی آن حدود روس و انگلیس نبود تدریجی خود را بیستی بکار برند. اگر انگلیس دائم رسد حالات مراجعت شاه مخلوع (که روسها قول داده بود در صورتیکه دو ناره صاحب تحت و تاج ایران سود نام، منازات مهمتی دهد) اقدام مکرر و اگر انگلیس رسد تصرف ایالات شمالی ایران متوسط قسور روسیه بود و رسد گرهین مالیات ایران متوسط قوسولهای روس اعتراض مکرر و اظهار تمایلاتی مسمود که تماما با میل دولت ایران موافق بود انگلیس در هیچک از این امور اصلا ممانع ایران را در نظر نداشت بلکه فقط و فقط فکر خود را بود. چه نتایج آن عهدنامه اسماک ۱۹۰۷ (۱۳۲۵) که ظاهرا فقط ترس از آمدن داع بستان آن شده بود دائما وحیم تر میشد. انگلیس خود را محور میداد که هرگونه تحطی روس را قبول کند و بدین واسطه سدرش از خود خود در عالم اسلامی کاهد و ممد که با وجود همه این اعماضه، با عباره اصح دلیل همین اعماضه حرج روس دائما از شمال محور ایران

(۱) رجوع کنید کتاب اشولان جنگ در حصون عربستان ص ۲۰۰
(Stuhlmann Der Kampf um Arabien)

(۲) هاپاگ محقق هامبورگ - آمریکا مکت فارت آکسین گرشاف است یعنی شرکت اسپانی - هامبورگ و آمریکا برای حمل و نقل بسته ها و آن عبارت است از یک شرکت کشتی را آن آما که مقر آن در هامبورگ و بستر با آمریکا رف و آمد دارد -

ردیک تر می‌بود و حثیتی را که این دولت متحد (بی انگلیس) در خلیج فارس
حرار کرده و محصر نمود نموده بود و حقّ شرعی و عرفی خود میدانست
تهدید می‌کند و اساس سای حدین ساله را که سیاسیون دور بین انگلیس در
خصوص سرق ساخته بودند مهدم می‌سازد. روز براندس^(۱) سیاست گری را
در مقاله^(۲) که در روزنامه «پولیتیک» (۲) مورّحه ۲۹ نوامبر ۱۹۱۶ درخصوص
راش نوشته است در دو که حوص خلاصه کرده است، می‌گوید: «یک اقدام
سیاسی اگر هم اخلاقی - سد افلا ناید فائده مادی داشته باشد. سیاست لرد
گری درخصوص ایران هیچیک را دارا نیست».

انگلیس بالاخره در ایران حرة خود را در این محصر دید که محجب به
در حلوی راه رفت روسی خود سدّ نگذار. و در رده مواع و اسکالاب
ری اه نتراشد. جدا تمام نمود خود را کار مرد که وررا و حکام
دین روس را براندارد و محی آنها یک هفت وررا و عمال انگلیس دوس
استند. در حقه قسقه‌های راهها و راه شبهای روس را سعودی می‌داح.
مخصوصاً مدکرات در نب قسقه راه آخی را که می‌بایست از وسط ایران گذر
سی کرد که محو بیجامد. انگلیس برای آنکه قوی‌ترین ایلات ایران این
یا مختاری که در عیدت اراضی عت هم سرک بود بطرف خود
سازد نماید و این قوّه مهتر بر صد روس نگار بیندارد از صرف پول
مخوفاست که کرد. و چون روسیه بریگاد مراقب ایران را که فقط است
نور ایران است بکلی در دست داشت انگلیس سعی کرد که قسور فراسورار
بر برادر در تحت فرماندهی صاحب مصالح سوئدی بود و دولت ایران
مروعی که برای آنها تریلهای سنگین می‌د - آنها را گه‌گذاری می‌کرد در مسائل
نور قراق در دست گرفته و آنها را در تمام ایران مسلط نمید. اما همسکه
کاملاً میدید که قسور فرسورار سوئدی باع اسار و حکام آنها سد
راه نه و حوص فر رعنی که صاحب مصالح سوئدی و ایران در خصوص
سکین می‌کند ری قوّه فرا-ورنی داده بودند طرح بر سورار

میرسانیدند و شکایت میکردند که غیر ممکن است رای این قشون که تشویق خود آنها تأسیس شده بود پول بدست بیاورند.

مراسلات «حبلی محرمانه» سیر انگلیس در طهران در خصوص اوصاف سیاسی ایران که تا اندازهٔ بزرگ وقایع ماههای اخیر را فاصلهٔ قبل از جنگ عمومی و بعد از آن سخن میراند شخص را حواری سیاست ناطی انگلیس و دو روتی آن مطلع میکند. نویسندهٔ این مراسلات سیر والتر تاوولی^(۱) مامد همقطار خود مارلیک^(۲) حای سیاستور «ناحس خوس طیت» انگلیس را در دربار ایران گرفت. و اخیراً تاوولی را باسم آنکه «مردی قوی» است هلاند فرستاده اند تا آنکه «حسیات ملّی و وطن پرستانهٔ هلاندیهارا تحرک کرده و با آنها نمایاند که این حسیات باید بطرف مؤتلفین معطف باشند» (موریگ نست). اینک ما در دیل ترجمهٔ تحت اللّٰه علیّ متحد المآلهای تاوولی را برای مطالعهٔ خوانندگان مسکاربیم.

متحد امال نمرهٔ ۱

طهران ۲۳ مارس ۱۹۱۲ [۲۵ ربیع النبی ۱۳۳۲]

خلاصهٔ اوصاف سیاسی ایران را که در دیل دیده میشود باید تقوّل و تقوّلهای انگلیس در اصفهان، سیرار، تبریز، مشهد، کرمان و نوشهر فرستاد تا آن مطلع شود و حبلی محرمانه است. در صورت امکان هر ماه یک چنین متحد المآلی فرستاده خواهد شد هر چند تا امروز نمیتوان یک موعد معنی رای این مسئله قرارداد.

اوصاف سیاسی اراپ فرارست:

امور ایران ناعب بعضی مداخلات مخالفت آمیزی بین روس و انگلیس شده است. ارتباط این دو مملکت در اینجا ناآرام صمیمیت و نگاهبانی ویدی است. وزیر تارّه روس^(۳) در حرکات خود قدری عریب ناظر مآید. (رجوع

by Walter Lowndes (۱)

Marling (۲)

(۳) یعنی کوروسووس (Korotkov) که در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰) سفر روسته در ک بود اس مرد مای جماع اروائها در بک واسطهٔ آنکه دختر رئیس بس ح

کند آن ملاقات در رورنامه ایرانی که سوادى ازان لقا مهرستم). ما ارعش
الدوله و فراسوران و مختاریها حمای مکسم. روسها حالا ر صد عین الدویه
هستند. مذاکره این هم هست که فراسوران را بواسطه رداسن آنها از شمال
ایران کمتر کند. روسها بدوستی ما است و اختارها باطر حسد و رقابت
مسکرید. ما عین الدوله را در سرکار خودس گاه داسته ایم و او از رای ما
همه کار خواهد کرد. دولت انگلستان فعلا در خصوص فراسوران در
پصر بودع مسعول مذاکرات است و مل دارد که فراسوران در همه غناط
ایران وسعت گیرد. روسیه مایل است که ر برگاد قراق افروده شود و در
شمال ایران قراق حای فراسوران را بگیرد. مختاریها محکم در دست ما هستند.
مرد سدر آنها نصفهان و کرمان و مراجع ایاغانی^(۱) سر سعل خود
موسط اس سفارت (یعنی سفارت انگلیس) احام نائب. فرستادن شوکت لسانستان
و توقف حسمه^(۲) الملک بواسطه مساعد بودن عین الدوله از یس رفت. مهم ترین
مقصد نایب السلطه آنست که در ماه رولئه آید (سغان) ساهرا ناحت بشاید
وجود از ملک خارج شود. نایب السلطه از این مترسید که مجلس حدید تعویق
اعلان نالغ بودن ساء رأی دهد و این مسئله ناع استعفاى خود او و اتحاد
سجص دگری که آب دست مجلس و ناع تملاب او ناسد گردد. بدین ملاحظه
نایب السلطه اتحانات را بعول ادااح رای آکه اه سح مجلس حتی الامکان
تعود تا حداداری بردک شود. ایاغان طهران حالا تمام شده است. عناصر

ی (Lia) را از راه در رد با وجود آکه خود مناهل ود ابر سزار رس خود و اندگار
حلی دی از خود گدارد بدر دسر کوروسووس را ما همد سن یون محور کرر که
رس را صلاغ دهد و روسووس را بعد نسه کردند تا که اورا سم تمانده سانی
روس در معولسان ه اورگا فرسناد

(۱) مقصود سردار حک ما عود رس و میه رس حای یاری است که اهدت راه لنج را
باو و کدار کرده ودد

(۲) سوکه الملک و حسمه الملک دو راره ه - سوک مسهور مانگیس دوس و -
لهذا سم سکوم سندان نامرد کردند و حسمه الملک که حرکت اگاسا کرده ر
سد مسد و روس رس است

دو کرات نکلی خارج شده‌اند. انتخابات ایالات فوری احام خواهد یافت ولی قریب یقین است که تبریر وکیل خواهد فرستاد. (۱)

اوضاع تبریر بواسطه حرکات ناشایست سحاح الدوله و استقلال که او تناسب حمایت شدن از طرف روسها پیدا کرده است سی یاس آور است. اشکالات مالی دولت ایران حلی رناده است. مررارد (۲) حوب کار مکده. بدست آوردن پول برای محارج فراسوران که حالا بسالی ۶۰۰،۰۰۰ لیره سیده اسب حیلی مشکل شده است.

نقشه راه آهس سرتاسر ایران اسباب اشکالات گردیده است (۳). مداکراب در لندن و بطرر نورع سطر میاید که منتج نتیجه نشود. روسیه مایل است که خط راه آهس را از کرمان سدر حاهار منتهی نماید در صورتی که دولت انگلستان بر صد ایسب که منتهی الیه خط آهس در مشرق سدر عتاس باشد. دولت ایران متواید ۱۰۰،۰۰۰ لیره از نک شرکت انگلیسی رای امتیار معادن کرمان بدست بیاورد (۱) ۳۷۷ اردیاد ۳۰۲۱ خصوصی ۸۴۳۰ بواسطه روسیه که مساعده احمس تحقیقات راه آهس مداکره میگرد (۱).

قراسوران یک دسته ۱۲۰۰ هری بروحرد فرستاده است. نظام السلطه (۴) سمب حکومت لرستان و عربستان نامرد سده و بداحا حرک مکده. سحبارها وعده داده سده که در ماه آوریل (حمادی الاولی) یردرا ناها دهد.

(۱) حانکه در بش اساره سد سحاح الدوله حوحوار عاصب برر که ارطرف روسها حجاب میشد مانع اسجانات برر گردید
Mornud (۲)

(۳) مقصود سسه راه آهس ناصو-وشکی (بلوچسان) اسب که اداره مائه آر۱ احمس تحقیقات ناریس « Society of Frudes) نا سرمایه انگلیسی و فرانسوی و روسی در دبب گروهه بود رجوع سود نقشه ایران در آحراس کباب

(-) معهوم عارت بین دو سباره ککلی مهم اسب فونسول انگلس در سه ار اس ارهام رمررا از متحد المال بولی بواسطه اسب حل نماد و همی طور ناهی گداسه و در حاسه کاعده در حصوص اس ارهام علامه اسعهامی گدارده اسب

(۴) حاکم سابق فارس که دبجربک انگلسها معرول سد نظام السلطه اکون رئیس فوای ملی ارانی اسب که کمک عثمانها نا روس محسکد

ایب^(۱) را کم در کاشان خوف گرفته است چه وی دائماً بیش از پیش محصور
 شود. نایب از دولت ایران استدعای احارۀ سهر کربلا نموده است.

ادارۀ قراسوران تارگی حد صاحب مصب ناصه‌ها فرستاده است رای
 آنکه کارهای آبخارا توسعه بدهد.

اوصاع فارس کما فی السّابق اسباب تشویش است. قوسول انگلیس السّ
 ر موقع لروم هود خود را بکار خواهد برد. حکومت حاکم^(۲) حالیه آخا
 رای ما سیحۀ حونی بداد و باید کسی دیگر پیدا کرد که بیشتر تابع باشد. وزیر
 الیه حالیه^(۳) سطر می‌آید که بسیار مناسب باشد و چون او ر صدّ عین الدّوله
 سب عیت او از پایتخت عین الدّوله را قوی تر خواهد کرد. اتفاقات احرة
 کار رو و وکشته شدن اسماک یک صاحب مصب سوئدی امید است که نتایج
 جمعی نداشته باشد هر چند که اعتشاس هور تمام نشده است.

صوّر آنکه شاه مخلوع دوباره مراجعت کند اسباب تشویش شده است.
 مکن دواب روس قول حتمی داده است که از طرف روسیه ناو کمک نخواهد
 ند. احتمال می‌رود که سالار^(۴) هم دوباره برگردد.

اصهارات سفیر روس در تک ملاقاتی که محرر روزنامه «رعد» نا او نمود
 بدارۀ اسباب کدورت سفیر انگلیس شد که او را محور کرد یک سوادری از
 ن مقاله رای قوسولهای انگلیس هرستند. وی الواقع این اظهارات حلی
 مرید سطر می‌آید. محرر روزنامه ایرانی از سفیر روس سؤالات دسوار
 می‌جاسیچی میکند در باب همان مسائلی که از قدیم اسباب تسویش خاطر دولت
 ایران شده بود از مثل عقب کشیدن فنون روس از شمال ایران، مراجعت

(۱) مقصود درد مشهور ناب حسین کاشی است.

(۲) یعنی بحر السّلطه

(۳) یعنی ووبق الدّوله که امسال رئیس الورراس

(۴) یعنی سالار الدّوله برادر ساه مخلوع که بعد از آنکه سه‌های زیاد در ازان را

نبرد و ماعب انقلابات و جنگهای داخلی گردید بالاخره برور روس و انگلیس نا کم مواحب
 بالانه که دولت ازان ناو وعده کرد از ایران ببعث شده و در سوئس بسر میرد

در مقابل اعلای این سؤالات کوروستووتس حواهای مهم دو معیار
حاصر داشت: عهدنامهٔ ۱۹۰۷ روس و انگلیس قبل از همه چیز تمامیت (۱) پس
محموط بودن حدود و ثغور ایران را صواب می‌کند. (ویگهام (۲) انگلیسی می‌گوید
«ح و رری استحقاق و رار بدارد اگر در دهاس کلمات حفظ حدود و
ثغور، و «نقاء رسکل حاصر (۳)» جاری باشد. ولی آیا این تمامیت همین
طور باقی نماند یا نه آن مسئلهٔ دیگر است. همچنین مسروطهٔ ایران را دول حانی
صدیق کرده‌اند ولی باید لارم باشد که مسروطه تعبیری باید. در جواب
سؤال شهر رورنامهٔ ایرانی در خصوص تصرف یقانونی شمال ایران نوشته
مسون روس کوروستووتس با یک ساده لوحی روسی اظهار می‌دارد. «مهر بود
که دولت روس این پنج ملیون مار را برای ترقی ملت خود صرف نکرد خواهی
آنکه این پول را برای برانگیزه کردن نوای خود در ممالک خارجه بمصرف
رساند. صورت ملاقات مذکور را که رورنامهٔ «رعد» مورّحهٔ ۱۰ مارس ۱۹۱۴
(۱۲ ربیع الثانی ۱۳۴۲) نسکل سرمقاله در رورنامهٔ خود درج کرده است ما
از روی سواد که سیر و اثر تاولی در لب کاعد متحد المال خود نوسوهای
انگلیس در ایران فرستاده رجه کرده در اینجا می‌کاریم (۴).

Statu quo (५)

(۲) د کتابه اصل وړسی اس شماره روریا رعد د سب اود د سب عبار ورس

خود رعد قل سود لهذا ترجمه از آلمان واسکلس اکا سد حاسه ه ج

مقول از رورامه درعد شماره ۳۴ ۲۱ مورّحه ۱۰ مارس ۱۹۱۴

ملاقات نا موسیو کوروستووتس سمر روس در طهران

در جواب این سؤال که حصائل حمیده واحلاق ایرانیان چیست ویریر فرمودید ایرانیان مردمان مهربان ومهمان نوازی هستند و برخلاف آنچه وی سابقا تصوّر میکرد ایرانیان به متعصب و به روحیه اروپائیها مسمند. ولی ایرانیان کارکن نیستند ویکاری را بر کارکنان ترجیح میدهند.

محرر رورامه از ویریر خواست کرد که صورتیکه ممکن باشد ویریر از سیاست دولت روس توضیحاتی بدهد. ویریر اذین حذرده که آن توضیحات را نمیتوان بدهد. ولی وی مأمور شده است که روابط درسیا، بین ایران و روس را محکمه تر کرد. و در احکام سکایات حدید کمک نماید. محرر رورامه بعد از آن سؤالاتی کرد در خصوص تصرف شمال ایران توسط قسوں روس. ویریر اظهار کرد که وی طرفدار آن است که قسوں روس از ارضی ایران را تخلیه نمایند. اعلیحضرت امپراطور روسیه و وزارت خارجه هم او را مأمور کرده اند که هر راهی برای رسیدن باین قصد متوسّل شده و حدّ نماید. نایب السّلطه قفقار و رئیس اوررای سابق هم که حالیه ویریر مالیه است نا او در اس عقیده همراه هستند. بهتر آن بود که باج دلوں ماتی که رای قسوں روس در ایران مصرف میشود در راه ترقی و تمدّن روسیه مصرف میرسید.

سؤال دیگر محرر رورامه در خصوص ساه مخلوع بود. سفير در جواب گفت که ساه مخلوع بتادگی بصرر نوزع رفته است رای آنکه کمک و حمایت دولت روس را رای مراجعت خود بایران بدست بیاورد. اکن بشاه مخلوع گفته شد که باید وی خیال مراجعت بایران را بکلی ارسر خود برون کند. سفير روس یقین داشت که ادارات روسی هیچوقت بساه مخلوع مساعدت نخواهد کرد.

از سفير سؤال شد که آیا او تصوّر میکند که مسروطه ایران مافی نا منافع سیاسی و تجارتی روسیه باشد. ایشان در جواب گفتند از آنجاکه دولس همجوار مسروطه ایران را تصدق کرده اند ادا صدتی نا آن ندارند اکن حیل آنها فقط

ار این حیب در تشویش است که ممکن است مملکت ایران دوباره یک شکل هرح و مرحی پیدا کند. در صورتیکه هرح و مرح و اعتشاش نشود آوقت دولت روس در مسروطه و قوایس مجلس تعیری خواهد داد.

در خصوص عهدنامهٔ ۱۹۰۷ روس و انگلیس سیر اظهار داشت که اوایل مقصد ما آن بود که تمامیت مملکت ایران را نگاه داریم ولی بعدها این عهدنامه چه اثری برای ایران خواهد داشت از حالا غیر ممکن است پیش بی کرد یا در آن نام حیری گفت. ایراسیا ناند مافع شخصی را کنار گذاشته بوطن خود بردارد. یعنی است که در ایران اشخاص لایق و حیره یافت میشوند که در روسیه هم مانند آنها پیدا نمیشود. اگر ایراسیا خود قابل آن باشد که مملکت خود را اداره کند آوقت بالطبع اتفاقات غیر متطر روی خواهد داد.

محرر روزنامه از سیر در خصوص سیاست دولت روس در منطقهٔ بطرف سؤال کرد. سیر در جواب گفت یک سیاست معینی در نظر نیست.

در جواب سؤال محرر روزنامه در خصوص قراسوران ایران سیر گفت که صدقیتی با قراسوران در میان نیست. در اوّل چنین گفتگو بود که قراسوران فقط برای امید راههای ایران تألیس شده است. آن نقشه حالا نکلی مهم حورده و امروز تحت آن است که قراسوران در آینده یک همون بررگی خواهد شد. لهذا لازم است که وی در این خصوص با دول ایران و انگلیس و سوئد مذاکره نماید.

در خصوص فرض بررگ ایران سیر قبول آرا بسته بدو شرط میداد:

اوّل- یعنی بودجه.

دوّم- تصمیّه مسئلهٔ راه آهن.

دوای انگلیس مل دارد که راه آهن سرتا سر ایران از شمال غربی بطرف جنوب و خلیج فارس کشیده شود، در صورتیکه دولت روس مایل اس که راه آهن از شمال غربی بخوب سرقی ساخته شود.

در خصوص حاجی سخاع الدوله و آذربایجان سیر اظهار داشت که تنها سخاع الدوله قابل آن اس که نظم و امت را دوباره در تبریز و 'الب آذربایجان رقرار کند،.

متحد المال دیل که در ۲۶ روئن ۱۹۱۴ (۲ شعبان ۱۳۳۲) سیر انگلیس
 از بیلاق قلهک نوشته ییش از ییش برده از روی ناری انگلیس و روس
 رداشته و آرا آسکار مسارد. ایران که فقط قوت لایوت زندگی میکند مار
 بول لارم دارد. ساقا در دسامبر ۱۹۱۲ (محرم ۱۳۳۱) سیر والتر تاوولی
 سیر ادوارد گری با سبب ریاد تلگراف کرده بود: احتیاج بول ممکن است
 ایران را محور کند که امار راه آهن را امض نماید، ولی حوین حالا هیچ
 هیئت و روائی پیدا شد که محمداً مسئولیت از دسب دادن حقوق ایران را بعهده
 بگیرد تحریک گری سعد الدوله را که تفرمات آن او را با سبب محلول از
 ایران بیرون کرده بود دوباره از گوشه اروا نظهران طلسمه و
 خواستند او را آت دست خود قرار دهند. فقط ناصر الملک بایب السلطه که
 هرحد دوست و همشاگردی گری بود لکن بی روائی او را بداشت مصایقه کرد
 از اینکه کاسیه سعد الدوله را بنماید. مساعدت که فوراً روسیه بایران داد باعث
 این شد که امتیاز راه آهن حلفا-تبریز را روسیه واگذار کردید ولی استهای
 انگلیس با اویسیون^(۱) (وعدۀ) ساحق راه محرمه-حرم آباد که حراً از دواب
 ایران گرفته شد فقط بیمه ساکن گردید. ایک ترجمه تحت الاقطی متحد
 المال مذکور.

متحد المال عمرة ۲

قلهک ۲۶ روئن ۱۹۱۴ | ۲ شعبان ۱۳۳۲

حبلی محرمه

رجوع سود متحد المال محرمه من مؤرخه ۲۳ مارس.

«با ردیک شدن رور تاحکداری اوصاع پاتیتحت حبلی تارک میسود.
 نولت در مهیت تنگدستی و صیق مالی است و هیچ معلوم نیست که از چه منبعی
 بول میتوان بدست آورد. دولت انگلیس سر میآید که حاضر نیست هیچوجه
 کمکی کند. از آنطرف دواب ایران هم هیچ میل ندارد که از روسیه تقاضای

(۱) رجوع کند بص ۴۰

کمکی نکند چه از آن میترسد که از روسیه در مقابل مدد مالی امتیازاتی حد در حواس کند از فیل کشتی رانی در دریایچه اورمیه، تحدید نظر در حد سرحدی ایران و روس در ردی صحرای معان، امتیاز بعضی آبیاریها و واگذار کردن بعضی اراضی روسها، علاوه امتیاز آساری کارکنان که نایب آب رودخانه کارون را از یک منبعی ردیک کوه رنگ برگردانیده دست اصهارا بیدارد.

کابینه ورا در خصوص حل بعضی مسائل سرگردان هستند و مخصوصا میداند بچه شکل رسد مداخلات روس در ایالت آذربایجان بروتس کند. حاکم آنجا حمایت روس خود را بکلی از حکومت طهران محروم کرده و مستقلا کار میکند و حوال فوسول روس هم در آنجا حکم بطور بروع از اتباع روس یا کسانی که در تحت حمایت روس هستند و یا کسانی که املاک خود را باین فیل اسخاص احاره داده اند مالیات میگیرد. اس شکل مالیات گیری در بعضی نقاط دیگر واقعه در مسقطه روس بر احرا سده است. بعضی ادارات سستی هم از طرف روسیه در طهران و تبریز و حاکم سیده میسود در مسهد هم افتتاح سده اسب.

احضاری که از ایالات میرسد مشعر است که احتمالات خیلی مائی بایس میرود. هیچ امید نیست که در موقع تاحگذاری عده نصای از اعضاء مجلس حدید در طهران نتواند حاضر باشد یا ساه در حضور آنها بوفاداری بمشروطیات و سب ید کند. لهذا بطور بیسهاد سده است که ساه در حضور یک عده محتاطی از وکلای مجلس قدیم و مجلس حدید قسم بخورد. واس هم یک عماتة مسکو است چه ممکن است در آینده اسباب گمتگو در مسروعیب تاحگذاری گردد. نایب السلطه مصمم اسب که حسن تاحگذاری را تأخیر بیدارد و خیال دارد که فوراً بعد از اقصاء مراسم تاحگذاری مسافرتی ناروا نکند. هور معلوم یست که اولین کابینه دولت تازه را که سکیل خواهد داد. روسها از سعد الدوله خیلی حمایت میکند لکن احتمال قوی میرود که ساه حوال مسوفی الممالک را ترجیح بدهد.

حماة ديل كه تاو لي در آن حرركات عيرقابوني روسهارا در آذربايجان تمديد كرده وار ك تقسيم دوباره ايران يعنى ار يك تشديد نظرى در قرارداد ۱۹۰۷ سخن ميراند بهترين مالى است راي اسات اينكه چگونه انگليس و روس در استداى حگك ار «قاعده اساس قوميب^(۱)» كه امروز ورد ران ايشان اسب حمايت و طرفدارى ميكردند:

«امروز ميرود كه لندن و پترزبورغ امروز در صدد آن هستند كه يك تشديد بمر اساسى در مسئله ايران كرده و معين كنند كه محه شكلى ممكن است معاهده ۱۹۰۱ را حير داده آرا محكمتر كنند تا نا اوضاع امروزه مناسب تر گردد. لروم اين مسئله منسأ آن قداماتى اسب كه روسيه در اين اواخر در سبال ايران كرده اسب و تا انداره هم سايد بواسطه قراردادى است كه جدى بيش دولت انگليس نا «سركت نفت انگليسى و ايرانى» [آلو برس اول كمى^(۲)] بسته است و نا واسطه دولت انگليس در حوب ايران وطائف و مسئولهائى تازه پيدا كرده كه بايد ار آنها حمايت كند.

ار قراين همحو معلوم ميشود كه بعضى ار ايالات عمده حوب سعى ميكند كه نا بكنديگر متحد شوند گويا بعلت آنكه تصور ميكند كه ممكن اسب عد ار تاحكدارى بعضى تعيرات در سبال ايران روى دهد و ميترسند كه آن عيراب سايد ر صدد مافع آنها ناسند. و بير ار قراين معلوم ميشود كه بعضى ار اين ايالات مايلد داخل ك ارتباط رديكى نا دولت انگليس نشوند.

امضا. و. توبلى»

عبارة اخرى چون بطور وصوح روسيه اقداماتى مخالف نا حقوق بن الملى در سبال ايران كرده اسب و بديطريق حسبات عدالت حواهى انگليس را محروح ساخته انگليس هم مائل است راي آنكه مرهمى راي قلب حراحت ديده خود پيدا كند استمالت روس را در منطقه سيطرف ر صدد ايران ببحاره دسب آورد. والا آن وطائف و مسئولهائى تازه كه انگليس در حوب ايران

پیدا کرده کدامهاست ؟ و چه قراردادی دولت انگلیس با «شرکت هت انگلیسی و ایرانی» بسته است ؟

«شرکت هت انگلیسی و ایرانی» هیچ چیز دیگر یا کس دیگر یا سبب غیر از خود دولت انگلیس نبوده . دوا ب انگلیس است در عطف آن شرکتی که در سال ۱۹۰۹ (۱۳۲۷) ایجاد شد و مابین هت هگمت خنوب ایران را در دست گرفت (از سوشتر تا سدر عتاس طول اراضی هت است) . در ۱۸ ژوئن ۱۹۱۴ (۲۴ رجب ۱۳۳۲) اشهاد دولت انگلیس که بریتانیای کبریا با یک مبلغی معادل ۲۰۰۰۰۰۰ لیره داخل در این شرکت بنمود با ۲۵۴ رأی بر صد ۱۸ رأی در مجلس وکلای انگلیس قبول شد .

تقسیم اسهام این شرکت از قرار دهل است :

دولت انگلیس	۲۰۰۰۰۰۰۰ لیره
شرکاء دیگر (مخصوصاً شرکت انگلیسی هت بورما)	۱۰۹۹۹۰۰۰۰
مجموع	۴۰۰۰۰۰۰۰ لیره

دولت انگلیس که یک نماسده با حق رأی امتناع^(۱) از طرف اداره ماله و محریته انگلیس در هیئت نظار این شرکت دارد با ۲۰۰۰۰ لیره اسهام همیشه در اکثریت است .

رای محافظ این اراضی هت که قبول رئیس شرکت هت انگلیسی و ایرانی کریسوا^(۲) «ماداره یر هت است که رای تمام احتیاحات قوای محریته انگلیس و یستر هم کافی است» انگلیسها فسون وارد عراق کردند . رورنامه انگلیسی اکوئومینست «مورحه ۱۱ دسامبر ۱۹۱۵ (۳ صفر ۱۳۳۴) میوسد : «باین حدگ سوم عراق عرب مخصوصاً اقدام سد رای محافظت اراضی بیابان هت که اداره محری انگلیس بدست آورده بود .

دولت ایران قرار سد سالانه صدی شارده از مابین این شرکت و بایل مختاری که معادل هت «شرکت مختاری^(۳)» (که آن بر یک شرکت

(۱) Veto right

(۲) Greenway

(۳) Bakhtiari Oil Co

انگلیسی صرف است) در اراضی آنها واقع است صدی سه از اسهام سرک
 ۳۰۰۰۰ لیره قد سالیانه پرداخته شود. بکسۀ دولت ایران آیا از این
 مافع قراردادی چه داخل میشود مخصوصاً وقتی که مامد سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۳) یکی
 از ایلات خودسر بواسطۀ شکست یکی از لوله‌های هت یا حرکتی دیگر شرک صرری
 وارد آورد، این فقره از لطق ریئس «سرکت هت انگلیسی و ایرانی» حوب
 واضح میسود که میگوید (رجوع شود به «تیس» مورّحۀ ۲۱ دسامبر ۱۹۱۵
 ۱۳ صفر ۱۳۳۴): «دولت ایران محور است عرامت جمیع حساراتی که نما
 و سرکا ما بواسطۀ هدر رفتن مقدار زیادی هت (۱۴۴۰۰۰۰ تون یا ۴۳۲۰۰۰۰
 حروار) وارد آمده سردارد و همچنین باید از عهدۀ جمیع مخارج فوق العادۀ که
 ما کرده‌ایم در عرص آن مدتی که بواسطۀ دیوانگی یکی از رعایای ایران محور
 سدیم کار خود را چندی قطع کرده و کارها را بحوالانم برآید».

۱

متحد المآل سوّم سفر انگلیس در ایران تاوولی مصادف میشود با زمان
 جنگ عمومی. تاحکداری شاه حدید الحام یافته و کمی بعد از آن کابینۀ وررا استعفا
 داده. نایب السّطه که گوش خیلی شوائی نصایح انگلیسها میداد انتحانات محاس را
 بطوری عقب انداخت که اعصای مجلس تازه در موقع تاحکداری تماماً حاضر
 سودند. هرچند که در متحد المآل مرّۀ ۱ مورّحۀ ۲۳ مارس ۱۹۱۴ (۲۵ ربیع
 السّانی ۱۳۳۲) چنین اشاره می‌رود که «در انتحانات حدید اعصای دموکرات
 نکلی حارج هستند» یعنی آن اشخاص وطن پرستی که با عقد استقرصات انگلیس
 و روس که در مقابل یک تنزیل خانه حراج کی آخرین حقوق ایران را میخواستند
 از او سلب کنند صدّیّت می‌مودند^(۱) لکن با وجود این باز روس و انگلیس از

(۱) رجوع شود متحله ده بواسطه من مورّحۀ ژانویه ۱۹۱۶ (۲۴ صفر ۱۳۳۴)
 در آنجا میگوید جمیع اشخاصی که حیره هستند و رأی من دارند تصدیق کرده‌اند که
 درست‌کارترین فرقه سیاسی ایران همان فرقه دموکراسی است که امروره با ساری از مرده
 دیگر طرفدار آلمان هستند فرق و اشخاصی را که طرفدار متعت هستند بمسوا اهمیت داد

مجلس حدید هم مطمئن نیستند. «بیده آنها نار هور در ایران وطن ترسان یافت میسود؛ و از آنجائیکه بول کم اسب یعنی خطر یک قرص تازه با تنزلهای گراف در بیس اسب و از آنجا که تصدیق خود انگلشها روسها بر حلاب هواین بین المللی با روت ترین امالات ایران آذربایجان را عصب کرده اند رئیس الوردای تازه میتواند برای کایه خود اسخاص با اطلاع کاردان بدست بیاورد زیرا طبیعی است هیچکس حاضر نبود که مسئولیت آنرا بگردن بگرد که این خارجهای امرورده «حفظ اساس قومیت»^(۱) نک ملت صعیق را در هم سگسته و فنا نماید.

همچنین قراسوران ایرای در تح فرماں صاحب منصل سوئدی که بهترین فنون ایران محسوب میشود رو نظرف الحلال میروند چه مواجب آنها مطمئا نمیرسد. چرا بول آنها منظم ادا نمیسد؛ زیرا که سوئدیها با قسوفی که در تحت فرماندهی آنها بود بر حلاب رنگاد قزاق ایرانی خود را حدمتگذار یک مملکت خارج که در آن مورد انگلیس ناسد می میداسند بلکه بر عکس خود را دفاع کسده ایران و حامی روهیب این مملکت میداسند. لکن این خال چندان با منافع انگلیس موافق نمآید. است که انگلیسها باستعاب دسب نشاددههای ناژیکی خود ماسد حراهدار کل هانس^(۲) راه بول را بر قراسوران مسدود کردند. صاحب مصب قراسوران مریل^(۳) که تنها امریکل بود که بعد از قصیه سوستر با رئیس و هموطنان دیگر خود همراهی نکرده از ایران بیرون رفت در ۲ مارس ۱۹۱۵ (۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳) تقوسول انگلیس در سرار مارور اوکوبر^(۴) مسوید: «از مانع محرمانه و حیلی موبق می شوم که حراهدار کل هانس در هفتههای آتیه در قوه دارد حواهد کرد که از رسیدن بول سوئدیها برای قراسوران جلوگیری نماید بطوریکه بالاخره همه ناچار خارج حواهد سد». و حد ماه بعد نائب سفارت انگلیس کر^(۵) مریل حین گفت و مریل هم فورا حرف او را بسرا تاگراف کرد:

Principe de nationalite (۱)

Heynsens (۲)

Meinell (۳)

O Connell (۴)

Kern سابق در برلن و ژن نائب سفارت وده اسب (۵)

«مایشترا مایل هستیم که قراسوران را در عمل قوم لوط بایم تا آنکه یک شاهی پول انگلیس را رای آنها صرف کنم» (مریل به اوگونز در ۱۴ اوت ۱۹۱۵
 ۳ شوال ۱۳۳۳). اسطور نمایندگان سیاسی انگلیس با صاحب مصباح
 سوئدی که ناصرار خود آنها نایران آورده شده بودند رفتار میکردند!
 اینک ترجمه تحت اللفظی متحد المال سوم سیر انگلیس:

متحد المال ممره ۳

قلهک ۲۲ اوت ۱۹۱۵ [۳۰ رمضان ۱۳۳۲]

خیلی محرمانه

متحد المال محرمانه من مورحه ۲۶ رؤس.

تاحکداری بدون هیچ اسکالی احام یافت. از آنجا که عده نصاب ۷۰ نفر از
 وکلای مجلس حدید در طهران حاضر بودند شاه قسم بوفاداری مسروطیت را در
 حضور ۶۸ نفر که میگوید از (۱) وکلای مجلس قدیم بودند حوزد. مسروعیات این
 عمل را بایطور تأویل کردند که بطریق یکی از مواد قانون اساسی وقتی که پادشاه
 در موقعی وفات نماید که مجلس حدیدی هور گرد بیامده اسب شاه نازده باید
 قسم را در حضور اعضای محاس قدیم یاد کند. سریشانی که در موقع تاحکداری
 عمل آمد خیلی ساده بود. چیز تره فقط مهمانی بود که شاه رؤسای
 سفارتخانه های خارجه و حامیهای آنها داد. تمام سمرنا استندای سارردامر ایسالی
 یک مکتوب فوق العاده داشتند که بموجب آن رؤسای دول مسووعه ایسا آنها را
 رای این موقع سمت نمایندگی فوق العاده اعطا کرده بودند. وایعهد و وررا
 و همچنین عموی شاه بصرة السلطه در این میزمانی حضور داشتند. بعد از
 تاحکداری علاء العاصمه در سرکار خود ناکی ماند اسکن وریر خارجه
 و بوق الدوله استعفا داد و بان جهت تمام کارهای مهم در قاج و لغویق
 افتاد.

(۱) در اسناد اصل انگلیسی علامت اسهمی است از فوسور انگلیس در سترار

کوا اسناد کلمه وده که واسر رمر آرا حل تمام

جد زور قل کابینه جدید ریاست مستوفی الممالک تشکیل شد. علاء السلطه وزارت خارجه را در عهده گرفت و خود رئیس الوزرا و وزارت داخله را دارد. مانق اعصای کابینه درجه اهمیتشان کمتر است. محترم السلطه وزیر ماله است، صاحب اختیار وزیر جنگ، دکاء الملک وزیر عدلیه، مهندس الممالک وزیر تجارت، نهال التوله وزیر فواید عامه و پس و تلگراف. مناسب فقدان بول و اوضاع مشکلی که بواسطه روسیه پیش آمده است رئیس الوزرا نتوانست همکاری بعضی از سیاستور قابل را که در موقع قبول ریاست وزرا در نظر داشت بدست بیاورد.

مسئله ماله کما فی السابق باعلی درجه سخت است. خرابه اکلّی حالی است و تصوّر آن هم که با اوضاع امروره در اروپا از حائی توان پول بدست آورد بعایت دشوار. صاحب مصان سوئدی لایسقطع سکایت میکسد که اگر ناآنها بول رسد آنها دیگر نمیتواند مسئولیت حرکات تانیهای خود را بعهده بگیرد و تهدید میکسد که اگر مطمئناً بول ناها برداخته نشود از دولت سوئد تعاضی احصار خود را خواهد کرد. دولت سوئد که با دولت انگلیس قراردادی دارد که بموجب آن صاحب مصان سوئدی تا ماه مارس آینده باید در ایران تمام این اقدامات تهدید آمیز را پسندیده است. ولی تصوّر آن مشکل است که این خدمت بطامی را چطور میتوان تعقیب کرد اگر وجوه لازمه رای آن بدست بیاید. قراردادی که مابین دولت سوئد و دولت انگلیس بسته شده معادش این است که از حالا الی مارس آینده حدودی رای عملیات قراسوران موافق رضای روس معین گردد و مسئله ماله آن ر روی یک پایه مستحکم بپایه شود. دولت انگلیس ۵۰۰۰۰ لیره رای مصارف قراسوران در فارس و کرمان مساعد داده است.

اقدامات اداره ماله بواسطه حرکات فوسولهای روس در منطقه نفوذ روسی دسوار شده است. مالان را که روسها و کسانی که در تح حمایت روس هستند ۹۶۳۸^(۱) باید بدهد و همچنین درآمد دهانی را که استخاص فوق مالک

(۱) فوسول انگلیس در شرار این رقم را بر مبر از متحد المال بولی واسعه حل نماید.

هستند یا در احاره دارند قوسولهای روس گرفته و نام دولت ایران سانک روس محویل میدهد. لکن از زمانی که این پولها گرفته شده تا امروز تک دیار از آن بکیسه دولت ایران داخل نشده است. قوسولهای روس در ادارات ولایاتی که در آنها اتناع روس یا کسانی که در تحت حمایت روس هستند مالک یا احاره دار اراضی باشد کاملاً مداخله میکند.

فصل چهارم

در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۰ (۱۱ سوآ ۱۳۲۸) دولت انگلیس آن او ممتازوم مسهور را بدولت ایران فرستاد که بمقاد آن اگر در طرف مدت سه ماه امنی راههای حوض ایران که رعم دولت انگلیس بواسطه قبایل عارتگر سلب شده بود دوباره رفرار نگردد خود دولت انگلیس رای خواست راههای مذکور فسونی در ثب فرماندهی صاحب مصفا انگلیسی رقرار خواهد نمود. اس مسئله را که ضعف اقدار دولت ایران در مقابل ایلات محامه فمعه تمحه آن سیاست حصه کسده روس و انگلیس است انگلیسها تحامل کردد و همچه باطهارات حقه دولت ایران که جمع آوری فسون روس و انگلیس در حاک ایران خود ناع این اقدامات مائل و نامی طرق سده اسب گوس داددد. انگلیس حذا اصرار نمود که دولت ایران ناید در مقصه «سیخرف» با محارج خود یک فسون فراسورانی تأسیس نماید و آن اولتامانوم سابق را باسطور حرج و تبدیل کرد که در عوض صاحب مصفا انگلیسی بدولت ایران احاده داد که ار ک مملکت کوچکی صاحب مصفا احیر نماید. کری رری اسکه لایمطام دولت ایران را ررحب مبادات ایصور دلال ماء دکه وی ممتواند ناس ار این سکانات تخار محسترا در خصوص با ای راه نومهر سیرر اسبهار تحامل کرد و سب گریس ندادد. در اسکه این سکاناتی سان و رورکی بودد ار ک تاگرای سمر انگلیس در طهران سر حرج بارکی (۱) مورحه ۲۸ مه ۱۹۱۱ (۲۹ حادی الاولی ۱۳۲۹) حوض واسط مسود (۲)

در خصوص راه نومهر باصفهان و نسلولای سترار و نومهر خبر مدهد که اواساع آن راه ار سال ساق بمراست مته سده اسب. و حوز من لصور مکم که سکانات تخار محدر عمده راحیه مه ۲۰ اء مذکور اسب ناید گویم که آن

(۱) Sn G Budhy

(۲) کتاب آن انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۱) به ۱۲۳

تختار درسو هستند. از مدت مدیدی نایطرف دیگر هیچ خبری رسیده که در قسمت پوشهر بشرار از راه مذکور دردئی روی داده نماند. از ماه دسامبر (دی الحیثه) گذشته نایطرف هیچ دردئی شده است که در آن مال انگلیس هدر رفته باشد. امسال هیچ خط تلگرافی هم چنانکه معمولاً در موقع کوچ ییلاق فشلاقی ایلات وی مداد حراب شده است.

استاد دولت ایران حواست از ایتالیا صاحب مصب بطلند ولی ایتالیا قبول نکرد. سوئد که از رسایت همه طرف خاطر جمع شد بالأحره یکدسته صاحب مصان قابل در تح ریاست یلمارس (۱) ایران فرستاد. یلمارس رئیس قراسوران ایران گست و در ۱۵ اوت ۱۹۱۱ (۱۹ شعبان ۱۳۲۹) وارد صهران شد.

یلمارس و رفقای او که در بهار ۱۹۱۲ (۱۳۳۰) عده آنها سیست سر رسیده بود با حدیث مشغول کار شدند و توانستند که در اندک مدتی یک دسته فسون مستم حونی حاضر کنند که به فقط اسباب ملاحظه مردم شده بود بلکه تا اندازه هم تحت عمومی ملت را بواسطه استقاده از اوضاع محلی هر ناحیه تصرف خود حاکم کرده بودند. مثلاً تجربه دانستند که بعضی از افراد ایلات که بواسطه یککاری و فقر عارتگر راهها شده بودند عین همان اشخاص را ممکن است با یک مواحب کافی منظمی مستحفظ همان راهها کرد لهذا آنها را جمع کرده و کار و امیداستند. نکلی بر عکس رنگاد قزاق بد احلاق که در هر موهمی اموال و املاک مردم را انواع هابهها صط میگردید (قتع در آنکه احکام آنها همیشه از تعلیس و سفارت روس در طهران صادر میشد) قراسوران حدید از استاد خود را نکلی رای منافع ایران و از نقطه نظر ایرانی حاضر کار صاحب. هر کس نظامیان سوئد را بساسد حوب میفهمد که این صاحب مصان سوئدی که احیر ایران بودند و از این دولت نول میگردند اگر نم فقط بدلیل آن نماند که نظام سوئد را در انتظار بست کسند سعی میکردند عثمادی که دولت ایران باها اترار کرده بود سکنه وارد یاورود و از عهده این سر خطر برآید.

اقدامات سوئدینها نتیجه خود را بحسبید. بر عده صاحب مصب و تاین رور روز افزوده شد و دایره کار آنها ماه بماه وسعت گرفت. اوصاع راههای کاروان دو رور رور منظم تر شد. انگلیس که در تجارت خود در جوب ایران بعد از برقرار شدن نظم و امنیّت در راهها ترقی زیادی کرد و فایده زیادی برد بواسطه سفیر خود در طهران قابلیت و لیاقت فراسوران را تصدیق میکند. سفیر مذکور در رابویه ۱۹۱۳ (صفر ۱۳۳۱) در حق سوئدینها و فراسوران میگوید: «آنها تمام سربارهای قابل هستند که حدّا مشغول خدمت مساند». در یک سانی که در آوریل ۱۹۱۳ (حمادی الاولی ۱۳۳۱) در مقابل شاه حواص داده شد تمام طبقات محتله ملت ایران فراسوران را با شرف زیادی تحسین کردند. در صورتیکه رور بیس در موقع سان برگاد قزاق همه سکوت احیاء کرده بودند^(۱). ایران بیچاره که همواره از طرف دو دولت بزرگ اروپائی رحمت دیده و رحر میکشید امید خود را باین فسون باره که هم طرف اعتماد ملت و هم در عوض دردی و عارتگری حامی دولت بود بسته بود و تصوّر آن مرف که این قشون های دستجات از دس رفته یفرم حار را که برای آزادی ملّی ایران حگیدند بگردد.

ترتیب مالیّه فراسوران عسار انگلیس باطوّر تصفیه شده بود که دولت ایران محارج آنها را فل از همه محارج دگر از قروصی دهد که این دو دواب اروپائی با بریلهای گراف با ایران میدادند. در ۲ مه ۱۹۱۱ (ه حمادی الاولی ۱۳۲۹)^(۲) گری سمر انگلیس در طهران بنگراف کرد. «دواب ایران عسار بیاورید که از قروصی که میسود فل از همه حیر محارج بول فراسوران که برای امت راهها یشهاد شده اسب پرداخته شود». لکن انگلیس باآخره مسئله بول فراسوران را باطوّر ترتب داد که در بانک شاهشاهی ایران که یک تأسیس انگلیسی حیرف است و حر نام هیج ارساطی با ایران ندارد ک دتر مخصوصی برای فراسوران نار کرد و از آنجا با بطارت خرابه دار کتا نارکی و بدون مداحله دواب مرکری ایران و حاکم فارس مستقیما رباست فراسوران

(۱) کتاب آد انگلیس ایران شماره ۱ (۱۹۱۴) مره ۲۳۷

(۲) کتاب آد انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) مره ۹۸

بول داده میشد. دلائل این فقره واضح تر میشود اگر ما بخاطر بیاوریم که بعد از رفتن شوستر روابط سفر انگلیس و مستشار اودر کارهای فارس قوسول انگلیس در شیراز مازور اوکوز با خزانه دار کل بلژیکی و نماینده او در شیراز (۱) خیلی صمیمی تر شده بود تا با خود دولت ایران. چه واضح است دولت ایران که عارت بود از چند نفر وررا هر چه بود رویهم رفته مافع ایران را در طر داشتند.

بعد از آنکه نایب السلطه ناصر الملک از قبول سعد الدوله مستند که حامی قشۀ امتیارات روس و انگلیس بود در کابینه حدّا امتناع وررید اوصاع مملک پیس از پیس رو مخرانی گذارد. وقتی که سفر انگلیس سیر والتر تاوبلی در متحد المال خود سکایت مکند که اوصاع عمومی خوب بیست و برای قراسوران هم نمیشود تحصیل بولی کرد معی این مسئله حیز دیگر بیست حر آنکه از قرار آن ترزلهای گرافی که روس و انگلیس میخواهد دولت ایران میخواهد قرص تازه نماید. صاحب مصان سوئدی که بعضی از آنها هم با سرمایه بودند این پریشانی اوصاع را که واسطه تصفقات روس و انگلیس بعمل آمده بود فی الحقیقه اسباب توهین خود تصور میکرد و مکرر عزم کردند که از خدمت استعفا دهند ولی بواسطه دولت خود یعنی سوئد و بواسطه وعده انگلیس که عقربیه بودی در اوصاع مالی قراسوران حاصل خواهد گشت ساک سده و بار سرکار ماندند. بالأخره انگلیس بمقاصد خویش نابل گشت: عیاً مل خود دولت ایران قراسوراهارا هم با مساعده های کمی گاه مداشتند و دائماً بار فرص ایران را سنگین تر میکردند. چنین نظر میآمد که بواسطه تصدیقات دائمی و مطلقاً ضعف کردن قدرت حکومت مرکزی بالأخره شرایط تابعیت ایران جمع شده بود. انگلیسها میخواهند که سوئدیها را باریخته دست خود قرار داده و مخصوصاً آنها را

(۱) این مسئله از آنجا هم واضح میشود که بعضی کاغذهای شخصی بدست آمد که رئیس گمرکات شیراز اساساً بلژیکی وقتی که در سال ۱۹۱۵ مرخصی گرفته و در لندن ود از آنجا بقوسول انگلیس در شیراز نوشته است قوسول انگلیس کاغذهای معرفی و سفارسمهای متعدد برای لندن اساساً داده ود و از جمله کاغذی بود که قوسول انگلیس اساساً را نخواه خود در لندن معرفی میکند

رصد ریگاد قراق نکار بیدارند و حتی آنکه چون مالیه قراسوران مطلقاً دست آنها بود در پطر نورع مسعول مذاکرات و طرح نقشه‌هایی بودند که انحلال تام ریگاد قراق را در نتیجه داس. سهر انگلیس در یک متحد المال محرمه قوسوای تابع خود در مارس ۱۹۱۴ (ربیع الثانی ۱۳۳۲) نوشت که «دولت انگلیس با دولت روس در پطر نورع مسعول مذاکرات است و می‌خواهد طوری کند که قراسوران سوئدی در تمام ایران توسعه داده شود. و در همان متحد امال از اعرام یک‌دسته قراسوران مرگ از ۲۰۰ هزار ناصه‌ها و توسعه کار آنها در آنها صحت می‌شود.

هر حد که ناسدگان سیاسی انگلیس در طهران کرار از اقدامات قراسوران سابق اظهار رضامندی کرده بودند لکن حوال قوسول انگلیس در اصفهان (۱) بعد از یک مسافرتی که از بوسهر ناصه‌ها کرد تمسید سایی از قراسوران نمود که در دیل بعضی فقرات مهم آن نقل می‌شود. در مکونی که کراهم در ۲۵ دسامبر ۱۹۱۴ (۷ صفر ۱۳۳۳) سهر انگلیس در طهران - ولسد حسن میگوید: «قطعاً ماله یست اگر گوئیم که راه بوسهر-شیراز- اصفهان امروزه خود راندار مری است باس اداره که قراسوران این را در در مح فرمان خود آورده و تمام عناصر دیگر را محو و نابود کرده اس

حسنت تایها لست بصاحب مصان سوئدی خود نظر می‌آید که عموماً حلی خوب اس (مخصوصاً مارور لوندرگ (۲) و کالیت حیلاندر (۳) کوا حلی طرف مل و دند). در تمام راه مابین بوسهر و اصفهان نظر می‌آید که همه حامیبت تام حکمرانست و تمام دهاتیانی که من از آنها در خصوص قراسوران سؤال کردم ی اداره از آن تمسید کرده و اوصاع امروزه را با اوصاع آن زمانی که هور قراسوران تأسیس شده بود سحدده و همه از اصلاحات عظیمی که بواسطه وجود قراسوران بعمل آمده فوق العاده اظهار امتان می‌کردند. از شهرانها و احتراماتی که در این سهر احراز قراسوران لست لستحص من نما

Graham (۱)

Landberg (۲)

Killander (۳)

منصبان سوئدی که مأمور این حمل و نقل بودند یعنی لوندبرگ^(۱) و پوست^(۲) بعضی پیشدستیها و احتیاطاتی بجا آورده بودند که این دفعه دیگر آن اتفاق روی ندهد. این مسئله بنظر انگلیسان مظنون آمده حتی آنرا یک حرکت خصمانه نسبت بانگلیس فرص کردند. در صورتیکه مازور پراویتس^(۳) رئیس فوج قراسوران ساخلوی شیراز بهیچوجه مقصد از فرستادن این دو صاحب منصب را بوشهر پنهان نکرده بود^(۴) چنانکه از تلگرافی که قوسول انگلیس در شیراز در ۶ رابویه ۱۹۱۰ (۱۹ صفر ۱۳۳۳) بطهران و بوشهر دراین خصوص نمود صریحاً واضح میشود. ترجمه تلگراف مذکور از ایقرار است:

برودروم^(۵) طهران. کنوکس^(۶) بوشهر.

«مازور پراویتس امروز مرا مطلع ساخت که کاپیتن لوندبرگ و پوست که قرار بود فردا از شیراز بطرف طهران حرکت کنند الآن مأموریتی از طهران برای ایشان رسید که برای حمل یک ملیون فنگ و بعضی کارهای دیگر ببوشهر باید بروند.

اوکوز»

Lundberg (۱)

Pousette (۲)

Pravitz (۳)

(۴) بی اساس بودن تهیتی که صاحب منصبان سوئدی زدند که آنها محفیه ذخیره حمل کرده اند علاوه بر این از یک کاغذی از فرمانده سابق قراسوران فارس اوگلا (Ugla) خطاب مازور اوکوز که در قوسولخانه انگلیس در شیراز بدست آمده است بحدی ثابت میشود. اوگلا از بکن بارنخ ۱۸ آوریل ۱۹۱۰ مازور اوکوز قوسول انگلیس در شیراز میبوسد: اولاً من میتوانم شما قول شرف دهم که من و به صاحب منصبان سوئدی من هرگز اقدامات و حتی قصد اینرا هم نکردیم که صلح داخلی ایران را بر هم زنیم یا ابکه بر ضد یک دولت خارجه که انگلیس که روس و چه آلمان اقداماتی بنهائیم. همچنین ما به اسلحه حمل کردیم و به ذخیره مگر آنها که رای قراسوران معین شده بود. دیگر آنگه هیچوقت هم ما (افلا) خودم) از طرف یک آلمان اصلاً بيشهادی از این قبیل نشده است.

(۵) Prodrone — رمز لگرافی است رای سفارت انگلیس در طهران در زمان جنگ.

(۶) Knox — مأمور و جبرال قوسول انگلیس در بوشهر و سادر خلیج فارس.

دنباله این «تهمت» (لفظی است که خود سفیر انگلیس در طهران استعمال کرده است) نسبت بصاحب منصبان سوئدی که مکتبی از روی حجت و قانون رفتار کردند هر روز توسعه یافت و از تلگراف جوابیه نماینده انگلیس در بوسهر که در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۵ (غرة ربیع الاول ۱۳۳۳) محابره کرده است این فقره خوب معلوم میشود. نایب سرهنگ^(۱) کنوکس بسفیر انگلیس در طهران و بصره و شیراز و دهلی (!) تلگراف دیل را محابره نمود:

«مقایسه شود با تلگراف از شیراز مورخه ۶ ژانویه. لوندبرگ در ۱۵ ژانویه (۲۸ صفر) از بوسهر با ۶۳ قاطر که بار ذخیره داشتند حرکت کرد. وی مدت خیلی خیلی در اینجا اقامت نمود و اقدامات خود را بطور خیلی مخفی کرد که اسباب شبهه هیچکس نشود. لکن بعضی حرفهای عجیب و غریب در افواه منتشر شده است که سوئدیه با دولت ایران معاً نقشه ریخته اند. و گفته میشود که مقصد ایرانیها از این نقشه با عثمانی است یا روس. از طرف دیگر مشهور است که عثمانیها و سوئدیه با تحریک آلمانها بر ضد ایران اقداماتی میجواهرند بجايند. بعلاوه شنیده میشود که یالمارسن^(۲) نامر دولت سوئد اعمال خائنانه آمیزی در نظر دارد.

همکار روسی من اهمیت زیادی بحركات وسکنات سوئدیه میدهد و اعاب در این خصوص از من سؤالات مینماید».

خیانتی که صاحب منصبان سوئدی را بدان متهم میکردند طولی نکشد که معلوم شد چیست. این همان حیاب لایقتمری بود که بهر مملکت بیطرفی اگر آن مملکت تمایلی نسبت با آلمان نشان میداد یا بعوذ بالله اگر آن مملکت با آلمان قرار دادی می بست سبب میدادند. خانکه از تلگراف فوق مفهوم میگردد ناکی نداشتند که دولت سوئد را هم بنقض بیطرفی متهم کنند و وجود آنکه دولت سوئد بملاحظه تحمیر قنون خود تمام صاحب منصبان سرخدمت را از ایران سوئد احصار کرده بود. اما ما همه آنها انگلیسها باز متردد بودند که مبدا بیرون کردن معلمین سوئدی که

امتحانات خیلی خوبی داده بودند اسباب هرج و مرج و خسارت زیادی برای آنها گردد. زیرا که بواسطه اقدامات خیلی جدی قراسوان در تأمین طرق و شوارع تجارت انگلیس که در ششماهه اول جنگ دنیائی تقریباً بکلی معدوم شده بود باز مجدداً رو بترقی گذاشته بود. حتی انگلیسها امید داشتند که تجارت جای آنها عنقریب جای یک مقدار زیادی از تجارت جای روس را بگیرد. سفیر انگلیس در ۲۳ ژانویه ۱۹۱۵ (۷ ربیع الأول ۱۳۳۳) بوزارت خارجه لندن تلگراف ذیل را مینماید:

«اگر هم جواب دولت روس چندان مساعد نباشد باز من خیلی اهمیت میدهم که ما بهر نحو هست از دولت سوئد اجازه بگیریم که مازور فولکه^(۱) و مازور کارلبرگ^(۲) یا مولر^(۳) در اینجا بمانند^(۴) تا چنانکه باید و شاید مراقب راه اصفهان - بوشهر باشند. . . . راه امروز بکلی باز است و از قرار راپورت ادارات گمرکی بوشهر عایدات گمرک رو بترقی است. تمام جای که معمولاً از شمال میآمد امروز از جنوب ایران داخل میشود. تصور میرود که اگر غدغن صادرات از حواشی ضرورتیه یومیه در هند برداشته شود قند هم همین حال را پیدا کند. بدین شکل گمان میرود که اگر امنیت راههای تجارتی همینطور نگاه داشته شود یک قسمت زیادی از تجارت مفقود ما مجدداً روی کار آید. من تصور میکنم که اگر صاحب منصبان قابلی در شیراز ریاست را در عهده داشته باشند امنیت مذکور برقرار خواهد ماند».

در اینجا نیرنگ بازی معهود انگلیس باز شروع میشود: انگلیسها سعی کردند که یک صاحب منصبی را که بنظر متمایل تر بطرف آنها میآمد بر ضد صاحب منصبان دیگر که برای تعقیب یک سیاستی صرف نافع بحال انگلیس حاضر نبودند تحریک نمایند. در یک تلگرافی که قونسول شیراز بنماینده انگلیس در بوشهر و سفیر

Folke (۱)

Carlberg (۲)

Moeller (۳)

(۴) دولت سوئد صاحب منصبان مذکور را بسوئد احضار کرده بود.

انگلیس در طهران مخبره کرده نیز از رفتاری که حاکم ایالت فارس مخبر السلطنه اتخاذ نموده سخن میراند و از آنجا معلوم میشود که چرا انگلیسها آتقدن سعی بودند که مقام اورا متزلزل کنند:

۳۱ ژانویه ۱۹۱۵ [۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳]

«مهم ترین مقصّرین در شایعات آلمان دوستی کاپیتن (۱) لوندبرگ و کاپیتن چیلاندر هستند (۲) لوندبرگ از شیراز ب طهران رفته است و چیلاندر بر ضد مازور پراویس برخاسته و امید است که عنقریب از فارس خارج شود حاکم نیز خیلی آلمان دوست است و منعی است که از آنجا اخبار آلمانی و عثمانی منتشر میشود .

اخبار آلمانی و عثمانی با سیم تلگراف ایران یا با پست از طهران بشیراز میرسد» .

نسبت بژنرال یالمارسن رئیس قراسوران انگلیسها کینه مخصوصی داشتند . یالمارسن که از نیرنگ بازیهای انگلیسها و باژیکها که بدان واسطه صاحب منصبان و تاینهای قراسوران ماههای دراز بی پول مانده بودند (۳) بالاخره بتنگ آمده بود بمازور پراویس حکم داد که «در صورت لزوم با کمک مأمورین مالی» مواجب خودرا دریافت نماید . بعد از صدور این حکم پراویس مبلغ نه هزار تومان پول که از عایدات آباده پیش مأمور باژیکی گمرک آنجا موجود بود و بر طبق قرار داد انگلیس و ایران از آن پول بایستی مخارج قراسوران داده شود ضبط نمود . از این حرکت صاحب منصبان سوئدی که چندان هم اعمول بنظر نیامد چه بواسطه سوء رفتار انگلیسها لاینقطع بعزت نفس آنها

(۱) در اینجا لوندبرگ را کاستی محواید و در صفحه ۶۸ مازور و هردو صحیح است به وی ابتدا در فارس کاستی بود بعد مازور سد - حاشیه مترجم .

(۲) در باره این صاحب منصبان بود که جنرال فونسول انگلیس در اصفهان گراهام گفت که آنها بیش از همه ظرف مل تادیها هستند .

(۳) فونسول انگلیس در سیراز در ۱۸ فوریه ۱۹۱۵ (۳ ربیع الثانی ۱۳۳۳) سفره گلیس در طهران تلگراف کرد: بقراسوران فارس از دو ماه باید صرف پول ترسده و اوینس میترسد که قراسوران بکلی از هم تراکنده سود .

اهانت وارد میآمد سفير انگلیس بی‌اندازه متعیر گشت. این فرماده لایق سوئدی (یعنی ژرال یالمارس) را که یکی از صاحب‌مصان ارکان حزب سوئد بود و در دو سال قبل خود انگلیسها او را یک «سرباز قابل» میخواندند بعد از این حرکت یکباره «یک دیوانه صعیف معری» نامیدند. سیر والتر تاوبلی در ۱۳ فوریه ۱۹۱۵ (۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۳) بوشهر و شیراز تلگراف کرد:

«چنین سطر میآید که یالمارس عقل خود را گم کرده و کار خود را میخواهد بدست خود خراب کند چه او در هر حال قدر میتواند ضرر میرساند. ما امیدواریم عقرب از دسب او خلاص شویم ولی باید این مسئله بطوری نشود که او صاحب‌مصان دیگر سوئدی را نا خود برد.

او خودش اعلام کرد که دولت سوئد تمام صاحب‌مصان سرخدمت را سوئد احصار کرده است. بنا بقضای دولتی روس و انگلیس به قولی که اجازه داده شده است که در ایران بماند و ریاست فراسوران را بعهده بگیرد. لهذا رای یالمارس بسی دشوار است که باز توقف کند.

لریکها واضح است که خیلی عصاک سده‌اند و در این دیوانگی ژرال مقاصد سیاسی حسن میکشد. لکن من خود در این خصوص شک دارم. هر چند معری صعیف ژرال ممکن است که بواسطه مشاورین عثمانی و آلمانی او را وادارد که بعضی رختها برساند».

این مقصد که ژرال یالمارس را بیرون کسد چنانکه همه اشخاص کارکی و ساسیون قابل ایران را بیرون کرده بودند از دیرگاهی در کله‌ها جایگیر بود. کابل، امریکائی مریدل^(۱) که بعدها از تحریر کتاب و نقلات اوس سخن رانده خواهد شد در عرّه فوریه (۱۶ ربیع الاول) بطور «محرمانه» قونسول انگلیس در شیراز نوشت: «ترامی که در قزوین مابین فراسوران و قشون روس اتفاق افتاد در سر سربازان فراسوران بود که روسها میخواستند آرا صط نمایند یالمارس حد در قتل یک کاعدی سرمائے نگوروستووتس^(۲) بوس و او

Merrill (۱)

Korostovetz (۲)

هم آن کاعدر تاوولی ارائه داد. یلمارس در آن کاعد میگوید که برای جلوگیری از یک رد و خورد خوب بود روسها قراسوران را در قروین حال خود میگذرانند. تاوولی نکوروستووس گفت: «هرچه از دستتان برمیآید بکشید که یلمارس را فوراً بیرون کنید و من قول میدهم که از طرف من همه گونه حمایت خواهید شد»

در مارس ۱۹۱۵ (۱۴ ربیع الثانی - ۱۶ جمادی الاولی ۱۳۳۳) تمام صاحب مصاص سرخدمت سوئدی از طرف دولت خود احصار شده و از ایران خارج گشتند و فقط صاحب مصاص احتیاطی^(۱) باقی ماندند. ریاست قراسوران کلکل ادوال و آگار ارد. عرب است که بدترین دشمن قراسوران یعنی مریل که دائماً رای بیرون کردن سوئدیهها اسباب چینی میکرد از اقدامات ادوال و تایمهای او تمحید میکند. در ۶ مارس (۱۹ ربیع الثانی) قوسول انگلیس در شیراز میبویسد. «من باید تصدیق کنم که اس صاحب مصاص احتیاطی سوئدی خطر میآید که خوب کار میکند». با وجود همه ایها نار بست باین سوئدیههای باقی مانده حور متهم آلمان دوستی بودند هان روتة معهود رحر و تصیق اتحاد کرده شد مخصوص از طرف مأمورین مالیة ترکی. مریل در ۲ مارس (۱۷ ربیع الثانی) شیراز تلگراف میکند: «از منابع محرمانه و جلی مونی میسوم که خراهدار کل هندس^(۲) در هفتههای آتیة آنچه در قوه دارد خواهد کرد که از رسیدن بول سوئدیهها رای قراسوران جلوگیری نماید بطوریکه بالأخره همه ناچار خارج خواهند شد».

اگرچه پاره اظهارات آلمان دوستی که از زبان بعضی سوئدیهها بیرون بسته بود بهانه اسات تقصیر بررگی رای آنها شده و باعث رد و بدل این همه تلگرافات بین طهران و لندن گشت ولی نه بلریکیها و نه انگلیسیها هیچکدام سواستند سوئدیهها هیچ حرکت بیقاعد و خلاف قانونی نیست دهد. دائماً بین این دو سق متردد بودند: ملی بایکه صاحب مصاص سوئدی را که این قدر محبور القلوب مار بودند آندر ستوه بیاورد تا بالأخره خود بروند و ترس از اینکه مجدداً هرج

و مرح سابق که تجارت انگلیس را در حوٲ ایران و بلکه تمام مرایای ساسی آن دولت را ممکن بود روس انتقال دهد. عودت کند. بالأحره حواهی محوایی اهوٲ السرتین را اختیار کردید. گری آن آدم محرت محته که طوٲ طمب شری را حوٲ میشاح تدیری سطرس رسد و بیسهادی نمود. ولی آر بیشهاد حیلی ار حوٲی می محشید اگر داعیان محارسب و کسحه میشد به رعایا ملت سوئد. گری نمایندگان ساسی انگلیس در ایران امر کرد که نصاحب مصان سوئدی بول بدهد تا شاید آنها را بدیسطریق نظرف انگلیسا استال نمایند. در ۳ مارس ۱۹۱۵ (۱۶ ربیع السانی ۱۳۳۳) سمیر انگلیس قوسولهای انگلس در شیراز و بوشهر و بصره را ار تلگراف عجیب دیل که نگری کرده بود مطلع ساحت.

» من چین ماتفت شده ام که سوئدیها عموما آن قدر هم آلمان دوسب بیستید که تصور می رود. یک صاحب مصی را که متهم کرده بودند (۱) که تمایلات خود را آسکارا اطهار مکند امروز ما من ملاقاتی کرد و گفت که من ار را فرانسوی هم و تمام اقوام من در انگلستان و دفاع مکیم خود را (۱) ار آ که مرا آلمان دوستی متهم کند (۲). ولی چین ماتر مآید که همه صاحب مصی سوئدی دسم روس ناسد.

این موقع ماتر من هج مناسب میآید که صاحب مصان حارحه فراسوار را هیر بدهد. صاحب مصان انگلیسی شاید در دست ساسد و اگر امروزه ب ایران را محور کیم که آنها را قول نماد ممکن اسب که اثر حیلی بدی محسا. راجع یک صاحب مصب امرکای هم این سعل سی دسوار است. من این ناشهاد را باید رد کیم که سوئدیها (۳) و بوسطه بول داس بصرف خود حلب تائیم.

(۱) ان کلمه در اصل انگلیسی درسب حوانا سب ولی ار ساق سبارت نام اس مع مقصود ناسد

(۲) این صاحب مصب تقیایک کله ساسی داسه اسب

(۳) در اینجا قوسول انگلس تک سطر ار بلگراف رمزی سه را بواسه اسب اسسحراح نامد

یشنهاد گری را بعد از آنکه صاحب منصبان سوئدی ردّ کردند سمیر انگلیس هم در طهران ردّ میکند. قونسول انگلیس در شیراز مازور اوکور که نقول سر والتر تاوولی در متحد المال خود «همه حا قدرت خود را نشان میدهد در صورتیکه لازم باشد» و «ک مرد قوی متقدی است در فارس» عقیده تاوولی را که ناسدن اطلاع داده که «این شغل برای یک صاحب منصب امر یکائی سی دسوار است» هیچ نمی پسندد. چه او خود میخواست دست پرورده قدیم خود مریل را که سابق در شیراز سرهنگ پولیس بود رئیس قراسوران فارس نماید. مرال سابقا با تقاضای حاکم فارس محبر السلطه یکی از قابل ترین رجال ایران و یکی از وطن پرستان که هیچ وقف آب دست نمیشد (سمیر انگلیس وقتی که وی از حکومت فارس استعفا داد او را «ستون دولت مسروطه» مسخواند) پرور گسته بود که از شغل خود یعنی معلمی بولس شیراز استعفا بدهد. راوت با محبر السلطه را این مستخدم سابق دولت ایران نبی مریل در مکتوبی که در ۴ مارس ۱۹۱۵ (۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳) قونسول انگلیس در شیراز اوکور بوسب بخونی ظاهر ساخت. در آن مکتوب میگوید «من آنچه در دوه داشتم کردم که برای مافع انگلیس در فارس خدمت کنم». اوکور برای اینکه این خادم مافع انگلیس را بشیراز بیاورد هر چه تلاش توانست کرد. مریل در ۸ روله ۱۹۱۵ (۲۴ شعبان ۱۳۳۳) باوکور نوشت: «وریر سما و حرحمل (۱) هر دو من گمید که من (۲) علی الاّصال اقدامات کرده اید که من دوباره بفارس برگردم. امید است سما پرودی نائل شوید که حاکم را (۳) برون کند».

بدین لحاظ رای آن «مرد قوی متقد فارس» هیچ اه دیگری باقی نماند چرا آنکه ناسوئدیهای حسن مزاج که بمواستند بهمند که سعادت و خوشی انگاس هها سعادت همه ملل دیگر است بسارده. در ۵ مارس ۱۹۱۵ (۱۱ ربیع الثانی) اوکور با حالی افسرده سمیر خود تلگراف میکند:

(۱) مترج سفارت انگلیس در طهران

(۲) مقصود اوکور است

(۳) مقصود محبر السلطه است

« اگر سوئدیها باید بمانند باید بصاحب منصبان آنها فهماند که آنها نه فقط بایستی از روی بیطرفی تمام کامل رفتار کنند (تمایلات و حسّیات شخصی خودشان هر چه میخواهد باشد) بلکه باید مابین صاحب منصبان ایرانی و تاییدهای خود تمام دعوت‌های آلمان دوستی یا عثمانی دوستی را خاموش کنند و اقدامات جدّی نمایند که دست دعا و مفسدین را کوتاه کنند »

رفتاری که نمایندگان سیاسی انگلیس و همدستهای آنها باژیکها در ماههای اخیر نسبت بقراسوران کردند کافی بود که آخرین بقیه حسّیات و تمایلات قراسوران را نسبت بانگلیسها (اگر چنین حسّیات و تمایلاتی هرگز موجود بوده) بکلی زایل نماید. مرید که در طهران بود وقایع را با یک خبائات تمامی بقونسول انگلیس در شیراز اوکوزر مینوشت. بعضی از فقرات مکتوبات او از قرار ذیل است :

۱۴ آوریل ۱۹۱۵ (۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۳) : « بول قراسوران پنج ماه است عقب افتاده است و اداره پولیس هم ۱۰۰۰۰۰۰ تومان طلبکار است . »
(« تاوولی و کوروستووتس تا آخرین دقیقه با یکدیگر ضدّیت می کردند مگر آنکه در بیرون کردن سوئدیها با هم متحد بودند . »)

۳۱ مه ۱۹۱۵ (۱۷ رجب ۱۳۳۳) : « دیشب فرمانفرما وزیر داخله بمیرزایانس که یکی از معتبرین ارامنه و از دوستان من است گفته بود که دوات ایران مصمم شده است سوئدیهارا بیرون بکند لکن مجبور است که با احتیاط و تألّی در این امر اقدام کند چه حسّیات مردم بی اندازه بطرف سوئدیها متمایل است . »

۸ ژولیه ۱۹۱۵ (۲۵ شعبان ۱۳۳۳) : « سفیر انگلیس بمن گفت « تنها دلیلی که چرا او هنوز سوئدیهارا حمایت میکند اینست که سوئدیها با زیرکی خود میتوانند صاحب منصبان ایرانی را که تماماً آلمان دوست هستند مواظبت و مراقبت کنند . بعلاوه گفت که ادوآل بکلی در دست آلمانها است و او یک « احمق خیلی هولناکی » است . »

۲۵ ذولیه ۱۹۱۵ (۱۳ رمضان ۱۳۳۳): «برای قراسوران خیلی دشوار است که اصلاً دیگر بتوانند باقی باشند. برای تمام قراسورانی که اینجا هستند بیش از روزی صد الی سیصد تومان پول بدست نیاید (باستثنای روزهای جمعه و دوشنبه!!!) این یک عملیه کُند تدریجی است ولی همین طور بتدریج آنها خفه خواهند شد...»

۱۴ اوت ۱۹۱۵ (۳ شوال ۱۳۳۳): «کِر»^(۱) دیشب بمن گفت که ما بیشتر مایل هستیم که قراسوران را در عمل قوم لوط ببینیم تا آنکه یک شاهی پول انگلیس را برای آنها صرف کنیم.»

بعد از آنکه دست نشانده‌های بلژیکی روس و انگلیس پول سوئدیها را بریدند و بعد از آنکه نمایندگان سیاسی انگلیس با افراد این ملت که در تمام دنیا محترم هستند با خشم و شتم معامله کرده و سعی کردند که آنها را بطرف فساد اخلاق بکشند باز متوقع بودند که این صاحب‌منصبان سوئدی تا آخرین لحظه «باوفا و صادق» بمانند یعنی حیثیات انگلیس دوستی داشته باشند.

این اندازه توهیناتی که بسوئدیها وارد آورده بودند گویا هنوز کافی نبود. برای آنکه باز بهانه برای اتهام تازه در دست داشته باشند قونسول انگلیس در شیراز در ۵ ژولیه ۱۹۱۵ (۲۲ شعبان ۱۳۳۳) از مدیر بانک شاهنشاهی در آن شهر فرگوسون^(۲) خواهش کرد که صورتی از حساب صاحب‌منصبان سوئدی که با بانک داشتند بدهد. مدیر بانک شاهنشاهی ایران بر ضد تمام قوانین تجارتی «برای اطلاعات شخصی و استعمال محرمانه در صورت لزوم» معین میکند که چقدر پول شخصی صاحب‌منصبان سوئدی از تحت نظر او گذشته و صورتی از آن میدهد!

در ۸ آوریل (۲۳ جمادی الاولی) رئیس فوج قراسوران شیراز مازور راویس مکتوب ذیل را بخزانهدار کل شیراز مینویسد و در آن اشاره میکند که وی مسبوق است که خزانهداری پول قراسوران را نداده است در صورتیکه

(۱) آرجیبالد کِر Archibald Kerr نایب سفارت انگلیس.

(۲) Ferguson

رای مقاصد دیگر بول زیاد در این اواخر مصرف شده است. «حرايه داری لاند مسوق است که بمقتضای قرار داد تعهد شده است که مخارج لازم برای قراسوران قل از مخارج دیگر ماسد و لیس اسایر ادارات دید برداشته شود. این مکتوب عبارت دل حتم میشود. «از آنجائیکه ما این ترتب اوضاع مالی ما دور دور دسوارر میشود و اداره حرايه داری با وجود اس میخواستد بسبب این اداره مملکتی ما که عبارت از قراسوران باشد بوظیفه خود ربار کرد من محبور هستم و اواین اقدام من این خواهد بود که تالیهای خود و اهالی را که امتیاب آنها بسته بوجود قراسوران اسب از این رفتار دسمانه حرايه داری متاع سارم و از رای آنکه سوء تفاهمی در میانه واقع بسود من محروم که اسامی آن اسطاحی را که ر صد مافع ایران کار مکشد آسکار سارم.....»

این حرکت یکی از صاحب مصان عاقل ماسد راوتیس که خود فوسول انگلس در سرار در ناره او گفته بود «مرد عاقلی اسب که فقط مسعول در خود میباید، نتیجه سوء رفتار دست نشاندہای انگلس و روس ی بارنکها بود. این بلژیکیها مستخدم ایران بودند و مواجب خود را از ایران میگرفتند. معدلک کما اقرار کردند که آنها ر صد مافع ایران کار مکشد.

حرايه داری سیرار صاحب مصانی را که رای گرفتن حقوق سف افتاده خود اس او مآمند مصایقه کرد که سدید. و قه که کایتی اورانگر (۱) از ربار متس مالی سرار بسجی سکایب کرد فوسول انگلس در سرار در یک مکتوب سبب مستعلی که سفیر انگلس در طهران بوس و در آخر آن تمام اب سوئد دسام داده بود از سفیر در حواسب کرد که اورانگر را احصار کرد. از جمله بوسه است

» کاتس اورانگر که سترین نمونه یک صاحب مصی اسب حی رای یک سوئدی هم (۲) «.

(۱) Oestergren

(۲) عن عارب اس اسب «who is in effect of an unusually inferior type, even for a Swede

این فصل عمگین حوامری و مردانگی انگلیسها را برای ما خوب محسوس میکند که بحای شکر از خدمات یک دسته صاحب مصان قابل که محب الوطنی تمام ایرانیان را جلب کرده بودند و حتی خود انگلیسها هم از آنها اظهار کمال رصابت میکردند سرای آنها را سفر انگلیس فقط ردن یک لگدی (۱) میدادند. و مناسب آنست که ما این فصل را با خلاصه کاعدی که سفر انگلیس سیر والبر تاوولی در وقت حرکت خود از طهران در ۷ آوریل ۱۹۱۰ (۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۳) قوسول انگلیس در سیرار اوکوتر نوشته است ختم کنیم:

«سوئدینها شاید از آنجا که آلمان دوست هستند طرف مل ملت ایران شده اند و کار حلافی نمیتواند نکند. برای هر کابینه بسیار مشکل است که حداً رصده آنها اقدامی کند. فقط امدی که ما داریم آنست که شاید بشود سوئط دول سوئد از سر آنها خلاص سویم ولی نتیجه این آن میشود که آنها از تمام ایران ناید بیرون بروند. آنوقت حرف در سر این مسئله است که آنا اوصاع لاحقه بدتر از اوصاع (۲) سابقه خواهد شد؛ اگر سوئدینها خارج شوند و کسی هم در دست باشد که جای آنها را گیرد نامی راهها باز شروع خواهد شد. من که اینجا میخواهم بود که اوصاع را بنیم چه بایس ماند و از آنجا که نمیتوانستم تصور کنم که شما همه آقایان خوب این هجومهای رصده قراسوران را برورانده اید بالاخره من صدای خود را محصوم بسد کردم. ناظر ماند که لژیکها همه بروند و اقلاً از اداره ماله خارج شوند. سوئدینها در نتیجه این بس آمد که بی تقصیر باشند و در اس موقع ه حال این فقره ناظر من یک بدبختی است چه ایران بعات معهود باز حداً کمک مالی لازم دارد و تا وقتی که صماتی در اداره مالی بدست باشد و اسخاص نا کمایب نا سرقی در سر کار باشد که نتواند بول را اداره کند (۳) واضح است که هیچکس حاضر نباشد کمک مالی کند. بی الواقع چه

(۱) عن عارب تاوولی اسد Comp de pied

(۲) در اصل انگلیسی مرد mm دارد بحای اوصاع ولی گونا سفر را سهو فلی

دست داده اسد

(۳) اس حرف را سفر انگلس مرید بعد از آنکه روس و انگلس اداره مالی

شرسبدا از ارااب بیرون کردند

کار یأس آوری است ! در اینجا بحال سه سال است که من با کمال سعی و مشقت دو ادارهٔ اروپائی را نگهداری کرده و آنها را در مقابل انواع تحریکات و ضدیتهای حتی از جانب بهترین دوستان خودم حمایت کرده‌ام . لکن امروز من قدرت این را در خود نمی‌بینم که در این روزهای آخر اقامت خود در اینجا یکی از این دو اداره را سر پا نگاهداشته و بدریگری با تمام قوَّت خود یک لگدی بزنم . بنظر می‌آید این قدر زحمت و اتلاف وقت برای یک چنین نتیجهٔ حقیری خیلی حیف بوده است . اینرا هم باید بگویم که من نمیتوانم از این عقیدهٔ خود دست بردارم که این خرقها در خصوص رفتار دشمنان سوئدیا نسبت بنا مبالغه بوده است و ما بیش از اندازه بحرف تهمت زندگان که در این کار منفعتی داشته‌اند گوش داده‌ایم . من نتیجهٔ وخیم اینرا که سوئدیا آشکارا عقیدهٔ خود را اظهار میکردند که آلمانها فتح خواهند کرد خوب حس میکنم . این عقیده که بنظر مردم از یک منبع نظامی بیغرضی [یعنی صاحب منصبان سوئدی] تراوش میکرده تأثیر بزرگی در افکار عمومی بی‌اساس ایران داشته که مغلوبیت کامل و حتی دشمن منفور خود یعنی روسهارا با کمال شغف قبل‌الوقت باور کرده‌اند ...»

فصل پنجم

وقایع نگاری که در نامه‌های خود که صورت آنها در جای خود در این کتاب درج شده دسایس و حالت افکار عمومی را در طهران در نصف اول سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۴) شرح میدهد مریل ^(۱) امریکائی است. مریل با هموطن مشهور خود شوستر بایران آمده بود و از میان همکاران خزانه‌دار کل سابق مریل فقط امریکائی بود که پس از قضیه اولتیماتوم روس با رئیس خود همراهی نمود.

خلاصه شوستر و همکارانش از ایران بیرون رفتند و مریل ماند. سفارت انگلیس ابتدا او را داخل ژاندارمری که در تحت فرماندهی یلمارسن ^(۲) تشکیل شده بود نمود، سپس در فوریه ۱۹۱۳ (ربیع الأول ۱۳۳۱) سیر والتر تاونلی بگری پیشنهاد نمود که مشارالیه رئیس دستجات پولیس حکومتی فارس گردد و قبول شد ^(۳). چگونه مریل این مستخدم با شرف دولت ایران از عهده خدمت مرجوعه بوی برآمد خود او بطور خیلی موجز و مفید میگوید: «هرچه از دست من برآمد در خدمت بمنافع انگلیس در فارس بجای آوردم».

مخبر السلطنه یکی از رجال با کفایت ایران که تحصیلات خود را در آلمان تمام کرده و انگلیسها بدرستی او اطمینان تام داشتند (والا با نصب او محکومت فارس که برای آنها دارای اهمیت زیاد است آتقدر همراهی ننمودند) بزودی ملتفت شد که شخص مریل یک نفر جاسوسی است که در پهلوی او جای داده‌اند و یکی از آن اشخاص پست تنگ افق است که با نظر کوتاه‌بین خود هر شرقی را بنظر حقارت مینگرد. در سپتامبر ۱۹۱۴ (شوال ۱۳۳۲) مریل

Merrill (۱)

Hjalmarson (۲)

(۳) کتاب آبی انگلیس «ایران» شماره ۱ (۱۹۱۴) نمره ۲: «من پیشنهاد نمودم»

مریل امریکائی را که پس از حرکت شوستر در ایران مانده است».

از شعل خود معرول شده طهران مراحت میکند و در آنجا مشغول اسباب چینی ر صدّ حاکم فارس و صاحب مصان سوئدی میگردد.

زندگانی مریل در طهران زندگانی یک ناحوی شیادی است که مردم ایتحهای مشرق رمین اعل با انواع محلمه آن سر و کار دارند. مریل مفتحر است که تواند با سیر انگلیس باهار یا جای صرف نماید و بصحتهای او گوس بدهد. مریل با سیرای حارحه و نایبهای سفارتحها صحت میکند و با آن، عدا میحور و محصوصا با ارامه ایران حیل دوست و معاشر است. مریل در مهمای اعلان ایران حاصر میشود از حمله ملا مهمای شاهراة روس رست فرماهرما. مریل رورنامههارا میحواد و در افکار عمومی دقّ میباید. خلاصه مریل معلومات بدست مآورد. اما به فقط رای خودس بها. هرچه معلومات بدست میآورد (در ۱۶ مارس ۱۹۱۵ یاد داشت میکند. «سرچشمههای معلومات من عالی اس») گرماگرم تقدیم قوسول انگلیس در سیرار مآزور اوکور^(۱) میباید و هم احیاناً حاصر میسود که رای مارور مذکور واسطه معامله او تومویل نشود. مریل محصوصاً حیل حوشوقت میشود که گاهگاهی تواند بعضی اروپائها که با اوکور صدّیت و مخالف دارند صدمه رساند مل چرحل^(۲) ملا که از سالهای درار مترجم سفارت انگلیس اس. «سیر والت تاولی اعتمادی مچرحل ندارد. چرحل مکرر نسبت بسا (اوکور) اظهار عملی کرده اس و چرحل چانه که مسی سفارت کر^(۳) هم مسوق است رشوه میگرد.»

رای مآزور اوکور انگلیسی (در این سررمیهائی که باید بطور «هود صلی» در آن داخل سد قوسولهای انگلیس حانه که همه کس میداند اعل طامی هستند) حص حصه گار حرحین مریل در طهران سرچشمه معلومات رهای بود. اوکور توسط این امریکائی اطلاع حاصل کرد که دستگاه گروت تلگراف نیسیم آلمانی «هور در کمال حوی کار میکند»، و دیگر آنکه اکار عمومی اهالی ازان

O Connor (۱)

Churchill (۲)

Kerr (۳)

که بواسطه حرکات خلاف قانون بین‌المللی انگلیسها ماسد گرفتن قونسول آلمان لیستمان^(۱) در بونهر دوباره هیجان آمد است آشکار بطرف یک اتحادی با عثمانی می‌رود، دیگر آنکه هر دفعه که یک کابینه ورنائی درحلاف میل روس و انگلیس سر کار می‌آید تقنون روس حکم می‌رسد که حاصر حرکت ناشد، دیگر آنکه سدر انگلیس در طهران مشغول تهیه «یک هیاهوی برگی» است که حاکم فارس را معرول نماید. بالأحره تنوشت همین امریکائی بود که اوکور سست اسامی اتحاد مابین سیرین روس و انگلیس را فهمید.

آیا مریل فقط یک سخن چین بود؟ در هر صورت در رمایکه این شب دیا گرد بدیا آمد معلوم میشود فرستگار هوس و حرد فرسگها دور ایستاده بودند چه این مرد از عقل چندان بهره برده بود. آن وقاح بیمه او ماهد وقاحت صدها اسخاص از قیل او که نا کمال خیالاتی فقط در عقب سکار مافع هستند و چدین نار در پیش ملل مسرق زمین براد اروپا و امریکائی را بس ساخته‌اند از این قسمت مصحک کاعدس نمایان است. «من می‌ترسم این سیاست که بگذاریم ایرابها هرچه می‌خواهند نکند نتیجه‌اس آن بشود که بطریق معمول همه مسرق رمیها ایرانیان دوستی را ترس بداشته کارها را بر صرر روس و انگلیس در دست خود بگیرد»

مخصوصاً از آنجائیکه این امریکائی دارای هیچ قوه متصرفه از خود خود کاعدهای او آینه نی علّ و عینی است از تحریکات و دسایسی که در طهران کار رده میشد و آنها را خوب آشکار می‌سارد. حرفهای که او سمرای خارجه و مخصوصاً نتاویلی^(۲) و مارلیگ^(۳) و کوروستووتس^(۴) بس میدهد دون شک رده شده است. در ۸ رولیه ۱۹۱۵ (۲۵ شعبان ۱۳۳۳) مرل قونسول انگلیس در شیراز و در ۱۷ مه ۱۹۱۵ (۳ رجب ۱۳۳۳) سیر انگلیس مارلیگ همان قونسول فقرات دیل را مویسد:

- I istemann (۱)
Lowley (۲)
Mulling (۳)
Korostov etz (۴)

مریل ناوکور :

مارلیگ ناوکور :

دوریر سها (یعنی مارلیگ) و «نکلی تصدیق دارم که حاکم سها ناید
هر حال هر دو من گفتند که آنها دائماً معرول شود و من از رور ورود خود
ممعول اقدامات هستند که من هارس دائماً مشعول اقدامات هستم» .
مراجعت کنتم (۱) .

صدیب مایین تاوولی و همکار روس او کوروستووتس و رقعات ساسی این
دو دولت «حامی، در مدت حکم دیان که هر دو چنگال خود را در گوس
این قربانی سحاره یعنی ایران فرو برده اند در این بین محوی آسکار میگردد .
سفیر روس کوروستووتس رای تاوولی و یر رای حاشن او مارلیگ (که
گویا زرگرین دشمن ایران است که انگلسها سمعت نمایندگی ساسی طهران
فرستاده اند) بمثلۀ هار پارحۀ قرمری بود که رای حسم آوردن گاوهای حکمی
آنها نشان مدهد . مارلیگ در ۱۱ مه ۱۹۱۵ (۳ رب ۱۳۳۳) نقوسول
انگلس در سراز موسسد که «کوروستووتس یک بدبختی (۲) بود» و مارلیگ
مصد سح خود را از سفیر روس در کاعدیکه در ۲۰ روئن ۱۹۱۶
(۱۸ شعبان ۱۳۳۴) سمر انگلس در سراز نوح سر حارج نوکانان (۳) موسسد
این عبارت ختم میکند

اما در خصوص کوروستووتس من در صمیمیت او نا کمال افسوس باش
هم عهدہ یستم من هیچوجه اعتقاد ناو ندارم همه کس در اینجا
حق او بطور عهدہ دارد که کوروستووتس آدمی است که نا او هیچ نمیتوان
سر برد و یک حس از شوق است که ما سرارت وسط کار میکشد و
خط مسرد از امر کارها کند که - گران حقوق حاضر یستند نکشد
هیچکس در امرها از رفن او افسوس معجورد و از همه کمتر در سفارت خود

(۱) مراجعت مریل هارس فقط موصود معرول حاکم آنها بحر السلطه

(۲) نا نا مصدرته نه یاه سکد Unglin k .

(۳) George Buchanan

کورستووتس مارا پیش نانک روس کمک خواهد کرد. خیال او در خصوص همکاری نانک استقراسی روس با نانک شاهشاهی ایران فقط از این نقطه نظر است که نانک شاهشاهی تجارت حوب خود را با نانک استقراسی تقسیم کند. و قطعاً اگر نانک شاهشاهی یک اداره شخصی میبود حالا چندین سال بود که ورشکست شده بود.»

در دیل ما از مریل امریکل که دولت انگلیس در سال ۱۹۱۶ (۱۳۳۴) او تکلیف تشکیل یک قشون در حوب ایران شیه بریگاد قراق در سبال نمود ولی خود مریل کمی بعد از آن رئیس قسئون شاهزاده صرة السلطه گشت (۱) کاعدهائیرا که قوسول انگلیس در شیراز مارور اوکور نوشته است درج میکنیم.

طهران ۲۰ ژانویه ۱۹۱۵ [۴ ربیع الأول ۱۳۳۳]

مارور عمریر

امروز سه رور است که اداره حرايه داری رای تعرض بر صد اقدامات خودسرايه قراسوران که در ولایات مالان جمع کرده اند تعطیل کرده اسب. ر فراریکه میشوم لئزیکها میگویند یا آها و یاسوئدیها باید از خدمت خارج شوند. ولی حلی محتمل است که از هر دو طرف حد نهری بیرون بروند. من تصور میکنم که دولت از این اوضاع جدان ناراضی نیست چه ناین سکل امید دارد که شاید بالأخره از سر این لئزیکهای مفعور ملک خلاص شود. من گمان میکنم آنچه معروف شده است که یلمارس قرار نامه در خصوص تشکیل یک ردوی قراسوران در چین همراه خود دارد صحیح است. بیچاره چین از قراریکه سیر واتر من میگوید اوضاع کرمان یأس آور است. فراسوراها بطور وحشیانه در کوچها میروند. سیر والتز تصور میکند شاید لارم باشد که قشون مستقل دیگری ایجاد کرد و اشاره کرد که من رئیس آن قشون باسم مأموریر رحد برای من حاضر است و اگر نخواهم من منهد ولی اوضاع سرعت تعبیر میکند و من منتظر بعضی اقدامات هستم که یقیناً نتیجه آنها رفتن صاحب مصلان سوئدی خواهد

بود. نیسترم (۱) و میار-فولکه (۲) و اوندینه (۳) و یلآرس خواهند رفت. فقط صاحب منصبان احتیاطی (۴) و چریک (۵) خواهند ماند. پوست را میخوانند صندوقدار قراسوران در اینجا بکنند. به به عجب کار خوبی! در طهران حالا هوا مملو از دسایس و تحریکات است. مدتی بود ایجا میان مردم حسبات دشمنی با خارجه نمایان بود ولی حالا تقریباً بکلی رفع شده است. یک دسته کچکی در کار آن هستند که ایرانرا طرف اعلان جنگ بهمانی بکشند. چنانکه من بسیر و آلتر هم گفتم در مانه بختیارها نیز من کسانی دیدم که طرفدار آنان هستند. کابینه اساسی ندارد، نکار و بیچاره است. مجلس هنوز مسغول ملاحظه اعتبار نامه و کلاست. نادرا دیده میشود که کسی از مجلس بدون اظهار کراهت و تنفر صحبت بکند حتی از خود ایرانیها هم (۶).

من امیدوارم که باز در شیراز فرمانده فنون بسوم. محتمل است رابرتی که من از اقامت خود در فارس داده ام مخبر الساعنه را از فارس برون کند. سیر و آلتر و چرحیل هر دو رابرت را دیدند. آنچه لازم بود من سرخ داده ام و چیزی نگفته نگذارده ام. رابرت مر بور امروز بوزارت خنگ رفت. در آن رابرت صمیمه هم در خصوص کارهای کازرون بود ولی من هیچ سوئدیهارا در این ضمیمه داخل در کار کازرون نکرده ام. چرحیل بواسطه ایرانیها در تمام طهران شهرت داده است که در صورتیکه حاکم فارس استعفا ندهد آن رابرت مرا در هر هفت روزنامه طهران و در روزنامه های انگلیس و اروپا منتشر خواهد ساخت. سیر و آلتر یک نقشه (محرمانه) دارد که مرا رئیس ۵۰۰ سوار بختیاری در طهران بکنند. هر چند که این تکلیف را میتوان قبول کرد ولی گمان میکنم که این فرماندهی فقط موقتی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج منقطع خواهد شد...

Reserve (۴) Undine (?) (۳) Miller-Folk (۲) Nystöm (۱)
Milice (۵)

(۶) سفير انگلیس در باب مجلس مگوید: «تمام عناصر دموکراتی خارج هستند». مقایسه شود بر با آن فقره که سابق در صفحه ۵۹ از روزنامه ده سواسیت من «مورخه ۱ ژانویه ۱۹۱۶ نقل شده است: درسکاتریس فرقه سیاسی ایران فرقه دموکراسی است».

در باب تبریز خیلی از این طرف و آن طرف صحبت شده است. دولت ایران آخرین دست و پای خود را میزند که ولعهد را بآنجا بفرستد. از اینجا و آنجا یکدسته سرباز ژولیده و لاسیده از همه حور و همه رنگ جمع کرده اند که واقفان مانند یکدسته بازگر می مانند و یک ۳۰ الی ۴۰ هزار تومانی هم برای مخارج آنها فراهم آورده اند.

ایرانیها از ورود عمایا بنبریز شغف زیادی اظهار کردند. و میگویند که عمایا آنها را از دست روسها نجات دادند. ایرانیها تصور میکنند که وقتی که ولعهد وارد تبریز شد عمایا از ایران خارج خواهند شد. بعد از ورود ولعهد بنبریز یکدسته بزرگی از همراهان او بطهران مراجعت خواهند کرد. کوروستو و کس سفیر روس در تارۀ حفظ جان خود تا اندازه واهی پیدا کرده بود. از قرار مذکور گفته بوده است که اگر روسها از فروین بروند او دیگر در طهران نمایند و بزرگده در سمیران که از سفارت طهران محفوظتر و امن تر باید باشد خواهد رفت. یک ارمی با اطلاعی^(۱) بسیر و آلر گفت که اگر روسها از عثمانیها یک شکست نخورند احتمال خیلی قوی می رود که ایرایا به همراهی عثمانیها داخل جنگ بشوند.

من حالا سعی دارم که هم برای قراسوران و هم برای خزانهداری مستخدمین امریکائی بدست بیاورم. من بسیر و آلر گفتم ایرانیها خیلی طرفدار این نقشه هستند لکن از مداخلۀ روسیه می ترسند.

طهران ۱۰ فوریه ۱۹۱۵ | ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۳ |

محرمانه

یک اقدام خیلی جدی شد که مرا رئیس قراسوران و حاسبین بالمارس بکنند. لکن گمان میکنم سیر و آلر بالأخره مصمم شده است که ریاست قراسوران را بکلن فولکه^(۲) که نقداً رئیس اصفهان است واگدارد و مازور مولر^(۳) و مارور کارلرگ^(۴) معاون او باشند. بقیۀ سوئدیها تماماً باید بروند.

(۱) شاید مقصود میرزائانس باشد که از قراریکه مرل بعدها میگوید با او خیلی دوست بوده است.

Folke (۲) Moller (۳) Carlberg (۴)

چنانکه شما هم لاند سید-اید تاوولی و کوروستووتس هر دو احصار شده‌اند. نحای سمیر روس یک آدم کوچک ملایمی ار آمدن حواهد آمد عقدۀ اربابها این است که اگر تاوولی رود می‌آن این حواهد بود که انگلیس ایران را بمیل و دلخواه روس واگذارده است. بورگراو^(۱) و لوکوت^(۲) هر دو بدولتهای خود تلگراف کردند که ناید سیر ادوارد گری اطلاع داد که اگر تاوولی رود و عهد شخصی او دیگر در میان باشد عقدۀ آنها این است که ایران همراهی عمائی داخل جنگ حواهد شد اگر تاوولی نماد لاند کوروستووتس هم حواهد ماند. یک کابینه جدیدی در کار تشکیل شدن است. ار فرار مسهور احتمال قوی می‌رود که کابینه جدید خیلی طرفدار روس باشد در ایصورت گمان محکم که دیگر یک هر سوئدی هم در ایران ماند

دو روز قبل روسها بدون اشکال وارد تبریز شدند. تاوولی و چرحال هر ده صدیق دارند که در مائۀ مختیارها یک حسن آلمان دوستی نمودار است. روسها اگر ایران حرث آرا داشته باشد با عمایها متحد حواهد شد و اگر این کار را نکند آنوقت مختیارها و تمام املاک دیگر همه کمک حواهد کرد ارمینیا میخواست که من فرماندهی کدسته قسوں ۱۰۰۰ هری (مرگت ار سواران مختاری و ارامه) را در طهران بعهده بگیرم تا در موقعی که اگر روسها ار آلمانها سکس بخورند و ایران هم حرث کرده اطرف عمایها رود حاضر مانم

لمارس حد روز فل یک کاعد نی سرمایه کوروستووتس بوست و او هم آن کاعد را به وولی ارائه داد. یلمارس در آن کاعد میگوید. رای حلوگیری ار یک ردوچورد خوب بود روسها قراسوران را در وروین بحال خود مسگدارند. تاوولی کوروستووتس گفت: «آخه ار دستان رمیآید نکند که لمارس را فوراً برون کبید و من قول مدهم که ار طرف من همه‌گونه کمکی حواهد شد

(۱) Bozgie سفر بلژیک

(۲) Lecomte سفر فرانسه وی سابق در برلن بود و در حرو محاکمه شاهزاده

بورگ Pultenbuz شهری ندا کرد

رای که در قروین مابین قراسوران و روسها واقع شد در سر سرارحانه قراسوران بود که روسها چون شیده بودند سوئدیا را ایران بیرون خواهد رفت میخواستند آن را صط کسد

صمیمه: اگر سوئدیا همه خارج شوند آنوقت قطعاً من رئیس قراسوران جوهم شد. تصوّر میکنم که بعد از این قراسوران عمده در راه طهران بویهر بکار رده شود. روسته و خود آنها را در سبال میل ندارد.

طهران، ۴ مارس ۱۹۱۵ [۱۷ ربيع الثاني ۱۳۳۳]

سیر والتر دلائی که رای من محمول اسب تصدیق کرده است که نقشه سوئدیا در قراسوران و ریاست قراسوران باقی نماند. شاید او میخواهد مل از ورود کسی که او رای حاشیای آنها حال کرده اسب تعبیری در این کار دهد. آنا رای سیر والتر ممکن اسب (اگر شما رای او کاغذی نوشته و وقایع شیراز را توضیح بدهد) که طور خصوصی با حراهدار کل هسنس مذاکره نموده و از او خواهش کند که مرا از مسئولیت اموال شیراز مستخلص نماید؛^(۱) من آنچه در قوه داشتم کردم که رای مافع انگلیس در فارس خدمت کنم

از فرار مدکور سیر اطرینس لوگوتی^(۲) و سیر آلمان ریس روینس^(۳) هر کدام همراهی یک نماینده نظامی از راه کرمانشاه بظهران نمایند. اگر حم رات شما بتواند اسلامبول را بصرف کند این واقعه یک تأثیر بزرگی در اینجا خواهد کرد چه ایرانیها بدون هیچ سک آلمان دوست و طرفدار عثمان هستند ارمایع محرمه و حلی موقوف میشوم که حراهدار کل هسنس در هفتههای آتی آنچه تواند خواهد کرد که از رسیدن بول سوئدیا رای روسوران جلوگیری نماید بطوریکه بالأخره همه امار خارج خواهد شد. تمام صاحب مصالح سر خدمت (یعنی آن صاحب مصافی که در خدمت فسور

(۱) نماینده مالی بلژیکی در شرار استاس Stas میلر را مصر ساعه ود که اموال

بول ایران در شیراز دست زاری کرده است

(۲) Logothetti (۳) Piri Renfi

مطمئن سوئدی هستند) حالیه از ایران خارج شده‌اند و مازور ادوال^(۱) که فعلاً فرمانده کل است ناهسنس حلی دشمن است. مشهور است ولی صحت و سقم آن درست معلوم نیست که صاحب مصفا سوئدی که فعلاً در ایران هستند گفته‌اند که آنها تا آخر آوریل (اواسط حمادی الآخرة) خواهند ماند و اگر تا آنوقت اقدامی برای مطمئن رسیدن پول قراسوران نشده باشد از ایران بیرون خواهند رفت. اگر سوئد بطرف آلمان داخل حگک نشود در آنصورت قطعاً تمام سوئدیه‌ها از ایران احصار خواهند شد. محرمانه گفته میشود که روس و انگلیس بایران اسلحه و دجیره میدهند تا بر صد عثمانی بحدکد. کابینه و دربار طرفدار این خیال است لکن بعقده من از افکار و اقوال عامه میترسد که این بشهادت قول نماید من یقین دارم که سفارت روس بر صد این کاسه حالیه است و رای رانداحت آن اقدامات مکنه

صمیمه. در میان دیپلماتهای خارجه در اینجا صحبت آنست که چون سر والتر^(۲) بجرچیل اعتماد چندانی ندارد میخواهد او را بیک از فوسولگریها بایتالیا عرستند.

طهران، ۶ مارس ۱۹۱۵ | ۱۹ ربیع المانی ۱۳۳۳ |

محرمانه

دو روز قبل رئیس الوردا حکم داد که هیچکس برواتی را که نامضای حراهدار کل هسنس ناسد باید قبول نماید و قرار شده است که از این معد وزیر مالیه باید آنها را امضا کند سیر والتر روز چهارشنبه با جرچیل سک نقطه آنطرف ورامین سفر کرده است که در آنجا خبریاتی نکند^(۳). سفر آنها ده روز طول خواهد کشید. یک روز بعد از حرکت آنها حکم رئیس الوردا در خصوص روات نامضای حراهدار کل صادر شد سیر والتر یک روز به واد^(۴) گفت «من مایل بودم در کابینه و درای ایران یک عر

Ldwall (۱)

(۲) یعنی سیر والتر داولی سیر انگلیس در طهران که حرحل مرئوس او بود

(۳) دواحد اسکله امتتار حمرتاب در ایران بفراسه‌ها داده شده است

Wid (۴)

پیدا میشد که ناداره کفایت حرئت داشته باشد که تمام سوئدیها و لژیکیهارا بیرون کند و در عوض آنها امریکائی بگذارد « من باید تصدیق کنم که این صاحب مصان احتیاطی سوئدی سطر مآید که حوب کار میکند. یک سوئدی در نعم قراسوران در این اواخر من حسن کرده ام جسامکه ماسوم سیر والتر حلی جهد کرد که خیلی روسهارا نسبت باین کایه دفع نماید ولی مساعی او بی نتیجه ماند. این دو سفارت (روس و انگلیس) در سر هر نکته با همدگر حگ میکنند

طهران ۱۶۰ مارس ۱۹۱۵ | ۲۹ ربیع الای ۱۳۳۳ |

» مابع اطلاعات من عالی است. چنانکه من پیش بینی کرده بوده عمر کایه احبر طولانی سود. رئیس الورای حالت معروف روس دوستی است و ورای دیگر بر دشمن روس نیستند بعینه عموم سفارت روس در ایطایی از عوامل مهمه اس که نظارت در امور دارد. از مآخذ حلی معتری میشوم که تقریباً تا یکماه دیگر دولت روس میخواهد بایران قرضی بدهد و نصارت در محارج و مآلندرا بدست بگذرد. در موقع استقراض یک اقدام حلی حدی خواهد شد که ایران را وادارد از بیطرفی خارج شود. لکن رده اسخاص آگاه آن اس که روسها نمیتواند این قسه خود را احام دهد. فرصا کایه هم مایل ناسد لکن از ترس ملت ایران هج کایه حرئت نمکند که نظرف روس داخل در حگ بسود چنانکه سندهام (و گمار هم مسکم راس ناسد) هسلس^(۱) در مآه اعصای مجلس مقصدار ریاری نول تسیم کرده است برای تأمین آنکه نارکیها در کارهای خود باقی نماند. من گمار مسکم این بولها بوی روسی اس. روسها هرچه از دستشان برآید میکند که سوئدیهارا بیرون کند. ایرایها از بلرکیها متعز هستند و اگر ممکن نسد میخواهد اهارا بیرون کند رورنامهای صهران ی اداره متعیر اند ا اسکه قسور سما در نوسهر هودمول آلمان^(۲) دستگیر کرد.

(۱) Haysos حراهدار کل بلرکی

(۲) انگلیسها فوسور آلمان لسمان Eastman را ر خلاف هرفاوی رسگیر کرده

طهران، ۲۱۰ مارس ۱۹۱۵ [۵ حمادی الأولى ۱۳۳۳]

امروز بعد از ظهر من در سفارت شما بجای مدعو بودم و تا سیر والتز مذاکرات داشتم. سیر والتز گفت: «دیروز من رئیس الوزرا تأکید کردم که محرم السلطه^(۱) را از شیراز معزول کند و سوئدیها را هم از آنجا بخواهد و ریاست قراسوران آنجا را بخواهد و آنگاه...

تمام ایران در حوس و خروس است. وضع کلیه ایلات ایران رعایت اسباب تشویش است. در تمام نقاط در شرق، غرب، شمال، جنوب، از هر طرف ایلات در صدد هیجان هستند. احتمال می‌رود طهران بواسطه قشون روس اشغال نشود. گمان می‌کنم راست باشد که ۱۴۰۰ نفر از بختیارها بطرف ترکها رفته‌اند

روسها بار هرچه در قوه دارند میکشد که سوئدیها را بیرون کند و از رساندن یول ماها جلوگیری نماید. چرجیل^(۲) محققاً از ایران خارج خواهد شد. حوس است که از دست او خلاص میشویم. ره‌رماری (عین) این لفظ در اصل انگلیسی استعمال شده است.

صمیمه. چرا صلاح بیست که قشون فارس محلّ شده و حرو قراسوران گردد؟ ما توپهای بخرازی را لازم داریم. همچنین چرا صلاح بیست که مفتشی بولیس را بمن ندهد، در این موقع هرج و مرج این مسئله مهم است برای آنکه من سیرار را در دست داشته باشیم. خواهش می‌کنم سؤال کنید که آیا ممکن است در خصوص بولیس من یک بول علاوه داده شود».

طهران، ۲۶ مارس ۱۹۱۵ [۱۰ حمادی الأولى ۱۳۳۳]

امروز تاوولی برای من نقل کرد که سیر ادوارد گری در ۲۴ مارس (۸ حمادی الأولى) از استوکهلم تقاضا کرده است که سوئدیها را از فارس بخواهد. و بر گفت او تصور میکند که دیروز توانسته است دولت ایران را ترساند. تاوولی

بایرانیها گفته است که بیم آن میرود که ۱۰۰۰۰۰ نفر قشور روس طهران را تصرف نمایند تا آنکه تقاضاهای خود را جامع به بطرفی ایران برور قبولاند. بر تاوولی گفت که دیروز وی از رئیس الوزرا یک جواب، موافقی دریافت کرده است. رئیس الوزرا تاوولی گفته است: «حلی خوب، روسها متوانند قشور طهران وارد کرده کابینه حالیته را رانداخته و هر وریری را که میخواهند سر کار بیاورند. لکن اگر روسها این کار را نکند تمام ایلات ایران خواهند سوید و آنوقت برای اصلاح اوضاع ۱۰۰۰۰۰۰ نفر قشور روس ضرور است.» تاوولی گفت او تصور میکند که روسها از اوضاع امروره استفاده میکند و حوسحال اند چه این اوضاع هانه حونی بدست آنها میدهد که قشور وارد کند کابینه حاله خود را حلی مستقل نشان میدهد و از سفارتین حدان ملاحظه ندارد رومرو^(۱) امروز صبح عن گفت که روسها یک د داشتی بدول ایران فرستاده اند و در خواست کرده اند که دول ایران ۱۵۰۰۰۰ نفر قشور بر صد عثمانی حاضر نماید. در مقابل آن روسیه از طلب خود از ایران چشم پوشیده و مجدداً بایران پول قرص خواهد داد. من قطع دارم که کابینه حالیته میترسد این پیشهاد را قبول کند. سه روز قبل یکی ر روزنامه های ایحایک بیان نامه نشر کرده و در آن آسکارا ارایان را بدحول در جنگ همراهی عمای دعوت نموده بود.

تاوولی دیروز میگفت که دولت سما از اقدامات ایران فقط بدین ملاحظه متوسس است که بحول ایران در جنگ چه آبروی در افغانستان خواهد بخشد و میگفت اگر ایران داخل جنگ شود احتمال موی میرود که روسیه اوضاع را بحال خود گذاشته و قشور خود را از ایران بیرون نکند ولی بعد ر جنگ روس و انگلیس هر دو حساب خود را با ایران نصیه خواهند کرد. در صورتیکه افغانستان بسورد حکومت هد خیال دارد قشور خود را بحلگه های داخلی هد عقب کشد و در آنجا منتظر سده و با افعاما مضاف نماید و بالاخره

(۱) دو رومرو روس De Romeio Dush t تا ماه اوب ۱۹۱۳ (رمض ۱۳۳۱)

شردادر اسپانی بود بعد از آن سب سغیر آن مملک در ایران لمهد گشت

بعد از حگ نافعستان قشون کشی کرده و افعاها را تسبیہ کند تاوولی میگفت که حواین مختیاری ناو قول داده اند در صورتیکه دولت ایران هم حکم نماید که آنها ر صد انگلیس و روس محکند ایشان اطاعت میخواهد کرد. لکن تاوولی در این خصوص خیلی بدین است. من خیلی شک دارم که اگر واقعا یک وقتی حگ سر بگیرد حواین ستواند ایلات خود را از دحول در حگ نماد کند.

طهران، ۶ آوریل ۱۹۱۵ [۲۱ جمادی الأولى ۱۳۳۳]

من میترسم این ساس که ایراها را نگذارند آنچه میخواهد نکند بیجها س آن نشود که بطریق معمول مشرق ر میسها ایرایان دوستی را ترس نداشته و کارها را ر صرر روس و انگلیس در دست خود بگیرد. طهران طها را آرام بنظر نماید لکن در باطن خیلی انقلاب و هیجان است. در تمام شهر کمیتهها تأسیس شده که جهد میکند هر طور هست ایرا را بطرف عثمانی داخل حگ نماید. رورناحات ایران آشکارا و بی پرده دسمن روس هستند. مطوعات آنچه دلسا میخواهد میگویند

طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۱۵ [۲۹ جمادی الأولى ۱۳۳۳]

رامسدن^(۱) که حرو سفارت سهاست من گفت در سفارت گمان میکند که روسها سعی هستند یک ترس و وحشتی در میان مردم بیدارند رای آنکه قشون وارد کند عقیده آلمانها ایضا این است که روسها خود آرام مانده ولی نکردها احاره خواهد داد که عارت گمان و آدم گسان تا خود طهران بیس بیاید آنوقت روسها قشون خود را طهران آورده و کار ایرا را حاتم خواهد داد بول قراسوران پنج ماه اسب عقب افاده اسب و اداره بولیس هم ۱۰۰۰۰۰ تومان طلبکار است

صمیمه: تاوولی و گوروستووتس تا آخرین دقیقه نایکدیگر صدیت میکردند مگر اینکه در بیرون کردن سوئدیاها ناهم متحد بودند.

طهران ، ۳۱ مه ۱۹۱۵ | ۱۱ رحب ۱۳۴۳

ناظر می‌آید که کابینه حاضر است هر آنچه سفارتین بپسهاد کند

اشرام دهد

۱۵۰۰ نفر فراق جنگ آرموده با توپخانه و اتوموبیل و چاکه می‌گویند با دو اتوموبیل مسلح وارد قزوین شده‌اند. این دسته قشون کمی قل در میدان جنگ ورشو خنگیه‌اند. من دو شب هل در سفارت سما بشام دعوت داشتیم. بعد از شام چرجیل گفت: «سوئدیها خواهند رفت و خیلی هم رود خواهند رفت. تنها حوصله بکشد. عقرب کار رای سما یید خواهد شد». دیشب فرمانفرما وریر داخله میرایانس که یکی از معتبرین ارامه و از دوستان من است گفته است که دولت ایران مصمم شده است سوئدیهارا رون بکند لکن محور است که ناحناط و تألی در این امر اقدام کند چه حسیات مردم بی‌اداره نظرف سوئدیها متقابل است دیشب نک ایرای من گفت که دوات ایران ظلّ السلطان را^(۱) برای حکومت فارس احصار کرده اسب.

(۱) ظلّ السلطان برگترین سر ناصر الدّین شاه است ده سال بطور بعد در فرانسه گذرایند ووفی در صدد آمد که بایران مراجعت کند لکن ایراها او را در رشت توفف کرده و بعد از آنکه یک مقدار گرافی از او بول گرفتند او احاره دادند که دوباره نارونا برگردد — دوباره خواستن او طبعی است که نشار روس و انگلیس بوده اسب مورینگ بست مورچه ۲۶ مه ۱۹۱۶ منوسد حانکه ما اطلاع حاصل کرده‌ایم دول انگلیس استناد نکات و کارآمدگی او در حکمرانی عوده و امید دارد که دوباره با نک اداره نظم و امتت را در منطقه جنوب هود انگلیس برقرار خواهد کرد در ماه مه ۱۹۱۶ (رحب ۱۳۳۴) که ظلّ السلطان از لندن و نظربوع ناراب مراجعت مکرد هم ناساه انگلیس و هم سار روس از او بدیرائی کردند از آحائیکه او برگترین حواص بحاری را که اسب الیه دشمن بحاریهاست در حصوص وعده‌هائی که اس ساهراده برگ ایران که هر صرفی نافصای مصلح وقت متبال مسود در لندن و نظربوع داده اسب سیر انگلیس در صهران مارلینگ در ۲۰ ژوئن ۱۹۱۶ (۱۸ سدان ۱۳۳۴) با یک حال اسرده سمر انگلیس در نظربوع نوکان در یک کاعد حصوصی منووسد من محب مکم ارایکه ظلّ السلطان هور آن حستات دشمنی قدیم خود را

چنانکه در افواه مشهور است آلمانها خیال دارند ناصهها عقب ناشیستند و آنهارا مستحکم نمایند (چطور؟) و امید دارند که سوئدیها هم با آنها همراه شوند. میگویند که دولت ایران نیز اگر مسابق میل سفارتین رفتار کرده در طهران محواید نماید بداحا نقل مکان خواهد کرد.

هم مارلینگ (۲) و هم اتر (۳) که با هر دوی آنها من خصوصیت زیاد دارم من گفتند که آنها آسوده خاطراند و از تحریکات آلمانها مشوش نیستند. واضح بودیم من محروم هیچکدام از این دو اعتماد ندارم. شخصاً عقدۀ من این است که این دو هر از آن وقت که قشون روس قروین وارد شده آرام شده اند و هر دو امید دارند که آلمانها سک رد و حوردی شروع نمایند تا آنکه روسها آمده و یکباره شمال ایران را تصرف نمایند. در آنصورت دولت ایران ناصهها انتقال خواهد کرد. من گمان میکنم آن حبری که در فوق من بدان اشاره کردم ماستی با این احتمال احذر داشته باشد. من هیچوجه بعقب محواید کرد اگر اوضاع این صورت را پیدا کرده باشد که دولت شما قبل الوقت قسم ایران و انتقال دادن دولت ایران را ناصهها و خود بدست گرفتن نظارت کلّ حووب ایران نصمیمۀ اصفهان (و شاید هم همدان و کرمانساه) را تصدیق کرده باشد ولی چیزی که هست ممکن است دولت شما از روسیۀ حوایش کرده باشد که از اشغال مملکت دست نگاه دارد تا ایسکه یک هجانی در شمال ایران بدید آید. من تصوّر میکنم که با این اوضاع امرورده هرچه این مسئله رودتر انجام بگیرد بهتر است. گویا هیچ امیدی نیست که یک لرد کرومری (۱) مرصۀ صهور پیدا شود تا این مملکت ازهم اسده را دوباره مرمت و اصلاح نماید.

خسارها دارد ولی با وجود این حلی عرب قدر نماید که او آن حسّات را آشکار در بطردیوع اظهار کرده است فقط ده روز بعد از آنکه رسماً در لندن احسان داد که وی خسارها را میل اولاد خودی دوسد دارد. من حلی مترسم که ظلّ السلطان بیشتر با روسها دوستی نماید تا ما و ما ناند خود را برای این فقره حاضر کنیم هرچه که ما اند صورت طاهر را نگاه داریم و باو بنام که ما در او یک شخص برگی می بینم که از جانب هر دو دولت یک اداره طرف مساعدت و موخه است >

(۱) Mailing سهر انگلس در صهران خاشش ناوولی

(۲) Ffiter سهر حدید روس در صهران

ررگنده (شمیران)، ۸ ژوله ۱۹۱۵ [۲۵ شعبان ۱۳۳۳]

امروز صبح من نا وریر شما یک مذاکره طولانی داشتم. او من گفت که هیچ چیز برای او حوشایدتر از این نیست که من دوباره بشیرار مراجعت کنم و گفت ممکن است در طرف دو هفته آتی حاکم فارس را محور ناستفا نماید. بعد گفت عین الدوله^(۱) حاضر است در این فقره همراهی کند لکن هر دفعه که او درصدد میآید اقدامی نماید حاکم نوکلای فارس در مجلس متوسل شده آنها هم دموکراتها را تحریک کرده و نایل میشود که این کار را عقیم گرداند مارلسک من گفت تنها دلیلی که چرا او هنوز سوئدیها را حمایت میکند اینست که سوئدیها نا ریرکی خود میتواند صاحب مصان ایرانی را که تماماً آلمان دوست هستند مواظت و مراقب کند. علاوه گفت که آدوال^(۲) نکلی در دس آلمانهاست و او یک «احق جیلی هولناکی» است. یرگفت که آدوال احکام خود را از معین الوره^(۳) میگیرد و درباره معین الوره گفت که او یکی از خطرناک ترین مردم ایران است، دموکرات رشور و دوست آلمانهاست. حدی بیس وریر شما من گفت که او و سیر روس هر دو مصمم میدادند که هر وقت برای آنها ممکن شد کاری نکند که معین الوره در دول ایران از سعل خود معصل نشود وریر شما من گفت که دول ایران هیچ میداد که بچه انداز، اطرف یک حگی نا انگلیس ردیک شده است

وریر شما و چرچل هر دو من گفتند شما لایققطع اقدامات کردهاید که من دوباره بفارس مراجعت کنم [یعنی لسمب رئیس قراسوران - مؤلف]. -- این شبهه نیست که وریر شما اگر تواند راهی صدا کند یت حوی دارد. اما است شما عقرب بنیرون کرسن حاکم موفق سوند.

(۱) از وررا صعه اسنداد مطهر الدس ساه در سال ۱۹۰۴ (۱۳۲۴) اورا بواسطه سار ملت معرول کرد بعد از ارجاح دموکراتها عین الدوله دوباره نهودی صدا کرد و حدس از وریر سند سیر انگلنس در یک مراسله محرمانه در باب او مگوید ما عین الدوله را سرکار نگاه داشهیم و او برای ما همه کار خواهد کرد رجوع سوند

زرگنده ۲۵ ژوئیه ۱۹۱۵ [۱۳ رمضان ۱۳۳۳]

..... چنانکه می‌شنوم گویا در همین چند روزه کابینه (جدید) تشکیل خواهد شد ولی هیچکس چیز قطعی در این خصوص نمی‌داند چه ایرانی‌های معروف و مهم کابینه گویا می‌ترسند که کاری در کابینه قبول کنند.....

طهران آرام است. برای قراسوران خیلی دشوار است که اصلاً دیگر بتوانند باقی باشند. برای تمام قراسورانی که اینجا هستند بیش از روزی صد الی سیصد تومان پول بدست نماید (باستثنای روزهای جمعه و دو شنبه!!!). این یک عملیه کند تدریجی است ولی همینطور بتدریج آنها خفه خواهند شد.....

لوکونت^(۱) بمن گفت ریمبو^(۲) با تمام فوج خود و اسبها و غیره بطرف داردانل حرکت کرده است. باید او خیلی خوشبخت باشد چه فوج او یکی از آن افواج قلیلی است که اسبهای خود را می‌توانند بکار ببرند زیرا چنانکه مسبوق هستید قسمت عمده سواره نظام در خندقها بکار برده شده‌اند.

طهران، ۱۴ اوت ۱۹۱۵ [۳ شوال ۱۳۳۳]

دیشب من نایب سفارت شما کر^(۳) را دیدم. عقیده او آن بود که بعد از تشکیل کابینه اولین تقاضای سفارت شما از دولت عزل فوری مخبر السلطنه خواهد بود و اگر کابینه این تقاضا را قبول نماید سفارت شما یک «یاهوی بزرگی» بدین سبب خواهد کرد.....

کر^(۳) دیشب بمن گفت که ما بیشتر مایل هستیم که «قراسوران را در عمل قورم لوط بینیم» تا آنکه یک شاهی پول انگلیس را برای آنها صرف کنیم... بعد از سقوط ورشو روزنامه‌های ایران خیلی جسور شده‌اند. آنها آشکارا می‌گویند که باید تمام قراسوران را در طهران جمع کرد تا آنکه قوای

Leronte (۱)

Rimbaud (۲)

(۳) آرخیبالد کر Archibald Kerr سابق در برلین و رم بود.

روس اگر از قزوین بطرف طهران حرکت کنند در مقابل آنها مقاومت بورزند ... بدلائلی که در دست است گمان میکنم که دستگاه گرفتن تلگراف بی سیم آلمان در خارج اصفهان هنوز در کمال خوبی کار میکند ... اگر میگوید اگر یک کابینه تشکیل شود که طرف رضایت نباشد سفارت شما و سفارت روس آنرا در ظرف یک هفته بر خواهند انداخت ... سفارت شما عین الدوله (۱) و فرمانفرمارا (۲) میخواهد و روسها میل دارند سعد الدوله (۳) رئیس الوزرا شود ... نیوا (۴) مدیر تلگرافات ایران محرمانه بمن گفت که دلیل آنکه چرا در چند روز قبل ۲۰۰۰ نفر از قشون روس هشت فرسخ از قزوین بطرف طهران حرکت کرده اند آن بود که در تشکیل کابینه اقدامی شده بود که چندان رضایت بخش نبود و حرکت این قشون یک نوع تهدیدی بود و اولیای بزرگ دولت ایران هم همین طور فهمیدند. حرکت قشون طهران را کم و بیش در وحشت انداخت ...

من دیشب بکر گفتم که خیلی بدگمانم از مذاکراتی که چرجیل با ایرانیها در خصوص بیرون کردن حاکم فارس نموده است. کرگفت من میدانم که چرجیل رشوه گرفته است. من پیشنهاد کردم که سفارت شما در اقدامات آتی خود برای عزل مخبر السلطنه خوب است یک نفر اروپائی دیگر را غیر از چرجیل برای انجام این امر بفرستد. نیز من بکر گفتم که چرجیل مکرر نسبت بشما اظهار کراهت و بیلی کرده است و بعلاوه وی یک نوع تمایلی دارد باینکه اعمال حاکم فارس را همیشه حمل بصحت نماید.

(۱) این مطلب در مراسله تاوانلی مورخه ۱۳ مارس ۱۹۱۴ تصدیق میشود آنجا که میگوید «ما عین الدوله را در سر کار نگاه داشته ایم و او برای ماهه کار خواهد کرد ... رجوع شود بصفحه ۴۹»

(۲) شاهزاده فرمانفرما یکی از مستبدین. شوستر در کتاب خود : خفه کردن ایران» در صفحه ۲۵۹ شرحی از حال او می دهد.

(۳) وزیر باعلی درجه مستبد شاه مخلوع. روس و انگلیس او را از تبعید دوباره بطهران آوردند. میخواستند او را در کابینه وزرای ایران بزور جا دهند ولی از پیش نرفت.

اسرور آن را بورتی را که من از کارهای خود در فارس در ۴۲ صحیفه نوشته‌ام رای گز میفرستم تا او حاکم آنجا را قدری بهتر شناسد. در این را بورت آنچه بدهایم آمده گفته‌ام و چیزی فروگذار نکرده‌ام.

رنگده، ۲۳ اوت ۱۹۱۵ [۱۲ شوال ۱۳۳۳]

دیشب من گزرا ملاقات کردم او گفت رئیس‌الور را قول کرده است که حاکم را معزول نماید. حالا باید دید آیا رئیس‌الور را بوعده خود وفا خواهد کرد یا آنکه او تا درجه اقتدار دارد که این کار را نکند. گز مکلفت آنها می‌آید که فرمانروا حکومت فارس نامرد نبود و او خودش هم حلی مایل است برود. من تا فرمانروا خصوصیت زیادی دارم.

اوصاف طهران در این چند روز اخیر بدتر شده است در مساجد جامع برگ منعقد می‌شود و مردم را مقاوم مسلح در مقابل روسها دعوت می‌کند. جمعی از مردمان عوام طالب در مقابل عمارت مجلس فرمان می‌کند که ایرانیان روس دوس را باید کشت.

دستگاه گروتس تلگراف نسیم آلمی هبور در شولکستان نزدیک اصفهان کار می‌کند (در این خصوص من اطلاعات صحیحه دارم).

فصل ششم

مقصد سیاست مساعمراتی انگلیس در آسیا که برای توسعهٔ همان مقصد لرد کررن در سئۀ ۱۹۰۴ (۱۳۲۲) سفر مشهور خود را در آلهای حلیج فارس پس گرفت در این حلقهٔ امری «رود فرات باید سرحدّ هد بشود» با کمال ایجاز بیان شده است. ربحر مستحفظی که بدور آن حواجر تاح یعنی هدوستان کشنده بودند مرور زمان و در طرف سالهای دراز بتدریج توسعه یافته بود. بعد از آنکه انگلیسها بواسطهٔ خریدن اغلب اسهام شرکت کانال سوئز حقّ نظارت کانال مدکور را بدست آوردند و بعد از آنکه مصر را اشغال کردند شروع بساحس بعضی سادر چهارات در محرج بحر احمر نمودند. و همچنین وسائلی برای حکمرمائی در محارج حلیج فارس اتحاد کردند. با رؤسای ایلات حبوب و شرق عربستان بعضی قراردادهای در خصوص واگدار نمودن اراضی بدولت انگلیس یا قول حمایت آن دولت بسته شد: حرایر سقوطری و کوریاموریا (۱) و مسیرا (۲) انگلیسها تصرف کردند. بحرین و عمان و حصرموت بواسطهٔ معاهده در تحب حمایت انگلیس در آمدند. در کویت بعد از آنکه انگلیسها سیح آنهارا که حراج گدار عمانی بود بواسطهٔ بول و اسلحه و القاب برگ طمع نموده نظری خود استعمال دادند قوسول انگلیس در سئۀ ۱۹۰۶ (۱۳۲۴) بیرق انگلیس را در مدخل مدر و در دو حریرهٔ کوچکی که بلافاصله - مقابل مدر واقع است رافراست. و برای آنکه الاحسار را بر ار ملک عمی محرکند انگلیسها سیح وهائی را همواره ارسهٔ ۱۹۰۴ (۱۳۲۲) بایطرف - بوهای وراوان دستگیری نمودند.

و از آنجائیکه نا شیخ محمره نیز بعضی قراردادهای مهای بسته شده بود
خلیج فارس بر یک دریای تُرستی شد و اررای سستحکام تام حصارى که
انگلیس از طرف عرب هد ر پا کرده بودند دو نقطه مهم دیگر نای ماده بود:
یکی عراق عرب و دیگری تأمین خلگه شیبی که در حلوی افعان و هد واقع
است یعنی ایران.

انگلیس از اوصاع جنگ دیبائی استفاده کرد و در حیی که متحدین از
فراسه و روس در صوف شرق و عرب حون خود را میبختند او حواست
که اصول کرور را موقع احرا گدارده و عراق عرب را از «مناقات و تواع
هد» نماید. اشتهای سرشدی انگلیس از جهانگیری نار یکمار دیگر آشکار
نگردد اگر ما رجوع نکاعدی کنیم که یکی از معروفترین ساسیون انگلیس
در امور شرقی یعنی سیر والتین کیبول^(۱) در موقع مسافرت خود همراهی نایب
السلطه هد (لرد هاردینگ)^(۲) در ۹ فوریه ۱۹۱۵ (۲۴ ربیع الأول ۱۳۳۳)

Sir Valentine Chirol (۱)

(۲) رورنامه انگلیسی «سویر» (Pioneer) در خصوص این سفر نایب السلطه حبس
مگوید ۳۱ ژانویه (۱۵ ربیع الأول ۱۳۳۳) نایب السلطه نکوب رسد و نمایند انگلیس
در خلیج فارس سر پرسی اسکات (Sir Percy Scott) را در کنار کشتی نورث بروک
(Northbrook) بطور خصوصی بدرت بعد از او شخ حار (Talib) سر شخ کوت که از
حاج ندر خود ملاقات نایب السلطه آمده بود بدرقه شد و کولول گری (Gray) همراه او و
شخ عبدالله س عسی (Talib) سر شخ بحرس بر بطور خصوصی بدیدن نایب السلطه آمد
و در این ملاقات نماینده سیاسی انگلیس در بحرس کاستی کنس (Kut) حاضر بود در
شب سام محصری در کنار کشتی نورث بروک داده شد در عره فوریه (۱۶ ربیع الأول)
ملاقات رسمی حکمران کویت شخ سر مبارک س صباح و سح عبدالله س عسی بحری
بعل آمد در این ملاقات نسج مبارک س صباح نشان ساره هد و شخ عبدالله س عسی
صلب نشان دول هد عطا شد در ۳ فوریه (۱۸ ربیع الأول) نایب السلطه عصت شد
العرب رف و کارحاهای شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در حریره عتادان را تاسا
کرد پس از آن نایب السلطه بصره بصره حرکت کرد همان رورنامه مورسه
۲۲ فوریه ۱۹۱۵ (۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳) مگوید اس مسئله که فرمانمای هد بصره
رفه است از ریادی در حستت ایلات عرب محلی که دائماً با عانیها در رد و حورد و بدد حواهد
کرد یک بصری بآمده تماشان میدهد که بصره آخرس عطفه راه آهن بغداد اس که دگر
اتمام حصه در دس آلمانها است

از کداز کشتی «بورت روک» در آلهای خلیج فارس تقوا سول انگلیس -
سیرار میوید:

«من هیچ گمان نمی‌کردم که دوباره باین رودیها در این آلهائی که اسقدر ناها
آسا هسته ما یک نایب الساطه دیگری سمر کم رای آنکه آن سیاستی را که بدوا
کررر در ۱۱ سال قبل که من نا او در این صفحات بودم یک شکی قطعی
مقحی تحدید نمود یک قدم یستر اطرف مقصد ردنکر نمایی. ولی هر قدم
نارده حقدر تولید مشکلات میباد، ما نا کستی «اورس»^(۱) تا قره رفیم و ار
مواقع مستحکمه پیشین خود اردوی عثمانی را از دور در کنار افق مشاهده
کردیم. بلاسک آنها را عقرب از آنها سروس خواهیم کرد اگرچه طعیان آب
در کار اس که عملیات را رای هر دو طرف مشکل سازد. بالاخره ما کحا
خواهیم استاد، نار محدد مسئله ایران اس که یس میاند چه ر فرص هم ما
مال ناشیم که در^(۲) بایستیم حظور ممکن است که یک قوه دائمی آنصرف
حظوظ خود رقرار کنیم، ما ناند خود را بواسطه فرماندهی حوب
و تشکیلات مجلم و محب حوس قشون عراق عرب تبریک گوئیم که
کلی ر تکس قشون افریقای سرقی که ناعب آن همه صدمات و اطعمه سد
رفتار کردند. من گمان میکنم که اسکالات ما بواسطه وضاع هوائی در زمان
سدت گرما و بواسطه اداره کردن امور که زودی دوحار آن خواهیم گست
سروع خواهد شد. و اگرچه عراق عرب بلاسک از معلقات و بوانع
هد ناید نشود لکن بقیده من یک حظ اسماکی خواهد بود اگر ما همان فواین
و ترتیبات دیوانی (بوروکراسی) هدوستان را در آنها احرا نمائیم».

در اینجا سیر مسائل ایران یکی از مشکل ترس مسائل خوانده سده است. از
رای حل این مسئله خیلی کارها سده بود. ماله مملکت ایران را مدرحا
بکلی حراب کرده بودند و وطن رستانی را که رای آنها خطرناک بودند
ناجر کاب و دسائس چندین سله تعید نموده. ر حال مسدودی را که تمایل

(۱) Lawrence در کشتی اس

(۲) اس کلمه اس که مشود خواند ساید مقصور سار ناسد

باشارات انگلیس داشتند بزرگی بر ضد وزرائی که ظاهراً چابک و حرف سزوی در باطن ایرانی صرف بودند برانگیزانند. و همچنین در استفاده از ضدیت ایلات با یکدیگر نیز استاد شده بودند. ولی باوجود این معلوم همه بود که ایران (شاید براتب بیشتر از کانال سوئز) یکی از حساسترین نقطه در راه جهانگیری دولت انگلیس محسوب میشد^(۱) که اگر یکدفعه بواسطه یک جنگ دنیا مشعل شود شراره آن بطرف شرق کشیده افغانستان و هند همان هند «باوفا» را هم فرا خواهد گرفت. در ۲۵ مارس ۱۹۱۵ (۹ جمادی الاولی ۱۳۳۳) سیر والتر تاونلی برهنگ قراسوران مریل امریکائی گفت^(۲): «دولت انگلیس از اقدامات ایران فقط بدین ملاحظه مشوش است که دخول ایران در جنگ چه تأثیری در افغانستان خواهد بخشید. در صورتیکه افغانستان بشورد حکومت هند خال دارد قشون خود را بجایگاههای داخلی هند عقب بکشد و در آنجا منتظر سده و با افغانها مصاف نماید».

تأثیر یک شورش افغانستان در هند (همان هندی که انگلیسها آنقدر از آن باطمینان بودند که دائماً اعیان و نجای هندی را که از دولت انگلیس دارای القاب بودند یا نبودند وادار میکردند که «باوفا و صادق بودن» هند را نسبت بانگلیس بواسطه نشریات و مطبوعات در همه جا جار بزنند) همیشه مانند یک تمال هولناکی در مقابل چشم سیاستون انگلیس محسوس بود. معاون وزارت خارجه هند گران^(۳) در ۷ دسامبر ۱۹۱۴ (۱۹ محرم ۱۳۳۳) از دهلی بقوسوون انگلیس در شیراز مینویسد: «اینجا در هند اوضاع نسبت آرام است هر چند که

(۱) سیر رالینسن W. Rawlinson (که لرد گروزن در کتاب خود «ایران» جلد ۱ ص ۶۱۲ او را اهل خیره مینامد) در حدین سال قبل جلب دقت را باین مسئله کرده و انگلیس را خبردار میکند. از جمله میگوید: «از نقطه نظر طبیعی و حسابی اگر ملاحظه کنیم ایرانی بر تمام احساس آسیا باندازه تفوق دارد که محال است آن از این مسئله حشم نوشید که در صورتیکه یک جنگ اروپائی بیان آید و مسرف زمین را فراگیرد باید قوای نظامی ایران هم بکار انداخته شود. در واقع در صورت حمله بهند هیچ چیزی بدتر از آن نیست که یک قشون ایرانی در تحت صاحب مصبان روسی حمله ببرد».

(۲) در این خصوص مریل کاغذی بقوسوون انگلیس در شبراز وشت و اس مسئله را

شرح داد.

A. H. Grant (۳)

حسّیات مسلمانان خیلی در جوش است. سیخها^(۱) و شورش طلبان در هیجان هستند. سرحد نسبتاً آرام است هرچند — یک هرچند ثانوی — که در تونخی^(۲) یک اغتشاشی بظهور رسید. اگر امیر بتواند افغانستان را رو به مرز آرام نگاه دارد همه کارها درست خواهد شد. امیر آنچه از دستش برآید میکند ولی باید لاینتقطع با بعضی اشخاص متعصب بر حرارت و همچنین با تحریکات عثمانی بجنگد. اشکالات راجع بایران در این موقع ممکن است یک بار بسیار سنگینی بشود. غریب این بود که انگلیسها از همسایه و متحد خود یک لحظه هم مطمئن نبودند. عهدنامهٔ ۱۹۰۷ «منطقه نفوذ» این دو مملکت «حامی» را در ایران بدقت تحدید کرده بود. لکن این فقره مانع این نبود که انگلیسها (که همواره از اینکه روسیه در این معاهده لقمهٔ چرب‌تر را از میانه ربوده دلتنگ بودند) لاینتقطع برای روسیه در «نفوذ صلی» در منطقهٔ آندولت اشکال تراشی نمایند. وسائلی که انگلیسها بکار میبردند همیشه در نتیجهٔ ضرر خود آنها بر میگشت زیرا که آنها در حرص و طمع خود خیلی بیش از اندازه پیش میرفتند. بیرون کردن شاه مخلوع، تأسیس دولت مشروطه، حمایت بخیارها و خوانین آنها صمصام السلطنه و سردار جنگ، خواستن امریکائیها و سوئدیها برای ترتیب مایه و قراقران، تمام اینها اقدامات عاقلانه بود لکن نه برای ترقی ملت ایران چنانکه ابتدا ایرانیها تصور میکردند بلکه فقط برای ضدیت با روسیه. در کاغذ مرخصی خود که در ۷ آوریل ۱۹۱۵ (۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۴) سیر والتر تاونلی بقونسول انگلیس در شیراز مینویسد این مسائل را آشکارا تصدیق میکند. از جمله میگوید: «من یقین داشتم که دوستان ما در ساحل نوا از یک شخصی متفر بودند که وجودش فقط برای آن نبود که در آنجا نشسته و نظاره کند که چطور آنها ایران را کم‌کم می‌بلعند. آذربایجان طعمهٔ خوبی بود ولی اشتهای مسکوی را هنوز کفایت نمیکرد. بنّاد از آنکه آنها لقمهٔ چرب اصفهان را از گلو فرو بردند طبیعی بود که نقشهٔ حاضر کرده بودند که بهمان وسیلهٔ که اصفهان را در تحت منطقهٔ مراقبت خود در آوردند دست روی فارس هم بیندازند.

(۱) سیخ نام فرقه‌ایست از هندوها — مترجم.

Tochi (۲)

قطر داهی برای جلوگیری آنها از اجرای این نقشه این بود که جنگ را در قلعه محکم آنها یعنی آذربایجان آورده و بدین نحو دست آنها را از مرکز و جنوب کوتاه کرد. من قصد این اقدام را کردم و بواسطه اینکه من برده از روی بعضی افواحات آنها برداشتم نقطه خیلی جناس آنها دست زدم. دو چیز را روسها نمیتوانستند عفو کنند یکی نصب صمصام السلطنه بحکومت اصفهان که متزلزل بودن مقام آنها را در آنجا آشکار میساخت. هر چند که پیرمرد عزیز گراهام^(۱) بواسطه خطاهای خود با تمام قوی بآنها کمک خواهد کرد باز یک مدتی برای روسها لازم است که موقع خود را در اصفهان مستحکم سازند. دوم وجود بانک شاهنشاهی در منطقه روس، چه بانک شاهنشاهی منزله اداره ایست که بتوسط آن عایدات مملکت بطهران حمل میشود. تا یک مدت مدیدی روسها نمیتوانند از دست روند^(۲) خلاص بشوند.

انگلیس با یک تشویش و اضطرابی که دیگر نمیشد پرده پوشی کرد دید که روسها خط راه آهن خود را داتاً بسرحه شمال ایران نزدیک تر میکنند. در ۵ فوریه ۱۹۱۳ (۲۷ صفر ۱۳۴۱) وقتیکه روسیه امتیاز خط آهن جلفا - تبریز - اورمیه را^(۳) بدست آورد با کمال یأس گری بسفیر انگلیس در طهران تلگراف کرد: «دولت پادشاهی انگلیس با کمال افسوس و تعجب اطلاع یافت که دولت ایران تقاضاهای معتدل شرکت انگلیس را در خصوص یک وعده امتیاز (اوپسیون)^(۴) رد کرده است در صورتیکه امتیاز راه آهن جلفا - تبریز را داده است.»

(۱) Grahame قونسول ژنرال انگلیس در اصفهان.

(۲) A. O. Wood. رئیس بانک شاهنشاهی در طهران.

(۳) راه آهن جلفا - تبریز در فوریه ۱۹۱۶ افتتاح شد (ظاهراً سهواست. افتتاح این خط در اواخر آوریل یا اوایل مه است یعنی در اواخر جمادی الآخره یا اوایل رجب ۱۳۴۴ - مترجم). یک خطی هم از این راه تا دریاچه اورمیه کشیده میشود. این راه تفلیس - جلفا - تبریز - اورمیه امروز در درجه اول برای اقدامات نظامی بکار میرود.

(۴) یعنی وعده امتیاز برای یک راه آهن انگلیس مابین محرمه - خرم آباد. رجوع

مخبر روزنامه «مرئینگ پست» ویگمور^(۱) در کتابی که در سال ۱۹۰۳ (۱۳۲۱) نوشت موسوم به «مسئله ایران»^(۲) با یک کمی تغییر در یکی از عبارات کردن هر وزیری را که تحمل آن کند که روسیه یک خط آهنی از طهران یا از جای دیگری در شمال ایران بخلیج فارس و آنهای هند بکشد خائن میدانند. در هر حال روسیه بعد از کشیدن اولین خط راه آهن در داخله ایران یک قدم خیلی بزرگی باین مقصود نزدیک شد. از متحد المال^(۳) محرمانه تاوولی مورخه ۲۳ مارس ۱۹۱۴ (۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۲) که در آن در خصوص پیشرفت بطی مذاکرات راه آهن صحبت میراند در کل وضوح خیالات او را حدس میتوان زد. از جمله میگوید: «نقشه راه آهن سراسر ایران اسباب اشکالات شده است. مذاکرات در لندن و پترزبورگ بنظر میآید که منتج نتیجه نشود. روسیه مایل است که خط راه آهن از کرمان تا طهران مستقیم برود»^(۴) در صورتیکه دولت انگلیس بر ضد این است که منتهی الیه خط آهن در مشرق بندر عباس باشد.

در اولین ماده عهدنامه معروف ۱۹۰۷ مابین روس و انگلیس وظایف انگلیس نسبت به روس درست معین شده بود: «دولت انگلیس متعهد میشود که آنطرف یک خطی که از قصر شیرین شروع شده از اصفهان ویزد و خواف گذشته بیک نقطه در سرحد ایران و نقطه تقاطع سرحد روس و افغانستان برسد امتیازات ذیل را نه برای خود بدست آورد و نه برای یک تبعه انگلیس و نه اتباع یک دولت ثالثی را در بدست آوردن آنها حمایت نماید: بدست آوردن هر گونه امتیاز سیاسی یا تجارتي مانند امتیاز راه آهن، بانک، تلگراف، راه، حمل و نقل، شرکت بیمه و غیره. انگلیس در داخله این منطقه نه بطور مستقیم و نه بطور غیر مستقیم با تقاضاهای چنین امتیازات که از طرف دولت روسیه حمایت شود ضمیمه نخواهد کرد. قرار بر این گذاشته شد که نقاطی که در فوق اسم برده شده اند در داخله آن منطقه محسوب میشوند که در آن دولت انگلیس متعهد شده است که امتیازات فوق را تحصیل نکند.»

(۱) H. J. Whigmore (۲) The Persian Problem (۳) رجوع شود بص ۴۸

(۴) این عبارت مخالف با اصل متحد المال است رجوع شود بص ۵۰ - حاشیه مترجم.

باین شکل اصفهان آشکارا در جزو منطقه نفوذ روس محسوب شد. در یک یادداشتی که شارژدافر سفارت انگلیس اوپرن^(۱) در ۷ اکتبر ۱۹۱۱ (۱۳ شوال ۱۳۲۹) بدولت روس داد انگلیس صریحاً تصدیق میکند که اصفهان جزو منطقه روس است^(۲).

ولی چه اهمیت کمی انگلیس بموادّ قرار دادهای بسته شده - خصوصاً عهدنامه ۱۹۰۷ - میدهد و چگونه از هر موقعی استفاده کرده تا آنکه مال دیگری را که با او در «رقابت صلحجویانه» هستند خصوصاً روسینرا بزمین بزند اسناد تجارتی که در قونسولخانه انگلیس در شیراز بدست آمده است این فقره را خوب واضح میکند. یک مسئله حمل و نقلی که بمنفعت تجارت انگلیس انجام پذیرفته بود یعنی تحدید قیمت حمل مال التجاره بواسطه حیوانات در راه بوشهر و شیراز باعث ردّ و بدل مکاتبات بسیاری در سنه ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ (۱۳۳۱ و ۱۳۳۲) مابین بوشهر و شیراز و طهران و دهلی و لندن گشت. اختلاف آراء مابین بوشهر و شیراز باعث آن شد که یادداشتهای خیلی مفصلی ترتیب داده شد که تماماً یک مسئله اساسی را تعقیب میکردند و آن بیرون کردن تجارت غیر انگلیس بود از ایران بتوسط انگلیسها.

انگلیس با تمام قوای خود مخصوصاً بر ضدّ تجارت روس برخاست. مستشار تجارتی نماینده انگلیس در بوشهر در فوریه ۱۹۱۲ (صفر یا ربیع الاول ۱۳۳۰) یک یادداشت محرمانه برای دولت هند و وزارت خارجه لندن حاضر ساخت که در آن یک ترتیب تازه را برای حمل و نقل مال التجاره در راه بوشهر و شیراز یعنی در منطقه بیطرف بهتر از همه چیز برای منافع انگلیس مفید میدانند. یادداشت مذکور باین عبارت ختم میشود: «مقصد ما باید این باشد تا اندازه امکان بازار اصفهان را از امتعه روسی پاک کنیم». و در یک یادداشت دیگری که نماینده انگلیس در بوشهر در ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۳ (۲۰ شوال ۱۳۳۱) نگری مینویسد میگوید: «سفیر دولت انگلیس در طهران در این اواخر این

(۱) O'Brien

(۲) کتاب آبی انگلیس ایران شماره ۳ (۱۹۱۲) نمرة ۱۸: «بنا قرار دادی که اصفهان داخل در منطقه روس است»

عقیده را اظهار کرده است که تقاضاهای روس در یک قسمت بزرگی از منطقه بیطرف هر قدر که نفوذ روس بیشتر بطرف جنوب بسط پیدا میکند زیاده‌تر میگردد. و بعد میگوید «ما در مقابل این وظیفه هستیم که بجه نوع توسعه تجارت روس را در ایالت اصفهان و جنوب آن منع نمائیم و در صورت امکان چطور ما میتوانیم دوباره آنچه را که تجارت روس در این اواخر در این ایالت مسخر کرده است دوباره بدست آوریم». فقط در این یادداشت دوازده مرتبه از «تخطیات روس» و از «حملات تجارت روس باصفهان و تأثیر آن بجنوب» و از اینکه «تجارت روس را باید در یک جاده سرآشبی انداخت» و «آزرا از ترقی منع کرد» و «نه فقط در ایالت اصفهان و شمال ایالت فارس بلکه در هر جای دیگری» سخن رانده میشود.

باکمال مراقبت و دقت انگلیسها متوجه هرگونه اقداماتی بودند که در منطقه مدود روس یا در منطقه بیطرف واقع میشد مخصوصاً آن اقداماتی که بتصور انگلیسها با سرمایه روسی یا سرمایه مملکت دیگری بایستی بموقع احرا برسد. مثلاً تجار ایرانی نقشه تأسیس یک سرکشی را ریختند که راه آذنی مابین شیراز و بوشهر بکشند. در این خصوص قونسول انگلیس در شیراز بسفیر انگلیس در طهران تلگراف میکند: «همه نوع دلیل در دست هست که این نقشه را قونسول آلمان در تابستان اخیر در مدت توقّف خود (در شیراز) کشیده است. اصل خیال این بود که این سرکت یک شرکت ایرانی باشد لکن یک مقدار هنگفتی از سرمایه بایستی در آلمان بدست آید. من تصور نمیکم که این نقشه بجائی برسد لکن در هر حال این مسئله قابل آن است که بدقت در نظر گرفته شود.»

در مارس ۱۹۱۳ (ربیع الثانی ۱۳۳۱) در یک یادداشتی که نماینده انگلیس در بوشهر نگری میفرستد از یک نقشه صحب میسود که رئیس کل اداره است ایران میخواهد یک دستگاه اتوموبیل رانی مابین طهران و شیراز راه بیندازد. هم در این خصوص و هم درخصوص یادداشتهای دیگر برای ترقی تجارت انگلیس و ممانعت از تجارت غیر انگلیس دولت هند هم داخل مذاکره شده و یک مکتوب طولانی بوزارت خارجه لندن نوشته که ما بعضی فقرات مهم آنرا با ترجمه تحت اللفظی در ذیل مینگاریم.

محرمات

اداره مملکتی هند بوزات خارجه

اداره مملکتی هند ۴ مارس ۱۹۱۴ [۶ ربیع الثانی ۱۳۳۲]

آقای محترم

من از طرف وزیر هد ما اطلاع سواری مملکتی مأمور شدم که رسید کاعد سما مورّحه ۱۲ بوامر امسال و همجین سواد یک تلگراف قونسول بادشاهی انگلیس را در بوشهر و یادداشت مستشار تحارقی را اطلاع بدهم که در خصوص ماکفی بودن وسائل حمل و نقل در حوب ایران نوشته و وسائلی برای اصلاح و ترقی دادن آنها پیشنهاد کرده بودند.

در جواب برای اراده وزیر خارجه سوادى از یک کاعد محرمات حکومت هند میفرستم که در آن کاعد حکومت هند عقیده خود را در باره اوضاع عمومی تجارت انگلیس در حوب ایران مسروحا اظهار کرده و توسعه دادن تجارت انگلیس تا حوب خطی که تا آنجا بود تجارت روس میرسد رعایت شده است. مارکیر اف کریو (۱) نکلی نا عقیده حکومت هند همراه است و مخصوصاً به ماده اخیر کاعد حکومت هند اهمیت فوق العاده میدهد

محاصل سما

(امضا) ت. و. هولدرس (۲)

ایک در دل ما بعضی مواد مهم صمیمه مدکور را نقل میکنیم (ماده ۷، ۶، ۵، ۴)

محرمات

حکومت هند مارکیر اف کریو

دهلی ۲۲ رابویه ۱۹۱۴ [۲۴ صفر ۱۳۳۲]

لرد محترم

بمابست تلگرافی که حصرتعالی در ۱۷ بوامر ۱۹۱۳ (۱۱ دی الحجه ۱۳۳۱) کرده اید افتخار داریم که مسائل دیر را در خصوص مقاصد تجارت روس در حوب ایران عرصه نداریم: . . . (۳)

۲ ما بکلی طرفدار آن هستیم و لازم مداینم که هر وسیله صحیح عاقلانه که ممکن است باید اتحاد شود که تجارت ما از حوض تا حوض بوشهر - شیراز - اصفهان توسعه داده و تشویق شود نه فقط برای مافع تجارتی همد بلکه بدلائل سیاسی برای آنکه این سدی باشد در مقابل توسعه یافتن تجارت روس و بالتبع نفوذ روس از شمال محوض.

۵ ما وسائل دیگر را که برای ترقی دادن تجارت همد ما بین شیراز و اصفهان گاه گاه پیشنهاد شده است تمام را در نظر گرفته و حوض سحده ایم از قبیل مساعدت دولتی ستخار، و امکان اینکه «شرک کشتی رانی انگلیس و همد» و سایر شرکت های کشتی رانی را وادار کنم که اجرت کرایه جای همد را ایران کمتر کند، و تأسیس یک دستگاه اتوموبیل رانی مابین سیراز و طهران، لکن الحال ما هیچکدام از این وسائل را نمیتوانم تصدیق کنیم.

۶ - در خصوص نقشه که سیر ب. کوکس^(۱) بدان اشاره میکند یعنی نقشه اتوموبیل رانی بین سیراز و طهران ما منتظریم که دولت پادشاهی انگلیس در صورتیکه این نقشه صورت امکان پذیرد آنچه در قوه دارد بعمل آورد که آن نقشه را باطل نماید یا اقلاً امثال این اقدام یا امتیارات دیگر را بطرفی متمایل نماید که مافع ما در آن هست.

۷ - مخصوصاً بعد از تلاش روسیه در خصوص ساختن راه آهن از طرف شمال بیش از پیش واضح میشود که تنها وسیله که توسط آن ستراوت تجارت انگلیس را در ایران محافظت کرد و ترقی داد همان است که انگلیس هم یک راه آبی از ساحل حونی ایران بداخله ایران نکند.

امضا:

هاردینگ اف بسورست. او. م. کریگ. س. آ. ایمام.
و. ه. کلارک. ر. ه. کراودوک. و. س. مایر.^(۲)

این اسب حقیقت «رفاقت صلح حویانه» انگلیس و این است معنی احترام او بعهده نامها.

بعد از آنکه آنها ایران را از حب سیاست اهانته دادند و از حب ماله اسیر خود کردند جمیع مساعی ایران را که راههای خود را برای تجارت باز کند و یا اصلاح نماید اگر این مساعی فقط و فقط فایده اس سرمایه انگلیس می رسید ماطل کردند. ریاکاری و دورویی انگلیس که یک حکم قتل و عارتی را بیک شکل مهربان رمی میتواند در آورد مانع بود که آنها از حرص و یسرمی خود که یک ملت ماره بیداری را تا دم پرتگاه فنا و اضمحلال کشیده بودند حطاب مکشد. سخنان جان گالس وردی^(۱) که در سال ۱۹۱۲ تا انگلیس حطاب کرده و از برای ایران داد خواهی خواست ی اثر ماند:

افسوس که حسن سرمساری	از ما سده آسمان گریز
تاراج امید ملتی را	با هم ندیم عهد و پیمان
ای قوم مگر ستاره ما	افتاده ب عقد وصال است
با قدرت کربائی حق	مقهور شده است و در روال است
رخساره حق و راستی را	نی فایده از چه رده نوشیم
افتاده ب محلاب لستی	در دلت نفس خویش کوشیم

ضمیمہ

عکس اعضی اسناد ہیمہ کہ در متن مندرج است

SHIRAZ.



Very Confidential.

Circular No.2.

Gulhek, June 26.1914.

Ref.my Confdl.Circular of March 23.

With the approach of the date of the Coronation the situation in the capital is very obscure. The Govt: is in sore financial difficulty and it is not apparent from what source money can be found. H.M.G. appears indisposed to give any assistance and the P.G. will not seek the help of Russia, because it is feared that assistance rendered from that quarter would be accompanied by demands for certain concessions, notably those of the navigation of Lake ~~Urumia~~ Urumia, the rectification of the Russo-Persian frontier in the neighbourhood of the Moghan Steppes,



together with certain irrigation works & a land concession, and the Karkunan irrigation scheme for diverting the waters of the ^K Karun from a source near the Kuh-i-Rang into the Isfahan Plain.

The Cabinet is very disunited on the various questions, but more especially upon the method that should be adopted to protest against Russian action in the Province of Azerbaijan, where the G.G. under Russian protection, has made himself practically independent of the Tehran Government and where, under orders from St. Petersburg, the Russian Consulate General collects the land tax from Russian subjects, protected persons, and from Persians who have leased their lands to such persons. The same mode of collection has been put in force in other places in the Russian zone. Post Offices have also been opened by Russia at Tehran Tabriz and, it is said, at Meshed

Mr J Cicely: 8) Galesburg 22nd Aug 1914

Dear Sir,

Very Confidential

My confidential circular of June

26th

Activity of finance administration, hampered my action of Russian Councils, Russians gone. Much due from Russian protected persons 9638 for lands heard to be held by every person is collected by Russian Councils & paid into Russian bank, on account of P. J., who has so far heard no more of these monies since this collection. Russian Council interference largely in provincial administrations where lands held or leased by Russians & Russian protected persons are concerned.

Tel

From House Machine
Dy 4 17-1-18

OK

P.C. Shreeg Itapans M 1 Jan 6 ⁴⁷.

Sumberg left Roachine with

463 mules laden with arms on

July 15th. He stopped a very

short time here & is reported to have

conducted his operations with extraordinary

secrecy which deceived nobody but produced

various extravagant rumors of contemplated

action by Swedes & by P.G. latter

by active is sometimes. There sometimes

Swedes while the rumors are in that

time & Swedes inspired by rumors are

turn against Peruvians. do add that

Peruvians is acting treacherously under

eyes of Swedish Government.

My Russian colleague has manifested
keen interest in Swedish movements &
frequently asks me for news on this subject.
Tomorrow Minister speaks at Bazaar
Abingdon

File 10 of 31-1-75

B) Uxor Baskin

Proclamation Thru 1 & 1

Line to 22 C

Principal officers in matter of
Mrs. Fernon talk are both Swedish
& Kellander. Fernon has left - staying
for Thru & latter has fallen foul of
My - Prodigy - a man who 7 days ago
departed from Mrs Prodigy - a Swedish
man who empies himself to his work

Tal

From Turkey Alm

7/13-1-15

Similar incidents to one reported in the 20 have occurred in north Italy. Ascheron seems to have lost his head & is he seeking to wreck his own work whilst doing as much harm generally as he can. We hope to get rid of him soon but this must be done in such a way that we cannot call all Swedes to follow him.

Belgians are naturally up in arms & see a political design in General's madness. I doubt this shows his inflexible brain may well be spurred on to be troublesome by Turkish & German advice:

Wahward shiriaz reported
Rushine

Tel PD.

From Trenchy Pm

Dh { 3-3-15

23 Substantive of your tel 32 repeated
to Sir & fully with following addition

It would appear to me a most
unfavorable moment - to charge foreign
officers of Gunderman. British officers
are probably not available & imposition
of them on Peria at present moment
would make a bad impression. Task is too
big for one American officer.
? I venture to deny suggestion that Swede.
won't in side any pecuniary assistance.

Private

5 July 1915

My dear O'Connor

For your information private & confidential use if necessary! from our books I find that Major Bravil^{ly} has remitted one way & another during his stay in Thiaz for his private use the following sums:

Confidential

Thiaz

19th July 1915

My dear O'Connor

The following are the figures of actual deposits made by the following Gendarmerie Officers with the Thiaz Branch of the Bank. Of course some were here comparatively a short time.

Yours sincerely
MacGregor

Forbes, Thomas
Cass & Co.

To Hon. Mr. Minister
Paris

Cass & Co. who in
- Paris & Co. unusually inferior
type, even if - London

of course

British Legation.

Tehran. 17 May 1915

My dear Ofanna, (may I do not the Major?)

We continue that
your for: fer: has got to be got rid
of, & I have been hammering at
it since my arrival.

Yours very sincerely

C. M. Harling



British Legation
Tehran

June 20, 1916

My dear Buchanan,

Many thanks for your letter of May 22

(received June 17), and enclosure of May 11.

I am not surprised to learn that the Zil retains his anti-Bakhtiari sentiments, but it is a bit of a shock that he should air them at Petrograd only ten days after protesting in London that he loved them as his children.

I fear very much that we have to be prepared to see the Zil more friendly to the Russians than to us, but we must keep the pretence of seeing in him a "gros bonnet" enjoying and deserving equal favour from both Powers.

Sir G. Buchanan, G.C.B; G.C.M.G; G.C.V.C.

&c.

&c.

&c.

I have no belief in Korostovetz. Everyone here describes him as impossible to get on with for long, the kind of man who acts out of "cussedness" and for the pleasure of doing what no one else would do. I knew him in Rio years ago, and have pleasant enough memories of him there, but no one here seems to regret his departure, least of all his own Legation! He will not help us at the Russian Bank, and his idea of cooperation between the Banque d'Escompte and the Imperial Bank of Persia will merely be that the latter should share its good business with the former, which if it were a private institution would have gone bankrupt years ago.

Yours very sincerely & with
best regards to Lady Leypina

C. M. Marling

Hjalmarson sent an impudent letter a few days ago to Korostovetz which Korostovetz showed to Townley wherein Hjalmarson said that unless the Russians wanted to cause a clash they had better leave the gendarmes at Kazoine alone: Townley said to Korostovetz "Do your best to get Hjalmarson out at once and I will give you my full support."

and ^{6.}very reliable sources I learn that Hynsine, Treasurer General, will do his best in the next few weeks to prevent the Swedes getting any money for the gendarmie so as to force all of the Swedes to go: all of the active

Townly said yesterday that your god. was only worried about Persia's actions on the ground of the effect Persia's entry into the

war might have on Afghanistan: that if Persia did go to war in all probability Russia would let things slide, ^{and would withdraw from Persia} and that after the war both Russia and England would settle with Persia: that if Afghanistan revolted the Indian govt. planned to withdraw to the plains of India and there await and give battle to the Afghans

Sincerely yours,
J. N. Merrill.

I am afraid
this policy of letting the Persians
do as they please may cause them
like all Orientals to mistake kind-
ness for fear and proceed to take
affairs in their own hands to
the detriment of both Russia
and England.

Teheran is quiet. The gendarmes
are having a hard time to exist at all!
they are getting for all the gendarmes
here from one to three hundred
a day (Fridays and Mondays
excepted!!!) It is a ~~slow~~ process but
they are slowly being strangled.

Last night Kerr said that they would now "see the gendarmes

in huggary" ² before they would let them get a shie of English money.

I told Kerr last night that I was very suspicious of the dealings of Churchill with the Persians in regard to the removal of the G. g. of Fars: Kerr said he knew Churchill got bribes:

H.M.S. Northbrook
Persian Gulf.

VICEROY'S CAMP,
INDIA,

Febr. 9, 15

My dear O'Connor

VICEROY'S CAMP,

INDIA

- & the good luck - which have distinguished the Mesopotamian expedition so far - the exact anti-podes of the E. African fiasco. Our troubles will I fancy, begin with the climatic conditions during the hot weather & with the administrative questions which will have pretty soon to be faced. & though Mesopotamia must obviously be an Indian appendage, it would be I think, a deplorable mistake to import hard & fast methods of Indian bureaucracy. One point

Yrs very truly Valentine Christ



Private.

DELHI.

7. 12. 14.

My dear O'Connor

Many thanks for your letter
and most kind congratulations on my
acting appointment as Foreign Secretary. If
there is India things are going fine - though
there is a good deal of smoldering Muslim
feeling - and the Sikhs & seditionists are
restless. The Frontier is going fine - though
there has been an expedition in the Pooni.

The Amir has kept Afghanistan as a whole
fine all will be well. He is doing his
best - but he is up against a good deal
of hot-headed fanaticism & Turkish intrigue.

Yours sincerely,

A. H. G. G. G.

Private

British Legation. April 7. 1915.
Tehran.

My dear O'Connor,

Well, my time in Persia is coming rapidly to an end and in a little more than a week I turn my face homeward and the so-called land of the Rose will see me no more. I am going home on leave granted me in most encouraging language, but without my having asked for it, and because Korostovetz and I could not hit it off. Who could hit it off with poor old Korostovetz? Anyhow I am going and of course I have no intention of ever returning though I am nominally going on leave. I have been expecting this termination to my sojourn in Persia for some time, almost ever since I came here, because I felt sure that our friends on the banks of the Riva would get tired of somebody who would not let down

and see them quickly about all Persia. Azerbaijan was bad enough but not nearly sufficient for the Muscovite appetite, and after having a good bite at Isfahan the scheme was in course of elaboration to lay hands on Fars through the same channel as they had tried to incorporate Isfahan in their sphere of complete control. The only thing to do to check them was to carry the war into their own stronghold, Azerbaijan, to make them hold their hand in the centre and south. This I did to some purpose and got them much on the raw by showing up various of their scandals. Two things they could not forgive, (1) the appointment of Samsam to Isfahan which served to show up the hollowness of their position there. It will take them some time to reestablish it, though dear old Grahame will help them all he can by his blunders. (2) The presence of the Imperial Bank in the Russian zone as the agency through which the revenues were transferred to Tehran. They won't shake

صورت

غین اسنادی که در این کتاب بکار برده شده است

(ترجمه از اصل انگلیسی)

4

1

1 1
1 1

1

1

1

1 1

1

1

1

1

متحد المال محرمانه وزیر مختار انگلیس در طهران سیر والتر تاوانی
بقونسولهای انگلیس در ولایات ایران مورّخه ۲۳ مارس ۱۹۱۴ [۲۵ ربیع الدی
۱۳۳۲] حاوی یک ضمیمه ملفوف (شرح ملاقات نقل از روز نامه «رعد»).

متحد المال نمرة ۱ طهران ۲۳ مارس ۱۹۱۴

خلاصه اوضاع سیاسی ایران را که در ذیل دیده میشود باید بقونسولهای
ادیس در اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد، کرمان و بوشهر فرستاد تا
از آن مطلع شوند و خیلی محرمانه است. در صورت امکان هر ماه یک چنین
متحد المالی فرستاده خواهد شد هر چند تا امروز نمیتوان یک موعد معی برای
این مسئله قرارداد.

اوضاع سیاسی از این قرار است:

امور ایران باعث بعضی مذاکرات مخالفت آمیزی بین روس و انگلیس
سدهاست. ارتباط این دو مملکت در اینجا بآن صمیمیت و یگانگی قدیمی نیست.
وزیر تزه روس در حرکات خود قدری غریب بنظر میاید (رجوع
کنید بآن ملاقات در روزنامه ایرانی که سوادى از آن لقا میفرستم). ما از عین
الدوله و قراسوران و بختاریها حمایت میکنیم. روسها حالا بر صدّ عین الدوله
هستند. مذاکره این هم هست که قراسوران را بواسطه برداشتن آنها از شمال
ایران کمتر کنند. روسها بدوستی ما نسبت ببختاریها بنظر حسد و رقابت
مبگرند. ما عین الدوله را در سر کار خودس نگاه داشته ایم و او از برای ما
همه کار خواهد کرد. دولت انگلستان فعلاً در خصوص قراسوران در
اظربورغ مسغول مذاکرات است و میل دارد که قراسوران در همه نقط
ایران وسعت گردد. روسیه مایل است که بر بریگاد قزاق افزوده شود و در

فراسوران ک دستۀ ۱۲۰۰ هری مروخرد فرستاده است. نظام
السّله سمب حکومت لرستان و عربستان نامرد سده و بدالحا حرکت میکند.
سحبّاریها وعده داده سده که در ماه آوریل پردرا ناها بدهد. نایب را کم کم در
کاسان خوف گرفته است چه وی دائماً پیش از پیش محصور میشود. نایب
از دولت ایران استدعای احارۀ سفر کریلا نموده است.

ادارۀ فراسوران ستارگی جد صاحب مصب ناصهها فرستاده است رای
آنکه کارهای آبخارا توسعه بدهد.

اوصاع فارس کما فی السّابق اسباب سوئیس است. قونسول انگلیس التّه
در موقع لزوم عود خود را بکار خواهد برد. حکومت حاکم حالّیۀ آخا
رای ما تنحّی حونی نداد و باید کسی دیگر پیدا کرد که بیشتر تابع باشد. وزیر
مالیۀ حالّیّه -- میآید که سپر مناسب نباشد و چون او ر صتّ عین التّوله
است عیب او از نایب عین التّوله قوی تر خواهد کرد. اتفاقات اخیرۀ
کارروان و کشته شدن اسفناک یک صاحب مصب سوئدی امید است که نتایج
و جیمی بداسته باشد هر چند که اعتسّاس هور تمام نشده است.

تصوّر آنکه ساه مخلوع دوباره مراجعت کند اسباب سوئیس شده است.
کن دوات روس قول حتمی داده است که از طرف روسیه ناو کمک نخواهد
سد. احتمال می رود که سالار هم دوباره برگردد.

خلاصۀ مضمّن ساسی در روزنامۀ رعد (۱) شماره ۳۵ ۴۱ مورّخۀ ۱۰ مارس ۱۹۱۴
| ۱۲ | ربیع الای ۱۳۳۲ |

در جواب اس سؤال که حصائل حمیده و اخلاق ایرانیان چیست وزیر
عمودند ایرانیان مردمان مهربان و مهمان نوازی هستند و برخلاف آنچه وی
ساسا تصوّر میکرد ایرانیان به متعصّب و به ر صتّ از و ناها ممانند. ولی ایرانیان
کارکن نیستند و بیکاری را بر کار کردن ترجیح میدهند.

(۱) اینمخانه اصل و رسی اس شماره روزنامه رعد دست نامد تا عین عار و فارسی
خود رعد نقل شود لـ ۱- ترجمه از آلمان و انگلیسی آکده سد -- حاسیۀ مترجم

محرر رورنامه از وزیر حواشی کرد در صورتیکه ممکن باشد وزیر از سیاست دولت روس توضیحاتی بدهد. وزیر افسوس خورد که این توضیحات را نمیتواند بدهد ولی وی مأمور شده است که روابط دوستانه بین ایران و روس را محکمتر کرده و در انجام تشکیلات جدید کمک نماید. محرر رورنامه بعد از آن سؤالاتی کرد در خصوص تصرف سال ایران توسط قشون روس. وزیر اظهار کرد که وی در قدار آن است که قشون روس اراضی ایران را تخلیه نمایند. اعلیحضرت امپراطور روسیه و وزارت خارجه هم او را مأمور کرده اند که هر راهی برای رسیدن باین مقصد متوسل شده و حد نماید. نایب السلطنه قفقاز و رئیس اوررای سابق هم نه حالیه وزیر مالیه است با او در اس عقیده همراه هستند. بهتر آن بود که پنج ملون مانی که برای قشون روس در ایران مصرف میشود در راه ترقی و تمدن روسیه مصرف میسرید.

سؤال دیگر محرر رورنامه در خصوص شاه مخلوع بود. سفر در حواب گفت که شاه مخلوع بتارگی با طربورع رفته است برای آنکه کمک و حمایت دواب روس را برای مراجعت خود بایران بدست بیاورد. اکنون بشاه مخلوع گفته شد که باید وی حال مراجعت بایران را بکلی از سر خود برون کند. سفر روس یقین داشت که ادارات روسی هیچوقت بساه مخلوع مساعدت نخواهند کرد.

از سایر سؤال شد که آیا او تصور میکند که مسروطه ایران مانی با منافع سیاسی و تجارتی روسیه باشد. ایسان در حواب گفتند از آنجائیکه دولین همجوار مسروطه ایران را تصدیق کرد داد ابد صدیقی با آن ندارد لکن خیال آنها فقط از این حب در سویش است که ممکن است بممکت ایران دوباره یک شکل هرج و مرجی پیدا کند. در صورتیکه هرج و مرج و اعتنائس بسود آتوق دواب روس در مسروطه و فواین محاسن نعیری خواهد داد.

در خصوص عهدنامه ۱۹۰۷ روس و انگلیس سه بر اطنبار داشت که اولین مقصد ما آن بود که تمامت ممکت ایران را نگاه داریم ولی بعدها این عهدنامه چه اثری برای ایران خواهد داشت از حالا غیر ممکن است بشی کرد یا در آن

بان خبری گفت. ایراسها باید مافع سحصى را کنار گذاشته بوطن خود
بردارد. يعين است که در ايران اشخاص لاق و ححره يافت ميشود که
در روسته هم مامد آنها پيدا نميشود. اگر ایراسها خود قابل آن ساسد
که مملکت خود را اداره کسد آبوقت بالطع اتفاقات غير منتظر روى
خواهد داد.

محر رورنامه از سفر در حصوص ساست دولت روس در مصفئه
بطرف سؤال کرد. سبر در حواب گفت یک ساست معنی در لمار
یاس.

در حواب سؤال محر رورنامه در حصوص قراسوران ايران سفير گفت
که صدیى ما قراسوران در مسال ساس. در اول جين گفتگو بود
که قراسوران فقط برای امنيت راهبای ايران تأسس سده اسب. آن نقشه
حالا نکلی هم حورده وامرور سب آس است که قراسوران در آيمده یک
قشون بزرگی خواهد سب. لهذا لازم اسب که وی در اين حصوص با دول
ايران و انگلس و سوئد مذاکره نماید.

در حصوص قرص بزرگ ايران سفير قول آرا بسته دو سراط میداند:
اول- تعين بودحه.

دوم- صفئه مسئله راه آهس.

دول انگلس مل دارد که راه آهس سرتا سبر ايران از سمال عربى بطرف
حوب و حالح فارس کسبه سود، در صورتیکه دولت روس مایل اسب که
راه آهس از سمال عربى بحوب سرقى ساحته سود.

در حصوص حاحى سحاع الدوله و آذربايجان سبر روس اظهار داسب که
تسب سحاع الدوله قابل آن است که نظم و ميپ را دوره در بزر و
امل آذربايجان بقرار کند.

متحد امال وریر مختار انگلیس در طهران سیر والتز تاوولی قوسولهای
انگلیس در ایران مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۱۴ [۲ شعبان ۱۳۳۲] .

شهرار

محل مهر سفارت انگلیس

حیلی محرمانه

متحد امال ممره ۲ قلهک ۲۶ ژوئن ۱۹۱۴

رجوع شود متحد امال محرمانه من مورخه ۲۳ مارس .

با ردیک سدن دور تاحکداری اوصاع بایحت حیلی تاریک میسود .
دولت در هاب تگدستی و صیق مالی است و هیچ معلوم ناس که ار چه مبی
بون میتوان بدست آورد . دولت انگلیس سطر مآید که حاضر یست هبحوحه
کمکی کند . ار آنطرف دول ایران هم هیچ مل ندارد که ار روسیه تقاضای
کمکی نماید چه ار آن میترسد که بار روسیه در مقابل مدد مالی امتاراتی حد
در حواس کند ار قسل کشتیرانی در دریاحه اورمه ، تحدید لیلر در حد
سرحدی ایران و روس در ردیکی صخرای معان ، امتار بعضی آبیاریها و
واگذار کردن بعضی اراضی روسها ، علاوه امتیار آاداری کارگزار که بایست
آب رودخانه کارور را ر یک مبی ردیک کوه رنگ رگرداییده بدست
اصقان بیدارد .

کایه ورا در حصوص حل بعضی مسائل سرگردان هستد و مخصوص
مندامد محه سکل ر صد مداحلات روس در ایاب آدریاجان روس کند .
حکامه نا حمایت روس خود را بکلی ار حکومت طهران محرا کرده و مستقلا
کار مکند و حوال قوسول روس هم در آنجا بحکم سرر بورع ار اتناع روس
یا کسانی که در تحت حمایت روس هستند و یا کسانی که املاک خود را باین قل
اسخاص احره داده اند مالیات مگردد . اس شکل مالیات گیری در بعضی
سائط دگر واجعه در منطقه روس بیر احرا سده است . بعضی ادارات بستی

هم از طرف روسه در طهران و تبریز و چنانکه شنیده می‌شود در مشهد هم افتتاح شده است.

احضاری که از ایالات می‌رسد مسعر است که احتمالات خیلی تنگانی بین می‌برد. هیچ امید است که در موقع تاجگذاری عده نصای از اعضای مجلس حدید در صهران نتواند حاضر باشد، شاه در حضور آنها وفاداری مشروطیت قلمداد کند. لهذا ایستور بپسند شده است که شاه در حضور یک عده محتاطی از وکلای محاسن قدیم و مجلس حدید قسم بخورد. و این هم یک عملیه مشکوک است چه ممکن است در آمدن اسباب گفتگو در مسروعات تاجگذاری گردد. بایب الساطه مصمم است که پس تاجگذاری را تأخیر بیندازد و خیال دارد که فوراً بعد از انصاء مراسم تاجگذاری مسافرتی ماروبا نکند. هنوز معلوم است که او این کابینه دولت تازه را که تشکیل خواهد داد. روسها از سعد الدوله خیلی حمایت می‌کنند لکن احتمال قوی می‌رود که شاه حوال مستوفی الممالک ترجیح دهد.

تصویر می‌رود که لندن و بطرربورج امروز در صدد آن هستند که یک تجدید امر اساسی در مسئله ایران کرده و معین کنند که محه سکلی ممکن است معاهده ۱۹۰۷ را تعبیر داده آرا محکمتر کرد. نا نا اوضاع امروزه مناسب تر گردد. لزوم این مسئله مسلماً آن قداماتی است که روسه در این اواخر در شمال ایران کرده است و تا اندازه هم سایا بواسطه قراردادی است که حدی یش دولت انگلستان و اسرک نفت انگلیسی و ایرنی، [آنگلو پرس و ل کمنی] بسته است و نا واسطه دولت انگلستان در حوال ایران وظائف و مسئولتهای تازه پیدا کرده که باید از آنها حمایت کند.

از فرای هم‌محو معلوم می‌شود که بعضی از ایالات عمده حوال سعی می‌کنند که با کدیگر متحد شوند گویا عتبات آنکه تصویر می‌کنند که ممکن است حد از تاجگذاری بعضی بعیرات در شمال ایران روی دهد و می‌ترسد که آن بعیرات بعد از صد مافع آنها نباشد. و بر این فرای معلوم می‌شود که بعضی از این ایلات مایلند احل یک ارتباط ردکی با دولت انگلستان بسود.

امضا و. ترس

متحد المال محرمات و ریر مختار انگلیس در طهران سیر والتر تاوولی فوسولهای
انگلیس در ایران مورّحه ۲۲ اوت ۱۹۱۴ [۳۰ رمضان ۱۳۳۲].

حلی محرمات

متحد المال عمرة ۳
فلهک ۲۲ اوت ۱۹۱۴
متحد المال محرمات من مورّحه ۲۶ روئس.

تاحکداری بدون هیچ اشکالی انجام یافت. از آنجا که عدّه نصاب ۷۰ نفر از
وکلاي مجلس حدید در طهران حاضر بودند شاه قسم نوفاداری ممتروطت را در
حضور ۶۸ نفر که میگوید از (۱) وکلای مجلس قدیم بودند خورد. مسروعیب این
عمل را بایطور تأویل کردند که نطق یکی ارموات قاپو اساسی وقتی که نادرشاه
در موقعی وفات نماید که مجلس حدیدی هورگرد سامده اسب شاه تازه باید
مسمرا در حضور اعصای مجلس قدیم یاد کند. تشریفاتی که در موقع تاحکداری
بعمل آمد حلی ساده بود. حیر تازه فقط مهمائی بود که شاه رؤسای
سفارتخانههای خارجه و حامهای آنها داد. تمام سفرا باستثنای ساردان ایتالیا
یک مکتوب فوق العاده ۶۹۱۵ (۲) داشتند که بموجب آن رؤسای دول متوعه
ایشان آنها را رای این موقع سب نمایندگی فوق العاده اعط کرده بودند.
ولعهد و وررا و همجن سموی شاه بصره السلطه در این مهمانی حضور
داشتند. بعد از تاحکداری علاء السلطه در سرکار خود باقی ماند آکن و ریر
خارجه و بوق الدوله استعفا داد و باس جهت تمام کارهای مهم در هج و
سویق افتاد.

چند روز قبل کابینه حدیدی راست مستوفی الممالک تشکیل شد. علاء
السلطه وزارت خارجه را در عهده گرفت و خود رئیس الوزرا وزارت داخله را
دارد. مابقی اعصای کابینه درجه اهمیتشان کمتر است: محتسم السلطه و ریر

(۱) در اینجا در اصل انگلیسی علامت اسمی است اس از فوسول انگلیس در سرار
کویا اینجا کلمه بوده که نواسه رمز آرا حل نماید
(۲) اوکور نواسه اس رمز را حل نماید

مالیه است، صاحب اختیار وریر حگ، دکاء الملک وریر عدله، مهندس الممالک وریر تجارت، شهاب التوله وریر فواید عامه و نست و تلگراف. مناسبت فقدان پول و اوضاع مشکلی که بواسطه روسیه پیش آمده است رئیس الودرا نتوانست همکاری بعضی از سیاستیون قاضی را که در موقع قبول ریاست و در در نظر داشت بدست بیاورد.

مسئله ماله کما فی السابق باعلی درجه سخت است. حرايه بکلی حالی اسب و بصور آن هم که با اوضاع امروزه در اروپا ار حکا، ۸۸۰۰ ۸۱۰۸^(۱) بتوان بول بدست آورد لغایت دشوار. صاحب مصان سوئی لایققع شکایت میکسد که اگر ناآها پول رسد آنها دیگر نمیتواند مسئولیت حرکات تاهیهای خود را تعهد بگیرد و تهدید میکسد که اگر منظمأ بول ناآها برداخته نشود از رولت سوئد تقاضای احصار خود را خواهد کرد. دولت سوئد که با دول انگلس قراردادای دارد که بموجب آن صاحب مصان سوئی تا ماه مارس آینده باید در ایران تمامد این اقدامات تهدید آمیرا ناسدیده است. ولی بصور آن مشکل است که این خدمت نظامی را چطور میتوان تعقب کرد اگر وحوه لارمه رای آن بدست بیاید. قراردادای که مابین دول سوئد و دولت انگلس بسته شده مفادش این است که از حالا الی مارس آینده حدودی رای عملیات قراسوران موافق رضای روس معین گردد و مسئله ماله آن ر روی تک پایه مستحکم می هاده شود. دولت انگلس ۵۰۰۰۰ لیره رای مصارف قراسوران در فارس و کرمان مساعده داده است.

اقدامات اداره ماله بواسطه حرکات قوسولهای روس در منطقه نفود روس سی دشوار شده است. مالیاتی را که روسها و کسانی که در تح حمایت روس هستند ۹۶۳۸^(۱) باید بدهد و همچنین درآمد دهاتی را که اسخاص فوق مالک هستند یا در احره دارند قوسولهای روس گرفته و سام دواب ایران ساک روس بخویل مدهد. لکن از رمان که این پولها گرفته شده تا امروز یک دیار از آن نكسه دوات ایران داخل نشده اسب. قوسولهای روس در

(۱) قوسول انگلس در شزار اس ارفام رمردا از متحد المال ولی حواسه حل

ادارات ولایاتی که در آنجاها اتباع روس یا کسانی که در تحت حمایت روس هستند مالک یا احارہ دار اراضی ناشند کاملاً مداخلہ میکند.

مراسلہ حرال قونسول انگلیس در اصفہان ح. کراہم بسیر والر روس
مورخہ ۲۵ دسامبر ۱۹۱۴ [۷ صر ۱۳۳۳] .

سزاد

قراسوران راه بوشهر و شیراز و اصفہان

ملاحظات در خصوص اصفہان ۲۵ دسامبر ۱۹۱۴

آقا

چون اخیراً (یعنی از ۲۷ نوامبر تا ۱۸ ماه جاری) با کاروان در راه بوشهر و شیراز و اصفہان که با آن راه یا قسمتی از آن من در مدت خدمت خودم در شیراز کاملاً آسا بودم — سفر کردم گمان میکنم که شاید آنجا من از اوضاع حالیه آن فهمیده و دریافتم با مقایسه اوضاع همان راه در عرض مدت سنہ ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۸ در این موقع حالی از فایده باشند. لهذا بعضی ملاحظات را در آن باب تعرض حضور عالی میرسانم:

شیخ مسالعه نیست اگر گفته شود که راه بوشهر و شیراز و اصفہان حالا خود راندازمیری است زیرا این قوہ چنان راه را کاملاً استیلا کرده که تمام قوای دیگر را محو یا در خود مستهلک گردانیده. اینجا و آنجا گاهی چند نفر تفنگچی دیده میشود که هنوز برای خود می لنگند و یادگار تریات سابق هستند و حالا فقط تابع ترتیب قراسورانی می باشند و عقرب کاملاً ارمیان میروند. حواین محلی بکلی صاحب السعاع افتاده اند و مناسرین و نابالحکومه ها در معاملہ خود با اهالی نواحی خود تابع قوی ر حورده اند.

در جواب احصاری که از جانب البور دولت انگلیس درباره عریمت من ر بوشهر در ۲۷ ماه گذشته محاکم صادر حلب فارس سده بود حاکم بایورورا مصاع صاحب که فراری داده خواهد شد که من همه ح در تمام خط بوشهر

و شیراز از هر قراولخانه تا دیگری یک نفر قراسوران مستحفظ همراه شود. بحر از یک منزل همه جا این حکم کاملاً بموقع اجرا گذاشته شد. قراسوران یا قراسوراهای مستحفظ من (ریرا که اغلب بیشتر از یک نفر بودند) گاهی سواره و گاهی مثلاً در کُتُل پیاده بودند. همیشه قراولخانه که بایستی در آنجا مستحفظین عوص شوند ردیک میشدیم این قراسوراهای عموماً از من مرخصی میخواستند که بروند و بجانشین خودشان خبر بدهند که حاضر باشند. در هیچ قراولخانه هیچ تأخیر و معطلی واقع نمیشد و هیچ نوع توقّع انعام و بخشی به مستقیماً و به غیر مستقیم نبود. در یک مرتبه که میخواستیم انعامی بدهم ردّ شد. اغلب من از قراسوران مستحفظ خودم دربارهٔ سنّ و مسقط الرأس و مدت خدمت او در قراسورای و هكذا سوالات می کردم و باین طریق می خواسته چیری از اظهار حسّیات آنها نسبت نادارهٔ خودشان دست بیاورم. و در بعضی مواقع دیگر من بمداکرات عذیده آنها در بین خودشان زبان ترکی گوس دادم (ظاهراً اگر قراسورانهای فارس اهل آذربایجان یا از ایلات ترکی ر.س. فارس هستند) بطوریکه آنها ممکن بود حصال کنند که من آسانان زبان هستم. خیلی شکایتها سیده میشد خصوصاً در حوب شیراز در خصوص عقب افتادهٔ حرج لباس، دربارهٔ مرخص نکردن در انقضاء مدت خدمت، دربارهٔ صرفگیری و واسطه راسی در ترقی منصبی. و درخصوص عقب افتادهٔ حقوق قراسوران. این فقره اخیر یعنی شکایت اربانت حقوق عقب مانده غالباً در قسمت میان بوشهر و کاررون بود که در بعضی جاها بعضی از قراسوراهای بطور فعی میگفتند که سه ماه است حقوقشان تأدیه نشده. احساسات افراد سبب صاحب مصفا سوندی خود عموماً حوب مصر میآید (مازور لوبدرگ در کاررون و کاپیتان چیلادر در آناده طاهرا اولین درجه در محبوس اتوم هستند).

تشکیلات قوهٔ قراسورانی در حورهٔ فارس باطر میآید که خیلی کامل است. قراسوراهائی که تقریباً در همهٔ قراولخانهها رای سلام دادن بیرون میآمدند که هئت متبی بسان مدادند اگر گوئیم که کاملاً همان رنگی که ما قاعدهٔ بصور مکسر بود. در بعضی مواقع مثلاً در برج ورداه و پردیس مرا - سوت

کردند که قراولخانه یا مرل قراسوران را تفتیش و تماشا کنم . نمونه نظم و ترتیب آنها یک تصادّ خوش آیدنی با اهل کاری و بی‌مالاتی معمولی ایرانی نشان میدهد . ترتیباتی که برای صاحب مصالح و افراد درست کرده بودند خوب بنظر آمد ولی ترتیبات طویلۀ اسباب تمام بر عکس بود چونکه در اکثر مواقع آخورداران ترتیب معمول ایرانی را و نگهداری کرده بودند و آن ترتیب عبارت است از اینکه نگهدارنده در طول به هیچگونه روشنائی و هوا داخل نشود برای اینکه در هواهای سرد که حرارت بسیار زیادی تحصیل کرده باشد .

در تمام عرص راه از بوشهر تا اصفهان امنیت کامل برقرار بود و از هر کدام از اهالی آن حوالی که در ناره تأییدات اصول قراسورانی رسیدیم اظهار کمال رضایت و امیدواری میکرد و اوضاع حاضر راهها را تمام بر خلاف اوضاعی که پیش از تشکیل این فوج بود میدید و در مقابل اصلاحات زرگری که این فوج بعمل آورده اظهار امتنان مسعود .

من اطمینان پیدا کردم که عارت و چاول در همه قلمرو عملیات قراسورانی کلی حتام بدیرفته است .

در خصوص احترامات و مواظبتی که از طرف قراسوران (مخصوصاً از طرف کاپیتان حیلاندر در آاده) در حقّ شخص خودم در عرص مدت آن صاحب عمل آمد هر چه تعریف کنم کم است و سایر ساحان انگلیسی که تقریباً در همان موقع از ابراه گدسته بودند عین احساسات مرا اظهار کرده اند . من بمناسبت این فرصت مادرب کرده نکایتان حیلاندر (که حالا در اصفهان است) تمجیدات خود را در ناره قراسوران بیان نمودم ولی میخواهم بپسهاد بکنم که - اگر مناسب ندانید - ممکن است سخنان من شجرا و سراسور هم تبلیغ مسود .

با کمال افتخار خدمتگذار مطیع و حقیر حصارعالی هستم

امضا : ح . گراهام

تلگراف قونسول انگلیس در شرار مازور اوکونور سفارت انگلیس در
طهران تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۱۵ [۱۹ صفر ۱۳۳۳].

تلگراف س. د.

۱ - برودروم طهران. (۱۱)

۲ - بوکس نوشهر.

۶ - ۱ - ۱۹۱۴ (این تاریخ سهوی است

ار اوکونور. ناید ۱۹۱۵ خوانده شود).

ماده در راویس امروز مرا مطلع ساخت که کابیت لوندرگ و توس
که قرار بود فردا از شیراز اطراف طهران حرکت کنند الآن مأموریتی از طهران
برای ایشان رسید که برای حمل یک میلیون فشگ و بعضی کارهای دیگر سوشر
ناید ورود

طهران محاصره شده در ۴، تکرار شده سوشهر ۱
اوکونور.

تلگراف حیرال قونسول انگلیس در نوشهر بوکس سفارت انگلیس در
طهران تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۱۵ [۱ ربیع الأول ۱۳۳۳].

تلگراف س. د.

از طرف بوکس. نوشهر ۱۷ - ۱ - ۱۹۱۵

سواد تلگراف شیراز ۱ ژانویه ۶

لوندرگ در ۱۵ ژانویه از نوشهر ۵۶۳ قاطر که بار دحیره داشتند
حرکت کرد. وی مدت حلی فلیلی در ایضا اقامت نمود و اقدامات خود را بطور
حلی محلی کرد که اسباب شبهه هیچکس نبود. آنک بعضی حرفهای عجیب و
غریب در قواه منتشر شده است که سوتندیاها دولت ایران معاً نقشه ریخته اند.
و گفته میسود که مقصد ایرانیها از این نقشه یا عثمانی است یا روس. از طرف
دیگر مسهور است که عثمانیها و سوتندیاها تحریک آلمانها بر صد ایران اقدامات

(۱۱) رمز تلگرافی سفارت انگلیس است مخصوص موقع حک

میخواهد بنماید. علاوه سیده میشود که یلمارس نامر دولت سوئد اعمال حیات آمیری در نظر دارد.

همکار روسی من اهمیت زیادی بحركات وسكنات سوئدینها میدهد و اغلب در این خصوص از من سؤالات مینماید.

محاره سد نوریر مختار. تکرار سد نصره و سیرار و هندوستان.

تلگراف سفارت انگلیس در طهران بورار خارجه در لندن.
(۱) ۳۱ ژانویه ۱۹۱۵ | ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳.
تلگراف س. د.

ار حاب تولی صهران ۲۳ ۱-۱۹۱۵

اگر هم حواب دولت روس جندان مساعد باشد نار من حلی اهمیت میدهم که ما هر نحو هست از دولت سوئد احاره بگیریم که مارور فولکه و مارور کارلبرگ یا مولر در ایضا مانند تا چنانکه باید و شاید مراقب راه اصفهان-نوسهر باشد. قرار دادهای دیگر هم اگر لازم باشد ممکن است بعد از حگ ترتیب داده شود. راه امرور ککلی نار است و از قرار راپورت ادارات گمرکی نوسهر عایدات گمرک رو ترقی است. تمام جای که معمولاً از شمال مآمد امرور از جنوب ایران داخل میشود. تصور میشود که اگر عدی صادرات از حواج ضروریة یومیة در هند ردائنه سود قد هم همین حال را پیدا کند. بدین شکل گمان میشود که اگر امنیت راههای تجارتی همنطور گه داشته شود یک قسمت زیادی از تجارت معهود ما محتداً روی کار آید. من تصور میکنم که اگر صاحب مصان فابی در سیرار ریاست را در عهده داشته باشد امنیت مذکور برقرار خواهد ماند.

محاره سد بورارت خارجه (۲).

(۱) در اصل اکیسی اسطور است ولی طاهرا سهواست و صواب ۲۳ ژانویه است چنانکه از سطر بعد و ارض ۷۲ سطر ۶ واضح میشود - مترجم
(۲) یک سوادى از اس بلکراف هم بدست ماژور اوکوبور فونسل سیرار رسد

تلگراف قونسول انگلیس در شیراز مازور اوکوتر سالیور انگلیس در بوسهر
و سفارت انگلیس در طهران تاریخ ۳۱ رابویه ۱۹۱۵ [۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۳] .

۳۱ - ۱ - ۱۵

تلگراف س . د .

۹ - ۱ - بوکس در بوشهر ۸

۲ - پرو دروم در طهران ۱۲

راجع تلگراف شما مورخه ۲۲ ماه حالیه

مهم ترین مقصود در شایعات آلمان دوستی کابین لویدرگ و کایتس چلادر
هستند. لویدرگ از سرار بهران رفته است و چلادر ر صد مارور راویتس
رحاسه و امید است که عقرب ار ورس خارج شود. راویتس یک آده
حسابی است که همیشه مشغول کار خودس است. من او اظهار کردم که برای
سوئدیا لارم است که یک حال بیطرفی کاملی نگاه دارند و او بکلی نا این عقد.
همراه اسب. حاکم بیر خیلی آلمان دوست است و سعی است که از آنجا احبار
آلمانی و عثمانی منتشر میسود.

احبار آلمانی و عثمانی ناسیم تلگراف ایران نا نا بس از طهران نشرار میسند.

مخبره شد بوشهر ۸ و تکرار شد بهران ۱۲

اوکوتر

تلگراف سفارت انگلیس در طهران قونسول انگلیس در شیراز و سالیور
انگلیس در بوشهر تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۱۵ [۲۸ ربیع الاخر ۱۳۳۳] .

تلگراف س . د .

۱۳ - ۲ - ۱۵

ار طرف تاوولی در طهران

اتفاقاتی شده باتفاق که در تلگراف ۲۰ اسعار کرده بودید در شمال ایران هم
روی داده اسب. حسین حطر مآدکه بالمارس عقل خود را گم کرده و کار خود را

میخواهد بدست خود خراب کند چه او در هر جا هر قدر میتواند ضرر می‌رساند. ما امیدواریم عنقریب از دست او خلاص شویم ولی باید این مسئله بطوری بشود که او صاحب‌منصبان دیگر سوئدی را با خود نبرد.

او خودش اعلام کرد که دوات سوئد تمام صاحب‌منصبان سر خدمت را بسوئد احضار کرده است. بنا بتقاضای دولین روس و انگلیس به فولکه اجازه داده شده است که در ایران بماند و ریاست قراسوران را بعهده بگیرد. لهذا برای یانارسن بسی دشوار است که باز توقف کند.

بلاژیکها واضح است که خیلی غضبناک شده‌اند و در این دیوانگی ژنرال مقاصد سیاسی حتم میکنند. لکن من خود در این خصوص شک دارم. هرچند مغز ضعیف ژنرال ممکن است که بواسطه مشاورین عثمانی و آلمانی او را وادارد که بعضی زحمتهای برساند.

مخبره شد شیراز. تکرار شد بپوشهر.

تلگراف سفیر انگلیس در طهران بقونسولهای انجلس در شیراز و بوسهر
و بصره بتاریخ ۳ مارس ۱۹۱۵ [۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳].

تلگراف س. د.

از طرف ناوایی در طهران

۱۹۱۵ - ۳ - ۳

۲۳ - مضمون تلگراف ۲۲ شما بسیر ادوارد گری تکرار شد. رجوع کنید بدو-۱۲، با ضمیمه ذیل که شروع میشود بیک عبارتی راجع بفقده اخیر تلگراف شما. اینطور شروع میشود:

این کار پیش از وقت بعمل آمده و اطمینان گرفته شده که صاحب‌منصبان سوئدی معین خواهند شد. و من چنین ملتفت شده‌ام که سوئدیها عموماً آن قدر هم آلمان دوست نیستند که تصور می‌رود. یک صاحب‌منصبی را که متهم کرده بودند که تمایلات خود را آشکارا اظهار میکند امروز با من ملاقاتی کرد و گفت که من از نژاد

فرانسوی هستم و تمام اقوام من در انگلستانند و ... (۱) از آنکه مرا بالمان دوستی منم کنند. ولی چنین بنظر میآید که همه صاحب منصبان سوئدی دشمن روس باشند.

این موقع بنظر من هیچ مناسب نمیآید که صاحب منصبان خارجه قراسوران را تغییر بدهند. صاحب منصبان انگلیسی شاید در دست نباشند و اگر امروز دولت ایران را مجبور کنیم که آنها را قبول نماید ممکن است که اثر خیلی بدی بپخشند. برای یک صاحب منصب امر کانی هم این شغل بسی دشوار است.

من این پیشنهاد را باید رد کنم که سوئدیها ... (۲) و بواسطه پول دادن بطرف خود جلب نمائیم. تقسیم پول ممکن است مثل سابق بتوسط سفارت و قونسولها انجام داده شود.

مخابره شد بشیراز. تکرار شد بوشهر و بصره.

تلگراف قونسول انگلیس در شیراز بسفارت انگلیس در طهران بتاريخ
۵ مارس ۱۹۱۰ [۱۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳].

تلگراف س. د.

به پرودروم در طهران

به نوکس در بوشهر

۱۹۱۰ - ۳-۵

تلگراف ۲۳ شما

کاملاً فهمیدم که این موقع برای تغییر دادن صاحب منصبان خارجه اداره قراسورانی نامناسب است ولی خوب است اگر سوئدیها ماندنی شدند بصاحب منصبانی که در فارس هستند فشار آورده شود که آنها نه فقط باید از روی بیطرفی تمام رفتار کنند - تمایلات و حسیات شخصی خودشان هرچه بخواهد باشد - بلکه تکلیف آنها این است که تمام دعوتهای آلمان دوستی یا

(۱) این کلمه در اصل انگلیسی خوانا نیست.

(۲) در اینجا قونسول انگلیس چند کلمه از تلگراف رمزی سفیر را توانسته است استخراج نماید.

عثمان دوستی را مابین صاحب مصان ایران و تاهای خود نیار بکند و اقدامات حدی در دفع محرکین و حفظ نظم بعمل بیاورند.
اما در ماره معاوب مالی در آینده من هم حساره عرص مکم که نا تمام غده نظر حصر تعالی موافقت دارم. صاحب مصان حارحه قراسوران هرچه باشد ما نمیتوانیم بگذاریم که قراسوران بجهت نداشتن نول را گنده و پریشان اشود. و علاوه دادن نول رای ما وسیله میسود که در تمام مسائل راجع قراسوران دخالتی داشته باشیم.

محاره سد بطهران ۳۸ تکرار شد موسهر ۲۶

اوکر ر

کاعد سمبر انگلیس در طهران سیر والتر تاوولی قوسول انگلیس در شیراز
مازور اوکونر تاریخ ۷ آوریل ۱۹۱۵ [۲۲ حمادی الاولی ۱۳۳۳].

سفارت انگلیس

محرمه

طهران

۷ آوریل ۱۹۱۵

اوکر عزیز من

حوب، مدب مأموریت من در ایران دارد سرعت محاطه میرسد و تا یک هفته دیگر بطرف وطن حرکت خواهم کرد و این مملکت که مملکت گل نامده میشود دیگر مرا نخواهد دید. من میروم بوطن خود باسم مرخصی که با الد ملاطفت امیر عطا شده اگرچه خودم مرخصی طلبیده بودم زیرا که کوروستووس و من نتوانستیم با هم راه رویم. که میتوانست با کوروستووس بیر فیر راه رود. هر حال من میروم و البته هیچ خیال رگش ندارم اگرچه اسماعیل بعنوان مرخصی موفی میروم. من حاطه باوق این مأموریت خود را در این مدتی فل مسطر بودم و تقریباً از همل وقت که اینجا هستم میدانستم. زیرا بخوبی احساس کرده بودم که دوستان ما در سواحل بوا رودی از بدن یک کسی که اینجا ساکت خواهد نشست و ساعد تمام ایران از طرف آنها تاسا نخواهد کرد سیر سد و تگ

خواهد آمد. آذربایجان عذر کافی لقمه بد بود ولی همه برای اشرفی مسکوی کافی سود و پس از آنکه آنها اصفهان را بلعیدند در حال تهیه یک نقشه بودند برای آنکه دستهای خود را روی فارس هم اداخته همان ترتیب که اصفهان را بر سر خود تمام خود آوردند. فقط چیریکه برای عقیم داشتن نقشه آنها باستی کرد این بود که حگ را در قلعه محکم آنها آذربایجان آورده و بدین نحو دست آنها را از مرکز و حوض کوتاه کرد. من این اقدام را تا یک درجه محال آوردم و از اینکه بعضی رسوائیهای آنها را آسکان کردم بنقطه حساس آنها را حوردم. دوحرا آنها نمی توانستند عفو نکند یکی تعیین مصاصم الساطعه اصفهان که سستی موقع روسها را در آنها نشان مدهد. برای آنها مدتی طول خواهد کشید که موقع خود را در اصفهان مستحکم سازد هر چند که دوست عزیز فدایی گرام برای آمان هر قدر بتواند بواسطه سهوهای خود کمک خواهد کرد. دوم وجود ناک ساهساهی در منطقه خود روس که توسط آن مالیات ایالات بتهران فرستاده میشود. آنها نمیتوانند تا یک مدت مدیدی از دست او. وود خلاص نشوند. حگ که شروع شد موقعی برای روسها بدست آمد که نشان دهد که در یک حین رمال خطرناکی از ساطع سفارتین ناید از آن رمال که من و کورستووس مصدر کار بودیم صمیمی تر نشود. لهذا ما هر دو میرویم. نه اب ساقه هر چه بوده از دور آغار حگ در واقع ما روال صمیمی و حلی ردک نا همدیگر داشتیم. همیشه در مرتضی من ماسر گت عموم ایران را محوی فهمیدند که من فدای روسها سدم ولی چون معلوم بود که من دیگر اطمینان دولت خود را ندارم خود من هم ناایسته از میان رفت. یکی از نتائج حگ این بود که تمام عالم کینه و عداوت ایرانیان را نسبت روسها بسا داد و محبت متحد بودن ما نا آنها قسمتی از آن کینه بر ما عاید میگردد. من یکی دو دفعه نامسیر الدوله بوست کرده صحت کردم و گمان مکرم که او را ترسادم و گفتم که اگر حکومت ایران رفتار خود را تصحیح نکند تحت دوسال انگلیسی خود را از دست خواهد داد. او حلی راه آمد. و حد حیرا که ار او خواستم برای رفع کردن عهده که در میان مردم ماسر سده است که

دولت انگاس در وعده‌های خود راستگو یست بخونی بعمل آورد. او ار
عزل محرم السلطه می‌ترسد چه او اینجا خیلی دوستان دارد و ار ارکان مشروعه
حساب میشود کار او (یعنی منیرالدوله) از هر جهت خیلی مشکل
است چونکه ما مجلس ملی باید حکومت کید. مجلس اگرچه د ریر نفوذ برادر
اوست ولی چنانکه منداید مجلس ایران مانند یک شخص ملون المراحی است
و هر آن ممکن است که مشاراله یک صدت برگی د مقابل خود سید.

سوئدیا شاید ار آخائیکه آلمان دوست هستند طرف میل ملت ایران شده‌اند
و کار حلافی می‌تواند نکسد. رای هر کابینه بسیار مشکل است که حداً ر صد
آنها اقدامی کید. فقط امیدی که ما داریم آست که شاید نشود توسط دولت
سوئد ار سر آنها خلاص نشویم ولی نتیجه این آن ماسود که آنها ار تمام ایران
باید بیرون بروند. آنوقت حرف در سر این مسئله اس که آیا اوصاع لاحقه
بدرتر ار اوصاع^(۱) ساده خواهد سد؟ اگر سوئدیا خارج شوند و کسی هم در
دست ماسند که حای آنها را بگیرد نامی راهها بار شروع خواهد شد. من که
ایضا بخوام بود که اوصاع را بیم چه بیش می‌آید و ار آخا که می‌توانستم تصور
کنم که شماها همه آقایان حوب این هجومهای ر صد فراسور را رورانده‌اند
بالأخره من صدای خود را محصومت نسد کردم. نظر می‌آید که لژکیها همه
روند و اوقار ار اداره ماله خارج شوند. سوئدیا در تحه این پیش‌آمد کم
نی‌تقصیر نیستند و در این موقع هجان این فقره نظر من یک بدختی اس
چه ایران نعاتت معهود بار حداً کمک مالی لازم دارد و تا وقتی که صاهتی در اداره
مالی ندس باشد و اسخاص با کفایت با سرفی در سر کار ماسند که نتواند بول را
اداره کسد واضح اس که هجکس حاضر نیست کمکی مالی نکسد. فی‌الوامع چه
کار آس‌آوری است! در اینجا حلا سه سال است که من با کمال سعی و مسف
دو اداره اروپا را نگاهداری کرده و آنها را در مسائل انواع بحرکات و
صدتتها حتی ار حالت بهتر دوستان خودم حایت کرده‌ام. اکن امروز من

(۱) در اصل انگلسی دمرد درود دارد بحای اوصاع ولی گونا سغیرا سهو ملی
دس داده اس

قدرت ایرا در حود نمی یم که در این رورهای آخر اقامت خود در اینجا یکی از این دو اداره را سر پا نگاهداشته و دیگری با تمام قوت خود یک لگدی رسم. سطر میآید این قدر رحمت و اتلاف وقت برای یک چنین نتیجه حقیری خیلی حیف بوده است. ایرا هم ناید بگویم که من مشتوام از این عقیده خود دست بردارم که این حرفها در خصوص رفتار دشمنانه سوئدنها بسبب ما مبالغه بوده اسب و ما بیش از اندازه محروم تهمت رندگان که در این کار مصعقی داشته اند گوش داده ایم. من نتجه وحیم ایرا که سوئدنها آشکارا عقیده خود را اظهار میکرده که آنها فتح خواهد کرد حوب حسن میکم. این عقده که ناصر مردم از یک مع نظامی سیرعی تراوس میکرده تأثیر زرگی در افکار عمومی از اساس ایرا داشته که معلوب کامل و حسی دشمن معور حود یعنی روسها را با کمال شفع قل الوف ناور کرده اند. در حاتم کاعد تشکرات صمعی خود را از مساعدتهای صادفانه بها اظهار داشته و امیدوارم که رودی سمارا در انگلستان یا اقلا در فرکستان ملاقات کنم

احد ص - -

والتر توبلی

کاعد سیر انگلیس در طهران مارلیک قو سول انگلیس مارور اوکور در
شهرار بتاريخ ۱۷ مه ۱۹۱۵ [۳ رجب ۱۳۳۳].

سارت انگلیس صهرار ۱۱ مه ۱۹۱۵

اوکور عیر من (آنا احاره مدهد سوان ماروری را دور یدارم.)
از رفقه سرکار خیلی متشکرم. لی حوب یاد دارم که در اسلامول بها در صدد عریمت ناین مملکت که آدم را رود حسته مکند بویید و حالا از وصول رفقه بها مسرت زیادی حاصل سد.

کمان میکم که ما اوصاع سه ار را در کلمات آن نسه حوب مهمیم. ک
کاعد خصوصی همیشه لشخص یک حیری مهمیده که احساساتی را محتاج

مکند. ما بخوبی میفهمیم که حاکم شما باید از کار بیفتد و من از رور ورود خود
تهران در آن تاب خیلی کوشیده‌ام. ما بودن کایه سابق اقدامات ما بیفایده
بود و چون اطمینانی ندارم که وررای حالیه جین عقیده دارند که ایران باید
در یک حگی که مربوط ناو یست داخل سود لهدا من هم بهنار آوردن
در این خصوص [یعنی عزل محترسلطه] یس از این لرومی ندیدم و در
حقیقت هم بصور نمیکم که موقع وزرا و احتاط آنها اچاره بدهد برای اقدام
این عمل. من بهتر دانستم که نگذارم عین التوله اس کار را هر طور که خود
صلاح میداند انجام دهد. من میل دارم که هر چه رودتر این مسئله انجام بگیرد
چه حسن میکند که موقع شما جداان خوب یست

آیا احتمال دارد تالستان با یطرفها ببائید. هوای ملهک سرد و میوایم
برای شما مریلی پیدا اکیم اگر چه مریل ما کمتر حای حالی دارد.

ارادتمند شما

س. م. مارلیک

کاعد سغیر انگلیس در طهران س. م. مارلیک سغیر انگلیس در بطر بورع
سیر ح. نوکان مورچه ۲۰ روز ۱۹۱۶ [۱۸ شعبان ۱۳۳۵].

مهر:

سغارت انگلیس در طهران

۲۰ روس ۱۹۱۶

نوکان عریز من

ار ارسال مرقومه سرکار مورچه ۴۲ مه (که در ۱۷ روس واصل گردید)
و همچنین از صمیمه آن مورچه ۱۱ مه حلی متسکرم.

من تعجب نمیکم از اینکه طل السالان هور آن حستیات د من قدیم
خود را نا اختیارها دارد ولی نا وجود اس خیلی عریب خطر میآید که او آن
حستات را آشکار در بطر بورع اظهار کرده است فقط ده روز بعد از آنکه

رسماً در اندر اطعمیان داد که وی بختیاریها را مثل اولاد خودش دوست دارد. من خیلی میترسم که طَلّ السَّلطان بیشتر با روسها دوستی نماید تا با ما و ما ناید خود را برای این فقره حاصر کنیم هر چند که ما ناید صورت طاهر را نگاه داریم و ناو نماییم که ما در او یک شخص بزرگی می بینیم که از جانب هر دو دولت یک اندازه طرف مساعدت و توجّه است.

اما در خصوص کورستووتس من در صمیمیت او با کمال افسوس نا شما هم عقیده بایستم

من هیچوجه اعتماد ناو ندارم. همه کس در اینجا در حق او ایستاده عقیده دارد که کورستووتس آدمی است که نا او هیچ نمیتوان سر برد و یک حس از مخلوقات است که نا شرارت و سیطت کار میکند و خط میرد از اینکه کارهایی نکند که دیگران هیچوقت حاصر نیستند نکند. من چند سال پیش او را در رنو^(۱) شاحتم وار آنجا خیلی یادگارهای حوسمره از او بمحاطر دارم ولی هیچکس در اینجا از رفتن او افسوس نمیحورد و از همه کمتر در سفارت خودس. کورستووتس ما را بیش نانک روس کمک میخواهد کرد. خیال او در خصوص همکاری نانک استقراسی روس با نانک شاهشاهی ایران فقط از این نقطه نظر است که نانک شاهشاهی تجارت خوب خود را با نانک استقراسی تقسیم کند. و قطعاً اگر نانک شاهشاهی یک اداره شخصی مسود حالا چندین سال بوده که ورشکست شده بود.

محام حورحما تقدیم احترامام میکنم. ارادت صمیمی شما

س. س. م. مازانگ

عنوان پاکت:

اداره دولتی

محرمانه

خدمت حان

سیر حرج بوکان ج. سی. ب. — ح. م. و. و. او. ح. س. م. س. س. —
امروگرا.

کاغذهای کلل سابق قراسوران ایران مرید بقونسول انگلیس در شیراز
ماژور اوکونر

طهران ۲۰ ژانویه ۱۹۱۰ | ۴ ربیع الاول ۱۳۳۳

ماژور عزیز

امروز سه روز است که اداره خزانه داری برای تعرض بر ضد اقدامات خودسرانه قراسوران که در ولایات مالیات جمع کرده اند تعطیل کرده است. از قراریکه میشنوم بلژیکیها میگویند یا آنها و یا سوئدیها باید از خدمت خارج شوند. ولی خیلی محتمل است که از هر دو طرف چند نفری بیرون بروند. من تصور میکنم که دولت از این اوضاع چندان ناراضی نیست چه باین شکل امید دارد که شاید بالأخره از شر این بلژیکیهای منفور ملت خلاص شود. من گمان میکنم آنچه معروف شده است که یلمارسن قرار نامه در خصوص تشکیل یک اردوی قراسوران در چین همراه خود دارد صحیح است. بیچاره چین! از قراریکه سیر والتر بن میگوید اوضاع کرمان یأس آور است. قراسورانها بطور وحشانه در کوجهها میدوند. سیر والتر تصور میکند لازم باشد یک قشون مستقل دیگری ایجاد کرد و اشاره کرد که من رئیس آن قشون باشم. مأموریت بربند برای من حاضر است و اگر بخوام بن میدهند ولی اوضاع بسرعت تغییر میکند و من منتظر بعضی اقدامات هستم که یقیناً نتیجه آنها رفتن صاحب منصبان سوئدی خواهد بود. نیستم و مبلر-فولکه و اوئدینه و یلمارسن خواهند رفت. فقط صاحب منصبان احتیاطی و چربک خواهند ماند. پوست را میخواهند صندوقدار قراسوران در اینجا بکنند. بده عجب کار خوبی! در طهران حالا هوا مملو از دسایس و تیربکات است. مدتی بود اینجا میان مردم حسبات دشمنی با خارجه نمایان بود ولی حالا تقریباً بکلی رفع شده است. یک دسته کوچکی در کار آن هستند که ایرانرا بطرف اعلان جنگ بعثمایی بکشند. چنانکه من بسیر والتر هم گفتم در میانه بختیارها نیز من کسانی دیدم که طرفدار آلمان هستند. کابینه اساسی ندارد، بیکار و بیچاره است. مجالس هنوز مشغول

ملاحظه اعتبار نامه وکلاست. نادراً دیده میشود که کسی از مجلس بدون اظهار کراهت و تنفر صحبت بکند حتی از خود ایرانیها هم.

من امیدوارم که باز در شیراز فرمانده قشون بشوم. محتمل است راپرتی که من از اقامت خود در فارس دادهام مخبر السلطنه را از فارس بیرون کند. سیر والتر و چرجیل هر دو راپرت را دیدند. آنچه لازم بود من شرح دادهام و چیزی نگفته نگذاشتهام. راپرت مزبور امروز بوزارت جنگ رفت. در آن راپرت ضمیمه هم در خصوص کارهای کازرون بود ولی من هیچ سوئنیهارا در این ضمیمه داخل در کار کازرون نکردهام. چرجیل بواسطه ایرانیها در تمام طهران شهرت داده است که در صورتیکه حاکم فارس استعفا ندهد آن راپرت مرا در هر هفت روزنامه طهران و در روزنامههای انگلیس و اروپا منتشر خواهد ساخت. سیر والتر یک نقشه (محرمانه) دارد که مرا رئیس ۵۰۰ سوار بختیاری در طهران بکند. هر چند که این تکلیف را میتوان قبول کرد ولی گمان میکنم که این فرماندهی فقط موقتی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج منقطع خواهد شد...

در باب تبریز خیلی از این طرف و آن طرف صحبت شده است. دولت ایران آخرین دست و پای خود را میزند که ولیعهد را بآنجا بفرستد. از اینجا و آنجا یکدسته سرباز ژولیده پلاسیده از همه جور و همه رنگ جمع کرده اند که واقفاً مانند یکدسته بازیگر می مانند و یک ۳۰ الی ۴۰ هزار تومانی هم برای مخارج آنها فراهم آورده اند.

ایرانیها از ورود عثمانیها بتبریز شغف زیادی اظهار کردند. و میگویند که عثمانیها آنها را از دست روسها نجات دادند. ایرانیها تصور میکنند که وقتی که ولیعهد وارد تبریز شد عثمانیها از ایران خارج خواهند شد. بعد از ورود ولیعهد بتبریز یکدسته بزرگی از همراهان او بطهران مراجعت خواهند کرد. کوروستووتس سفیر روس در باره حفظ جان خود تا اندازه واهمه پیدا کرده بود. از قرار مذکور گفته بوده است که اگر روسها از قزوین بروند او دیگر در طهران نمانده و بزرگنده در شمیران که از سفارت طهران محفوظتر و امن تر باید باشد خواهد رفت. یک ارمنی با اطلاعی بسیر والتر گفت که

اگر روسها از عثمانها یک شکست بخورند احتمال خیلی قوی می‌رود که ایرانها به‌راهی عثمانها داخل جنگ بشوند.

من حالا سعی دارم که هم برای قراسوران و هم برای خزانه‌داری مستخدمین امریکائی بدست بیاورم. من بسیر والتر گفتم ایرانها خیلی طرفدار این نقشه هستند لکن از مداخله روسیه می‌ترسند.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مریل

طهران، ۱ فوریه ۱۹۱۵ | ۱۶ ربيع الاول ۱۳۳۳ |

محرمانه

یک اقدام خیلی جدی شد که مرا رئیس قراسوران و جانشین یالمارس مکتشد. لکن گمان می‌کنم سیر والتر بالاخره مصمم شده است که ریاست قراسوران را بکلن فولکه که نقداً رئیس اصفهان است واگذار و مازور مولر و مازور کارلبرگ معاون او باشند. بقیه سوئدیها تماماً باید بروند. چنانکه شما هم لابد شنیده‌اید تاونلی و کوروستووتس هر دو احضار شده‌اند. بجای سفیر روس یک آدم کوچک ملایی از لندن خواهد آمد ...

عقیده ایرانها این است که اگر تاونلی برود معنی آن این خواهد بود که انگلیس ایران را بیل و دلخواه روس واگذارده است. بورگر او و اوکون هر دو بدولتهای خود تلگراف کردند که باید بسیر ادوارد گری اطلاع داد که اگر تاونلی برود و نفوذ شخصی او دیگر در میان نباشد عقیده آنها این است که ایران به‌مراهی عثمانی داخل جنگ خواهد شد ... اگر تاونلی بماند لابد نوزونووتس هم خواهد ماند. یک کابینه جدیدی در کار تشکیل شدن است. از قرار مشهور احتمال قوی می‌رود که کابینه جدید خیلی طرفدار روس باشد در ابصورت گمان نمی‌کنم که دیگر یک نفر سوئدی هم در ایران بماند.

دو روز قبل روسها بدون شکان وارد آریز شدند. ولی به حرحل هم دو تصادق دارند که در مباحثه با آنها یک حدی آلمان هم تودر است.

بقیدۀ من اگر ایران جرئت آنرا داشته باشد با عثمانیا متحد خواهد شد و اگر این کار را بکند آنوقت بختیارها و تمام ایلات دیگر همه کمک خواهند کرد... ارمنیا میخواهند که من فرماندهی یکدسته قشون ۱۰۰۰ نفری (مرکب از سواران بختباری و ارمنه) را در طهران بعهده بگیرم تا در موقعی که اگر روسها از آلمانها شکست بخورند و ایران هم جرئت کرده بطرف عثمانیا برود حاضر باشم...

یلمارسن چند روز قبل یک کاغذی شرمائۀ بکوروستووتس نوشت و او هم آن کاغذ را بتاونلی ارائه داد. یلمارسن در آن کاغذ میگوید: برای جازگیری از یک زدوخورد خوب بود روسها قراسوران را در تزوین بحال خود مینگدارند. تاونلی بکوروستووتس گفت: «آنچه از دستان برمیآید بکنید که یلمارسن را فوراً برون کنید و من قول میدهم که از طرف من همه گونه کمکی خواهد شد...»

نزاعی که در قزوین مابین قراسوران و روسها واقع شد در سر سربازخانۀ قراسوران بود که روسها چون شنیده بودند سوئدیها از ایران بیرون خواهند رفت میخواستند آنرا ضبط کنند...

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرل

ضمیمه: اگر سوئدیها همه خارج شوند آنوقت قطعاً من رئیس قراسوران خواهم شد. تصور میکنم که بعد از این قراسوران عمده در راه طهران بوشیر بکار برده شوند. روسیه وجود آنها را در شمال مبل ندارد.

طهران، ۴ مارس ۱۹۱۵ | ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳ |

سیر والتّر بدلائلی که برای من مجهول است تصدیق کرده است که بقیدۀ سوئدیها در قراسوران و بریاست قراسوران باقی بمانند. شاید او میخواهد قبل از ورود کسی که او برای جانشینی آنها خیال کرده است تغییری در این کار بدهد. آیا برای سیر والتّر ممکن است (اگر شما برای او کاغذی نوشته

و وقایع شیراز را توضیح بدهید) که بطور خصوصی با خزانه‌دار کل هسنس مذاکره نموده و از او خواهش کند که مرا از مسئولیت اموال شیراز مستخلص نماید؟ من آنچه در قوه داشتم کردم که برای منافع انگلیس در فارس خدمت کنم...

از قرار مذکور سفیر اطرینس لوگوتتی و سفیر آلمان پرنس رویس هر کدام بهمراهی یک نماینده نظامی از راه کرمانشاه بتهران می‌آیند. اگر جهازات شما بتواند اسلایمبول را تصرف کند این واقعه یک تأثیر بزرگی در اینجا خواهد کرد چه ایرانیها بدون هیچ شک آلمان دوست و طرفدار عثمانی هستند. از منابع محرمانه و خیلی موثق می‌شنوم که خزانه‌دار کل هسنس در هفته‌های آتی آنچه بتواند خواهد کرد که از رسیدن پول بسوئدیها برای قراسوران جلوگیری نماید بطوریکه بالأخره همه ناچار خارج خواهند شد. تمام صاحب منصبان سر خدمت (یعنی آن صاحب منصبانی که در خدمت قشون منظم سوئدی هستند) حاله از ایران خارج شده‌اند و مارور ادوال که فعلاً فرمانده کل است با هسنس خیلی دشمن است. مشهور است ولی صحت و سقم آن درست معلوم نیست که صاحب منصبان سوئدی که فعلاً در ایران هستند گفته‌اند که آنها تا آخر آوریل خواهند ماند و اگر تا آنوقت اقدامی رای منظم رسیدن پول قراسوران نشده باشد از ایران بیرون خواهند رفت. اگر سوئد بطرف آلمان داخل خنگ بشود در آنصورت قطعاً تمام سوئدیها از ایران احضار خواهند شد. محرمانه گفته می‌شود که روس و انگلیس بایران اسلحه و ذخیره می‌دهند تا بر ضد عثمانی بجنگد. کابینه وزرا طرفدار این خیال است لکن بعقیده من از افکار و اقوال عامه می‌ترسد که این پیشنهاد را قبول نماید ... من یقین دارم که سفارت روس بر ضد این کابینه حاله است و برای برانداختن آن اقدامات میکند

اخلاص کیس سما

ج. ن. مرابل

ضمیمه: در میان دیپلماتهای خارجه در اینجا صحبت آنست که چون سیر والتِر پچرچیل اعتماد چندانی ندارد میخواهند او را یکی از قونسولگریها بایتالیا بفرستند.

طهران، ۶ مارس ۱۹۱۵ | ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳ |

محرمه

دو روز قبل رئیس الوزرا حکم داد که هیچکس برواتی را که بامضای خزانه دار کل هسنس باشد نباید قبول نماید و قرار شده است که از این بعد وزیر مالیه باید آنها را امضا کند سیر والتِر روز چهارشنبه با چرچیل بیک نقطه آنطرف ورامین سفر کرده است که در آنجا حفریاتی بکند. سفر آنها ده روز طول خواهد کشید. یک روز بعد از حرکت آنها حکم رئیس الوزرا در خصوص بروات بامضای خزانه دار کل صادر شد سیر والتِر یک روز به واد گفت: «من مایل بودم در کابینه وزرای ایران یک نفر پیدا میشد که باندازه کفایت جرئت داشته باشد که تمام سوئدیها و بلژیکیها را بیرون کند و در عوض آنها امریکائی بگذارد». من باید تصدیق کنم که این صاحب منصبان احتیاطی سوئدی بنظر میآید که خوب کار میکنند. یک بهبودی در نظم قراسوران در این اواخر من حس کرده ام چنانکه میشنوم سیر والتِر خیلی جهد کرد که بمیلی روسهارا نسبت باین کابینه رفع نماید ولی مسامحی او بی نتیجه ماند. این دو سفارت در سر هر نکته با همدیگر جنگ میکنند

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرید

طهران، ۱۶ مارس ۱۹۱۵ | ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳ |

. منابع اطلاعات من عالی است. چنانکه من پیش بینی کرده بودم عمر کابینه اخیر طولانی نبود. رئیس الوزرای حالیه معروف بروس دوستی است

و وزیرای دیگر نیز دشمن روس نیستند عقیده عموم سفارت روس در
ایحایکی از عوامل مهمه است که نظارت در امور دارد. از مآخذ حل
معتری میشوند که تقریباً با یکماه دیگر دوا روس میخواهد نایران قرص
بدهد و صارت در محرج و مالترا بدست گردد. در موقع استقرار یک
اقدام خیلی حدی خواهد شد که ایران را وادارد از بیطرفی خارج شود. لکن
سده اشخاص آگاه آن است که روسها نمیتواند این نقشه خود را انجام دهد
چه فرصت کابینه هم مانع باشد لکن از ترس ملت ایران هیچ کابینه جرئت نمیکند
که طرف روس داخل در جنگ شود. حالیکه سندهام (و گمان هم
میکنم راست باشد) همسایس در مانند اعضای مجلس مقدار زیادی پول
تقسیم کرده است برای آنکه تلویکیا در کارهای خود باقی نماند. من
گمان میکنم این پولها بول روسی است. روسها هرچه از دستشان برآید
میکند که سوتدیهارا بیرون کنند. ایرایها از تلویکیا مقرر هستند و اگر ممکن
باشد میخواهند آنها را بیرون کنند. روسهای طهران فی اداره معتبر اند
از آنکه قشون سما در بوشهر و سول آمار را دستگیر کرد.

با بهترین سلامها

احلاص کیس سما

ح. ن. مرسل

ص ۲۱، مارس ۱۰۱۵ [۵ حمایتی الاولی ۱۳۳۳]

امروز بعد از ظهر من در سفارت سما بخای مدعوّ و دم و ناسیر والیر
مذاکراتی داشتم. سرالتر کف «بیرون من رئیس الورا تأکید کرده
که محیر الساس را از سرار معزل کند و سوتدیهارا هم از آنها میخواهد و
ریاست قراسه را آنحرا سما واگذار

تمه ایران در حوس و حروس است. وضع کلثه ایلات ایران تعایب اسباب
سویس است. در تمام نقاط در سرق، عرب، شمال، حوب، از هر طرف
ایلات در صدر هجلا هستند. احتل میروند طهران بواسطه قشون روس اشغال
نمود. گمان میکنم راست باشد که ۱۴۰۰ سر از شتاریها بطرف ترکها رفته اند

امروز تولی برای من نقل کرد که سر ادوارد کری در ۲۴ مارس
ار استوکهولم تقاضا کرده است که سوئدیها از فارس بخواهند و بر
گفت او تصور میکند که دیورر توانسته اسب دولت ایران را ترساند تاوی
با اینها گفته اسب که بیم آن می‌رود که ۱۰۰۰۰۰ فر مسون روس صهران
تصرف نماید ، آنکه تقاضاهای خود را راجع به بطریق ایران برور قبولاند .
بر تاوی گفت که دیورر وی از رئیس الوردرا یک جواب موافقی دریافت کرده
اسب . رئیس الوردرا موالی گفته است : « حلی خوب . روسها متوانند قنوں
صهران وارد کرده کامه حلبه را بداده و هر وریری را که میخواهد سر
کر ماورد . لکن اگر روسها این کار را نکنند تمام دست ابر خواهد
سوزید و آوقت برای اصلاح اوضاع ۱۰۰۰۰۰۰ فر مسون رس ضرر
ست . موالی گفت او تصور میکند که روسها از اوضاع امروزه استفا
مکشد و حوسحال ادحه این اوضع بهانه خوبی ندست آنها میدهد که فسوں
وار کند کامه حاحه خود را حلّی مستقل نشان دهد و از سفارتین

چندان ملاحظه ندارد..... رومرو امروز صبح بمن گفت که روسها یک یادداشتی بدولت ایران فرستاده‌اند و در خواست کرده‌اند که دولت ایران ۶۰۰۰۰ نفر قشون بر ضد عثمانی حاضر نماید. در مقابل آن روسیه از طلب خود از ایران چشم پوشیده و مجدداً بایران پول قرض خواهد داد. * من قطع دارم که کابینه حالیه می‌ترسد این پیشنهاد را قبول کند. سه روز قبل یکی از روزنامه‌های اینجا یک بیان نامه نشر کرده و در آن آشکارا ایرانیان را بدخول در جنگ بهمراهی عثمانی دعوت نموده بود.

تاوئلی دیروز میگفت که دولت شما از اقدامات ایران فقط بدین ملاحظه مشوش است که دخول ایران در جنگ چه تأثیری در افغانستان خواهد بخشید و میگفت اگر ایران داخل جنگ شود احتمال قوی می‌رود که روسیه اوضاع را بحال خود گذشته و قشون خود را از ایران بیرون بکشد ولی بعد از جنگ روس و انگلیس هر دو حساب خود را با ایران تصفیه خواهند کرد. در صورتیکه افغانستان بشورد حکومت هند خیال دارد قشون خود را بجلگه‌های داخلی هند عقب بکشد و در آنجا متفرق شده و با افغانها مصاف نماید و بالأخره بعد از جنگ باافغانستان قشون کشی کرده و افغانها را تنیه کند..... تاوئلی میگفت که خوانین بختیاری باو قول داده‌اند در صورتیکه دولت ایران هم حکم نماید که آنها بر ضد انگلیس و روس بجنگند ایشان اطاعت نخواهند کرد. لکن تاوئلی در این خصوص خیلی بدین است. من خیلی شک دارم که اگر واقعا یک وقتی جنگ سر بگیرد خوانین بتوانند ایلات خود را از دخول در جنگ نماند کنند.

با احترامات فائقه اخلاص کیش شما

ج. ن. مریدل

طهران ۶۰ آوریل ۱۹۱۵ [۲۱ جمادی الأولى ۱۳۳۳]

..... من می‌ترسم این سیاست که ایرانیها بگذارند آنچه میخواهند بکنند نتیجه‌اش آن بشود که بطریق معمول مشرق زمینها ایرانیان دوستی را ترس نداشته و کارها را بر ضرر روس و انگلیس در دست خود بگیرند.....

طهران ظاهراً آرام بنظر میآید لکن در باطن خیلی انقلاب و هیجان است. در تمام شهر کمیته‌ها تأسیس شده که جهد میکنند هر طور هست ایران را بصرف عثمانی داخل جنگ نمایند. روزنامجات ایران آشکارا و بی‌پرده دشمن روس هستند. مطبوعات آنچه دلشان میخواهد میگویند.....

با احترامات فائقه اخلاص کیش شما

ج. ن. مریل

طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۱۵ [۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۳]

..... رامسدن که جزو سفارت شماست بمن گفت در سفارت گمان میکنند که روسها سعی هستند یک ترس و وحشتی در میان مردم بپندازند برای آنکه قشون وارد کنند..... عقیده آلمانها اینجا این است که روسها خود آرام مانده ولی بکرته‌ها اجازه خواهند داد که غارت کنند و آدم کشان تا خود طهران پیش بیایند آتوقت روسها قشون خود را بطهران آورده و کار ایران را ختمه خواهند داد..... پول قراسوران پنج ماه است عقب افتاده و اداره پولیس هم ۱۰۰۰۰۰ تومان طلبکار است.....

اخلاص کیش شما

ج. ن. مریل

ضمیمه: تاوانلی و کوروستووتس تا آخرین دقیقه با یکدیگر ضدیت میکردند هر اینکه در بیرون کردن سؤئدیه با هم متحد بودند.

طهران، ۳۱ مه ۱۹۱۵ [۱۷ رجب ۱۳۳۳]

..... بنظر میآید که کابینه حاضر است هر آنچه سفارتین پیشنهاد کنند

انجام دهد.....

۱۰۵۰۰ نفر قزاق جنگ آزموده با توپخانه و اتوموبیل و چنانکه میگویند با دو اتوموبیل مسلح وارد قزوین شده‌اند. این دسته قشون

یکی قبل در میدان جنگ ورشو جنگیده‌اند. من دو شب قبل در سفارت شما بشام دعوت داشتم. بعد از شام چرچیل گفت: «سوئدیها خواهند رفت و خیلی هم زود خواهند رفت. شما حوصله بکنید. عنقریب کار برای شما پیدا خواهد شد. دیشب فرمانفرما وزیر داخله پیرزایانس که یکی از معتبرین ارافره و از دوستان من است گفته است که دولت ایران مصمم شده است سوئدیها را بیرون بکند لکن مجبور است که بحفاظ و تأنی در این امر اقدام کند چه حمایت مردم بی‌اندازه بصرف سوئدیها متایل است..... دیشب یک ایرانی بمن گفت که دولت ایران ظلّ السّلاطین را برای حکومت فارس احتضار کرده است.

چنانکه در افواه مشهور است آلمانها خیال دارند باصفهان عقب بنشینند و آنجا مستحکم نمایند (چطور؟) و امید دارند که سوئدیها هم با آنها همراه شوند. میگویند که دولت ایران نیز اگر مطابق میل سفارتین رفتار نکرده در طهران نخواهد بماند بدانجا نقل مکان خواهد کرد.

هم ماراینک و هم آتر که به هر دوی آنها من خصوصیت زیاد دارم بمن گفتند که آنها آسوده خاطراند و از تحریکات آلمانها مشوّش نیستند. واضح گویم من بحرف هیچکدام از این دو اعتقاد ندارم. شخصاً عقیده من این است که این دو نفر ز آن وقت که قشون روس بقزوین وارد شده آرام شده‌اند و هر دو امید دارند که آلمانها بیک زد و خوردی شروع نمایند تا آنکه روسها آمده و بکازه جان ایران را تصرف نمایند. در آنصورت دولت ایران بصفتان انتقال خرابتر کرد. من گمان میکنم آن خبری که در فوق من بدان اشاره کرده مناسقی. این احتمال اخیر داشته باشد. من بهیچوجه تمجّب نخواهم کرد اگر اوضاع این صورت را پیدا کرده باشد که دولت شما قبل الوقت تقسیم ایران و انتقال دادن دولت ایران را باصفهان و خود بدست گرفتن نظارت کن جنوب ایران بضمیمه اصفهان (و شاید هم همدان و کرمانشاه) را تصدیق کرده باشند ولی چیزی که هست ممکن است دولت شما از روسیه خواهش کرده باشد که از اشغال مملکت دست نگه دارد تا اینکه یک هیجانی در شمال ایران بدیدد. من تصور میکنم که با این اوضاع امروزه هرچه این مشأ زودتر

انجام بگیرد بهتر است. گویا هیچ امیدی نیست که یک لزد کرومیری برصه ظهور پیدا شود تا این مملکت از هم پاشیده را دوباره مرمت و اصلاح نماید.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مریل

زرگنده (شعیران)، ۸ ژولیه ۱۹۱۵ | ۲۵ شعبان ۱۳۳۳

امروز صبح من با وزیر شما یک مذاکره طولانی داشتم. او بمن گفت که هیچ چیز برای او خوشایندتر از این نیست که من دوباره بشیراز مراجعت کنم و گفت ممکن است در ظرف دو هفته آتی، حاکم فارس را مجبور باستعفا نماید. بعد گفت عین الدوله حاضر است در این فقره همراهی کند لکن هر دفعه که او درصدد میآید اقدامی نماید حاکم بوکلای فارس در مجلس متوسل شده آنها هم دموکراتها را تحریک کرده و نایل میشوند که این کار را عقیم گردانند. . . . مارلنک بمن گفت تنها دلیلی که چرا او هنوز سوئدیها را حمایت میکند اینست که سوئدیها با زیرکی خود میتوانند صاحب منصبان ایرانی را که تماماً آلمان دوست هستند مواظبت و مراقبت کنند. بعلاوه گفت که آدوال بکلی در دست آلمانهاست و او یک «احق خیلی هولناکی» است. نیز گفت که آدوال احکام خود را از معین الوزاره میگیرد و درباره معین الوزاره گفت که او یکی از خطرناکترین مردم ایران است، دموکرات برشور و دوست آلمانهاست. چندی پیش وزیر نما بمن گفت که او و سفیر روس هر دو مصمم شدهاند که هر وقت برای آنها ممکن سدکاری بکنند که معین الوزاره در دولت ایران از شغل خود منتهی بسود. . . . وزیر شما بمن گفت که دولت ایران هیچ نمیداند که بزرگ اندازه صرف یک خزانه نا تنگاس نزدیک شده است. . . .

وزیر سی و حرحال هر دو بمن گفتند که لایق قطع اقدامات گرفتهاید که من دو سه بارین مرتبه نامه در این رابطه نیست که وزیر شما اگر بزرگ راهی

پیدا کند نیت خوبی دارد. امید است شما عنقریب بیرون کردن حاکم موفق شوید.

با احترامات فائده

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرزبان

زرگنده. ۲۵ ژوئیه ۱۹۱۵ [۱۳ رمضان ۱۳۳۳]

..... چنانکه میشنوم گویا در همین چند روزه کابینه تشکیل خواهد شد ولی هیچکس چیز قطعی در این خصوص نمیداند چه ایرانیهای معروف و مهم کابینه گویا میترسند که کاری در کابینه قبول کنند.....
طهران آرام است. برای قراسوران خیلی دشوار است که اصلاً دیگر بتوانند باقی باشند. برای تمام قراسورانی که اینجا هستند بیش از روزی صد الی سیصد تومان بول بدست نیاید (باستثنای روزهای جمعه و دو شنبه!!!). این یک عملیه کند تدریجی است ولی همینطور بتدریج آنها خفه خواهند شد.....

لوکونت بمن گفت ریمبو با تمام فوج خود و اسبها و غیره بطرف داردانل حرکت کرده است. باید او خیلی خوشبخت باشد چه فوج او یکی از آن افواج قلیلی است که اسبهای خود را میتوانند بکار ببرند زیرا چنانکه مسبوق هستید قسمت عمده سواره نظام در خندقها بکار برده شده اند.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مرزبان

طهران، ۱۴ اوت ۱۹۱۵ [۳ سؤال ۱۳۳۳]

دیشب من نایب سفارت شما کرآ دیدم. عقیده او آن بود که بعد از تشکیل کابینه اولین تقاضای سفارت شما از دولت عزل فوری مخبر السلطنه خواهد بود و اگر کابینه این تقاضا را قبول نماید سفارت شما یک «هایهوی بزرگی» بدین سبب خواهد کرد.....

کَر دیشب بمن گفت که ما بیشتر مایل هستیم که «قراسوران را در عمل قوم لوط بینیم» تا آنکه یک شاه‌ی پول انگلیس را برای آنها صرف کنیم . . .

بعد از سقوط ورشو روزنامه‌های ایران خیلی جسور شده‌اند. آنها آشکارا میگویند که باید تمام قراسوران را در طهران جمع کرد تا آنکه قوای روس اگر از قزوین بطرف طهران حرکت کنند در مقابل آنها مقاومت بورزند . . . بدلائی که در دست است گمان میکنم که دستگاه گرفتن تلگراف بی‌سیم آلمان در خارج اصفهان هنوز در کمال خوبی کار میکند . . . کَر میگوید اگر یک کابینه تشکیل شود که طرف رضایت نباشد سفارت شما و سفارت روس آنرا در ظرف یک هفته برخواهند انداخت . . . سفارت شما عین الدوله و فرمانفرمارا میخواهد و روسها میل دارند سعد الدوله رئیس الوزرا شود . . . نیو مدیر تلگرافات ایران محرمانه بمن گفت که دلیل آنکه چرا در چند روز قبل ۲۰۰۰ نفر از قشون روس هشت فرسخ از قزوین بطرف طهران حرکت کرده‌اند آن بوده که در تشکیل کابینه اقدامی شده بود که چندان رضایت بخش نبود و حرکت این قشون یک نوع تهدیدی بود و اولیای بزرگ دولت ایران هم همین طور فهمیدند. حرکت قشون طهران را کم و بیش در وحشت انداخت . . .

من دیشب بکَر گفتم که خیلی بدگمانم از مذاکراتی که چرچیل با ایرانیها در خصوص بیرون کردن حاکم فارس نموده است. کَر گفت من میدانم که چرچیل رسوه گرفته است. من پیشنهاد کردم که سفارت شما در اقدامات آتیّه خود برای عزل محبر السلاطنه خوب است یک نفر اروپائی دیگر را غیر از چرچیل برای انجام این امر بفرستد. نیز من بکَر گفتم که چرچیل مکرّر نسبت بشما اظهار کراهت و بیلی کرده است و بعلاوه وی یک نوع تمایلی دارد باینکه اعمال حاکم فارس را همیشه حمل بصحت نماید.

امروز آن راپورتی را که من از کارهای خود در فارس در ۲۴ صحیفه نوشته‌ام برای کَر میفرستم تا او حاکم آنجارا قدری بهتر بشناسد. در این راپورت آنچه بدھانم آمده گفته‌ام و چیزی فروگذار نکرده‌ام.

اخلاص کیش شما

ج. ن. مریل

رنگده، ۲۳ اوت ۱۹۱۵ [۱۲ شوال ۱۳۳۳]

دیشب من گزرا ملاقات کردم او گفت رئیس الوردا قبول کرده است که حاکمرا معزول نماید. حالا باید دید آیا رئیس الوردا بوعده خود وفا خواهد کرد یا آنکه او بآندرحه اقتدار دارد که این کار را نکند. گز میگوید آنها مایلند که فرماهرما بحکومت فارس نامرد سود و او خودس هم خیلی مایل است رود. من با فرماهرما خصوصیت زیادی دارم.

اوصاح طهران در این چند روز اخیر بدتر شده است. در مساحد محامع رنگ منعقد میشود و مردم را مقاوم مسلح در مقابل روسها دعوت میکند. جمعی از مردمان عوعا طلب در مقابل عمارت مجلس فریاد میکنند که ایرانیان روس دوست را باید کشت.

دستگاه گرفتن تلگراف بیسیم آلمانی هنوز در شولکستان ردیک اصفهان کار میکند. در این خصوص من اطلاعات صحیحه دارم.

احلاص کس سما

ح. ن. مرید

کاعد سر والاسین چیرول نقومسول انگلیس در شیراز مازور اوکور بتاریخ
۹ فوریه ۱۹۱۵ [۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۳].

رکسی پادشاهی «نورث بروک»

خلیج ورس

ارره ۶ فرامسرمای هند ۹ فوریه ۱۹۱۵

اوکور عریر من

امروز رحمت از یک مسافتی بسیار مد خطوط کتأهرا در بالای شهر
میدیدم و فکر شمارا میکردم که بدخترانه تنها و مایوس در حائ خود بسسته و هیچ
کاری ندارید حر ایسه امور را بحریں خود گذاشته تماشا نکید و مدطر ناشید
که آرمادون [رت الوق حگ] مقدرات فارس و ایران را معاً نامقدرات
اسیاری از ممالک قوی تر از آرا تعیین کسد. این موقع عریری است از
ردگی ولو اینکه شخص بیس از یک تماشاجی هم ناسد، ولی انسان نمیتواند متأسف
سد از ایسه یک اشتراک عملی تر و مهمتری در این تماشگاه شایع ندارد.
سه رای من که در این جد سال گذشته در خلیج فارس سیاحتهای متعدد
کرده ام این سفر بسیار دلچسب و نافایده اسب اگرچه نالسه اهمیت فرعی را
حائر است. من فراموس کرده ام که دفعه گذشته کی سما کاعد نوشتم (گویا در فصل
اثر بود) ولی هر وقت که بوده من هیچ گمار نمکردم که دوباره باین رودیها
نراین آهائی که ایقدر ناآها آسه هستم نایک باب الساطه دیگری سمرکم
رای آنکه آن سیاستی را که بدواً کرر در ۱۱ سال قبل که من نا او در این
صفحات بودم بیک شکل قطعی مقحی تحدید نمود یک قدم بیستر بطرف مقصد
ردیدر نمیم. ولی هر قدم تاره حقدر تولید مشکلات میناید، ما ناکستی
ورس» تا قرنه رویم و از مواقع مستحکمه بنسں خود اردوی عثمانی را از
نور در کنار افق مشاهده کردیم. بلاشک آهرا عقرب از آخا مروں حواهم
کرد - اگرچه طعیان آب در کار است که عملیات را رای هر دو طرف مشکل

سازد ولی بالاخره ما کجا خواهیم ایستاد؛ باز مجدداً مسئله ایران است که پیش
میآید چه بر فرض هم ما مایل باشیم که در . . . (۱) بایستیم چطور ممکن است
که یک قوه دائمی آنطرف خطوط خود برقرار کنیم که تا اندازه بتوانند
قانون و نظام را آنجا نگاهداری کنند؛

بهر حال امروز فایده ندیده که ما دورتر از آینده نزدیک را در نظر
گیریم، و ما حق داریم که خود را بواسطه فرماندهی خوب و تشکیلات
منظم - و بعضی خوش تنون عراق عرب - بزرگ بگوئیم که بکلی بر عکس
قبضه افرینای سرفی که رعایت آن همه خدمات و اطاعت شدند رفتار کردند
من گمان میکنم که اشکالات ما بواسطه ابرضاع هوایی در زمان شدت گرم
و بواسطه اداره کردن امور که بر روی دوحار آن خواهیم گشت شروع خواهد
شد. و اگرچه عراق عرب - بسبب از متعانات و توابع هند باید بشرد لکر
بمقیده من یک ضبط استثنائی خواهند بود اگر ما ضمان قوانین و ترتیبات دیوبند
(بوراکراسی) هندوستان را در آنجا اجرا نمائیم. فی الحقیقه نکته هم هست که
موافق مذاخ نیست و آن این است که خلیج فارس دیگر از آن اهمیت خرد
خواهد افتاد زیرا اغلب مسائل که بآن مربوط است خود بخود حل خواهد
شد، و قطعاً مثال خواهد بود که قسمت جنوبی ایران و آنکه در آنطرف خطوط
سواحل مانند یک شاخه و یک امتدادی از عراق عرب محسوب شود . . .

ارادت کیش شما

امضا: والا تبین چیرول

(۱) اینجا کلمه است که مذکور خواند شاید مقصود بغداد باشد.

کاغذ معاون وزارت خارجه انگلیس شعبه هند مستر ا. ه. کرانت بقونسول
انگلایس در شیراز مارور اوکونر بتاريخ ۷ دسامبر ۱۹۱۴ | ۱۹ محرم ۱۳۳۳.
مهر کاغذ :

اداره سیاسی و خارجی
هند

د ۷ - ۱۲ - ۱۴

محررانه

اوکونر عزیز من

از مرتبه سرکار و از تبریکاتی که برای تعیین من بنده کسالت وزارت
خارجه کرده اید خیلی متشکرم. تعیین من باین مقام در زمانی خیلی سخت ولی
موقر باندازه من واقع شده و -- قطع نظر از بعضی مسائل راجع بمنافع مادی -
دست من خواهم شد که دوباره بدرجه دوم برگردم.
خیلی مایه خرسوقتی است که اخیراً کینه اوضاع شیراز و فارس بالنسبه امنیت
بخش زده است و در این باب بیشتر از همه از اقدامات و نفوذ شخصی سرکار
بید متشکر بود. ما امروزه خیلی کارها داریم که همه اوقات ما را گرفته است -
و اوضاع نگوار ایران در این موقع که داخل شدن عثمانی بچنگ در سایه تشریکات
ناصر بد ممکن است زلمات ما را زیاد کند یک بارگرایی خواهد شد. در خصوص
اعین مأمورین شیراز من هم بکلی با شما موافقت دارم که باید در تحت اداره
حکومت هند آورده شود - ولی من گمان میکنم که در جدا شدن آن آدمی از
بوشهر بعضی محذرات باشد. بعضی منافع بسیار مهم هست که نظر من آنها را
نیتوان مصون نگاه داشت مگر اینکه قونسول شیراز در کارهای خود رو به
مستقیم با نماینده انگلیس در بوشهر داشته باشد. در هر حال این مسئله دنوز
فیصل نیاند و شک قطعی نگرفته است. هر وقت این مسئله درباره مطرح شد
یقین داشته باشید که نظریات شما که در «دوسیه» است کاملاً ملاحظه خواهند شد.
اما راجع بتعیین یک نایب قونسول از حالا نمیتوان فهمید که چه میتوان
کرد. ولی اگر بتوانید احمیت زیادی باین مسئله بدهید هیچ ضرر ندارد که در

آن‌ها تأکید نکند و مطرح سازید. ولی دوایر مالیه ایروورها حواششان در مقابل این همه مخارج ریاد و این همه تلفات راه آهن و سایر عایدات که بواسطهٔ جنگ پیش آمده است قدری پریشان است. تصرف نضره حیلی امید بخش است و عموماً در خارج فارس باید اثرات خوب محسوس. اما مسئلهٔ حلّ رفق باس از این حدود مشکلات تصادفی م‌کند.

در همد اوصاع نسه آرام است هرچند که حساسات مسلمانها حیلی در حوس است و سحها و سورس طلبان در هیجان هستند. سرحد نسه آرام است هر حد که در توحی یک اعسای نطهور رسد. اگر امیر تواند افعالستان را رویم رفته آرام نگاه دارد همه کارها درسب خواهد سد. امیر آنچه از دستش برآید م‌کند ولی ند لایققع نا بعضی اشخاص متعصب رحرارت و همجین نا تحریکات عهای نم‌کند. سهر دهلی در این اتمام حیلی نا صفا سب و ما در حوالی آن مقدار کافی شکار م‌کیم.

من هم ما سما در ان مسئله موافق دارم که یک ملاقات شخصی تصفیة کارها کمک م‌تواند م‌کند. ولی سحر من حرک سما حیلی سحت است و میدام سما حضور در این موقع م‌توانید از آنجا بیرون بی‌آید. نا وجود این امیدوارم که هر ترتیبی ناسد عقرب یک مجلس ملاقاتی بعمل بی‌آید.

تمیات حالصانه مرا قول فرماید.

احلاص کیش سما

ه. گرات

یاد داشت وکیل نالیوز انگلیس در نوشهر کاپیتان ل. یرد وود معاون امور
 خارجه حکومت همد مورچه ه اکتوبر ۱۹۱۳ [۴ دی القنده ۱۳۳۱]
 علاوة دو صمیمه : ۱ - نوشته نالیوز نوسهر سیر ب. کوکس سر ادوارد گری.
 ۲ - یاد داشت مستشار تجارتی نالیورگری نوسهر ه. سی. جیک .

مهر :

نالیورگری انگلیس

وارد

عمره

تاریخ ۳۰ اکتوبر ۱۹۱۳

خلیج فارس

عمره ۳۰۴۸ مورچه نوسهر ه (وصول ۱۳) اکتوبر ۱۹۱۳

از - کاپتان ل. یردوود، ی. ا. نایب اول نالیور (در عاب نالیور).

ه - معاون امور خارجه حکومت همد.

راجع نکاد - اس اداره عمره ۵۳ مورچه ۱۱ فور ۱۹۱۳ ناکان افتحدر
 برای اصلاح حکومت همد انما سواد یک تلگرافی را که سر رسی کوکس بودیر
 دولت پادشاهی مرستاده ودر حسیه اس بعضی نا داشتها بوسته سده تصمیمه یک
 یاد داشب مستشار تجرتی این نالیورگری تقدیم مکیم . این یاد داسب راجع
 است نکافی بودن لوازم حیوانات هله تجارت انگلیس در راه نوسهر واصفهان
 وبعید بودن احصائات قصی ر در ب تجارت کاروان ار حوب مداحله در
 طرق عمدۀ قافه رو .

صمیمه عمره ۱

عمره ۱۵ تخری . نوسهر مورچه ۲۱ ساسمر ۱۹۱۳

از - لوتان کولوبل سیر رسی کوکس . ک. سی. س. ی. سی. ی. ا. نالیور
 ساسی در خلیج فارس و قونسول ژنرال دولت پادشاهی در فارس اس .

به سرکار سیر ادوارد گری رت. ک. ح. پ. پ. وزیر امور خارجه دولت
ادشاهی، وزارت خارجه، ادر.

مناست مکتوب (یا تلگراف) (۱) ثانی عمره: مورخه ۱۲ فوریه گذشته
راجع مانکه تحریر بوسهر قرار دادی ترتیب داده اند که طبق آن مخارج کرایه
مال اتحادیه را بشمار یک مبلغ مناسب و متعارف برل داده و آنرا در تحت
سازمان بگیرد و همچنین در خصوص تسکین یک اداره حمل و نقل در تحت
تحتین حکومت محلی بشمار نایب قوسول اکلیس، حالا من سرف دارم که
در داس مستر حکم را در باره کافی مردن حیوانات قلمه در راه بوسهر و
سیرا من تدبیر دارم.

دولت دساهی مقیم طهران در این اواخر این عقده را اظهار کرده
است که ماضیهای روس در یک قسمت زرگی از منطقه بیصرف هر قدر که
نمود ررس استر لطرف حوب بسط پیدا میکند ریادتر میگردد.

سپاهی که در این یاد داس اطهر میسود خلاصه اسان اس که اوضاع
راهنمای کارون رو مابین بوسهر و اصفهان در عرصه تا سال ۱۹۱۳ حلی
حوب بوده و احترت کری هم از برتو موافقتی که حاصل شد مبلغ بسیار
مناسب برل داده شده است. کمیانی حیوانات مارکش که ماسی از اعتساست
حدیم، سارده اسب گانا مابقی است برای رسیدن مال اتحادیه از بوسهر به ان
بتدار مال الحاقه قبل از ۱۹۰۸ و این مسئله ترقی و استتلا - تساری روس را
در صرف من حلی آسان میسار.

من - ترتیب دادن امضائیاتی که بیشتر طرف وثوق ناسد در خصوص
ررر - رهبری حوب برای حکومت حلی مهم بخار ماند و مخارج
شماره که ستر حکم در یاد داس خودس میسار کرده اس حوب ماررد
و من آمده ره که ترتیب دساهی تصدیق این مصرف را مناسب حواعد دید.
س - رگد اس یاد داس بوسه شده بود - طالع شدم که مستر مولتور
ر - ک - ه - س - رای تسکین یک - بومویل رانی مابین طهران

از ابتدای ماه ژوئن ۱۹۱۳ بعد در راه مابین نوشهر و شیراز و مابین
شیراز و اصفهان کاروانها همیشه در رفت و آمد بوده اند.

در خط اهواز - اصفهان در عرص سال ۱۹۱۳ از طرف کوه کیلوییها
هیچ عارتی سر رده است. و از دوریکه سردار خنگ مصمم شد که در
ایلیانگیری خود باقی نماند و خود کافی سودن حیوانات نارکش مار کلیه تحریر
و رفت و آمد رویهمرفته خیلی خوب بوده است.

در نیمه دوم سال ۱۹۱۲ کرایه فوق العاده گراف حمل و نقل از حلب
حفاظ مرکزی ایران همان اندازه امی و چاول راهها لمکه بیشتر از
تجارت سکنه وارد آورده بود. آتوقه کرایه حمل و نقل برای هر صد
من نوشهری از نوشهر شیراز به ۴۵۰ فران رسیده بود، و برای هر صد
من شیرازی از شیراز اصفهان به ۳۵۰ و حتی ۴۵۰ فران.

از پرتو قراردادی که راجع کرایه قاسر در ماه نوامبر گذشته داده شد و
همه تجارت نوشهر را قبول کردند و از طرف دیگر بر بوسعیه تسکین یک
اداره مافلات از طرف حکومت محلی برای توزیع قاطر و الاع طور تناسب
مابین تجارت (و این گانه وسیله بود برای محافظت قرارداد راجع بکرایه قاطر)
کار تجارت رو نگشایش گذارد و کرایه قاطر از ۴۰۰ فران برای هر [صد]
من نوشهری به ۳۰۰ فران پائین آمد. بوسله این دو فقره تجارت
تواسته اند که احترت کرایه را بیک میزان نگاه دارند بلکه تدریجاً باین تر هم
بیاورند

از نقطه نظر امنیت راهها و تحمیف احترت کرایه فعلاً ترتیبات بطوری
است که عرص بند. و اگرچه باید در نظر گرفت که ممکن است در فصل نایب
معنی اعتشاشها و حصومتها سر برد ولی مار اوصاع حاصره رویهمرفته خوب
و برای دوباره بدست و - تجارت اصفهان از راه حلب فارس و شکست
دادن تجارت روس خیلی مساعد است.

وقتیکه ما هفت سال پیش مقایسه کنیم می بینیم که مقدار واردات مال التجاره
ایالت اصفهان از راه حلب مراتب تدریج یافته است. و ایسکه تجارت انگلیس با
وسائل مساعده بواسطه است تجارت روس را از اسباط طرف خوب مانع

شود علت آن فقط کمبانی حیوانات نارکش است ماین بوشهر و اصفهان و ماین
اهوار و اصفهان

اگر دولت پادشاهی این نکته را قبول کند که مقاومت کمی که تجارت ما را
حیثیه در مقابل اسباب تجارت روس ظهور آورده عمده تقصیر آن راجع
نکدی بودن حیوانات نارکش است آوقت این ملاحظات که در فوق ذکر شد
متراشد برای اصلاحات لازم اساس گرفته شود

در صورتیکه خط آهن محمدره - درفول حرم آباد چنانکه
امیدواریم از حالا تا سه سال دیگر شروع کشیده شد گذارد حلی مناسب
است که بهر ترتیب یک قرار در خصوص خط دیگر که از دریا شروع خواهد
شد داده شود. کابینه و یلسون و این نگارنده در راجع راه آهن
که در سال ۱۹۱۲ فرستاده ایم هر دو از نقطه نظر مختلف تأکید کرده ایم که
اساساً حکومت بریتانیای کبیر باید تجارت اصفهان را بیش از اندازه اهمیت داده
و در نظر بگیرد. احصائات تازه که از آتوق تاکنون ترتیب داده شده محوی
نشان میدهد که احزاب حمل و نقل ماین بوشهر و سیرار فوق العاده راد
سب و مارا در این فکر دخیق میسازد که اگر یک راه آهنی ما را این دو
شهر ساخته شود رودی محارح خود را در خواهد آورد. این هجوم تجارت
روس باصفهان و فشار آن بطرف جنوب مارا ملزم میکند که خط راه آهن از
ساحل با شیرازا بدو فووت وقت شروع بسازد کنیم.

تاریکی در میان تخرار ایضا در خصوص تأسیس یک کمبانی اتوموبیل را
ماین بوشهر و دامنه کتاها و ماین شیراز و دشت آذر بعضی مدارا
شده است. اگر این اقدام انجام گیرد از ده مایل که حالا ماحوانات ص
مکند سه مایل کاسته خواهد شد و عملاً کار حمل و سل را بداحه ملک
سریع تر خواهد گردانید. ذکر نوزن مأمور تجارتی آمان قابل بودن را
اصفهان - سرار را برای استعمال اتوموبیل اسات کرده است و آتوق
مسافت بین این دو نقطه در عرض سه روز طی خواهد شد.

مدین مناسب است کات دلم را باید تذکار کرد.

۱ - در سال ۱۹۰۶ سفارت آلمان در طهران از سفارت دولت پادشاهی
استفسار کرد که آیا در راه از اصفهان تا بوشهر حقوقی بی اعتبار
در دست انگلیسها هست یا نه. و مقصود سفارت آلمان این بوده که
شکومت خود فهماند که این مسئله میتواند مقامه رای نسبت آلمان
در ایران شده.

۲ - در ۲۲ دوس ۱۹۰۶ یک امتاری برای قطار زار (۱) تقریباً در
تمام راههای عراق از راه جمعی از رجال ایران داده شد. در
مال صاحبان امتیار صدر اعظم حاکم حضرت والا عن الذله و
حسرت والا و ماعزما و سپهبدار و معین الحار هم بودند.

در این امر مقرر بود که صاحبان امتار در صرف مدت دو سه
استدای آب از ۲۲ دوس ۱۹۰۶ اسب امتار باید ده قطار در ایران راه
دارند. و تا که مال از استدای مال تریج نالد روح بکال سود و در
آخر هفت سال همه امتاری مذکور بید عراق و ساحت سود و الا آن راهها
از دایره امتار ماکو خارج خواهد شد. در راه در کار نالد در
صرف یک سال شروع و تا مدت پنج سال از دوش صدر امتار با تمام رسد.
صاحب امتار سرمایه انسانی همیشه ممکن است که مقداری را از این
ساری را در راه ببرد و برای تبعه انگلیس همیشه امکان دارد که در یک
قدام ایران سرک کند و بلیه میل آید که دست که اعدا و در ترس اصفهان برای
برگردان دادن قسم بی رود کارون کسیده اند ممکن است معوت در راه
در شب سر خود داشته شد. ساحل که راه اتو و ولز مابین بوشهر
و دیک کار آسان است اگر سواست راه آبی که بداند راه آبی نالد
روی زمین بر سر سودماری که در شب بوشهر واقع است بگذرد و در
تصور مجروح آلات و ادهاب و واگو و ارکود و تیهها خارج از سده
سرمایه های ایران با اعیان و معتبرین طهران خواهد شد.

۱۱ - مقرر شد که اگر سواست راه آبی که بداند راه آبی نالد
و

البته برای ساختن خط راه آهن از بوشهر بداخل مملکت نباید اشکال ترائی کرد. من فقط وسائلی را که میتواند مسائل حمل و نقل را از جنوب بمکرز ایران اصلاح و تسهیل نماید بترتیب اهمیّت نسبی آنها در اینجا ذکر مینمایم، از اینقرار:

۱ - خط راه آهن مابین بوشهر و شیراز.

۲ - خط اتوموبیل رانی مابین بوشهر - دالکی و مابین دشت ارژن - شیراز و مابین شیراز - اصفهان.

۳ - تدبیر لازمه برای تهیه نمودن مقدار کافی و منظم از قاطر و الاغ و واردات جای بایران. بعد از مل التجاره بنه و قند مهمترین واردات ایران جای است. مقدار جای که از راه روسیه بشمال ایران وارد میشد معادل بود به ۹۴۰ تون.

در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ مقدار واردات جای از راه روسیه معادل بود به ۲۰۲۱۶ تون.

در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۲ مقدار واردات جای از راه خلیج معادل بود به ۸۲۸ تون.

بدیهی است که مقدار عمده جای که از راه روسیه وارد و ده دفاتر گمرک ایران باسم واردات روسیه ثبت شده عبارت است از جای هند (کلکته) که از راه دریا بباطوم و از آنجا بایران رسیده است.

اوضاع راههای جنوب یگانه سبب ترقی واردات جای از راه روسیه و تنازل آن از راه خلیج فارس نیست.

چه از طرف دیگر دیده میشود که اجرت کرایه از راه دریا بقرار ذیل است:

از کلکته تا بوشهر برای هر تون ۵۰ قدم مکعب	۳۵ روبیه
از کلکته تا بغداد (برای واردات کرمانشاه) برای	
هر یک تون ۵۰ قدم مکعب	۴۵ «
از کلکته تا بمبی بهر یک گیروانکه ۹ پی تقریبا -	
که میشود برای هر تون ۴۰ قدم مکعب ...	۳۳ «
از بمبی تا بوشهر برای هر صندوق $1\frac{1}{4}$ - ۲ روبیه = $10\frac{1}{4}$ - ۱۴	
که میشود برای هر تون ۴۰ قدم مکعب ...	$43\frac{1}{4}$ - ۴۷ روبیه

در صورتیکه احرار کرایه توسط کشتیهای کمپانی «لوید» اطریشی که مرکز آن در تریست است از کلکته تا طوم هر تون فقط ۳۱ روپیه است، و توسط کمپانی فرانسوی «منازری» که مراکزهای آن در کولومبو و مارسیل است از کلکته تا طوم هر تون ۲۸ روپیه است (ولی این خط فرانسوی کمتر معمول است چه هل و تحول بارها از کشتی نکشتی در کولومبو در وسط دریا محارح ریاد برای کمپانی میدهد).

از طرف دیگر احرار کرایه توسط کمپانی کشتی رانی «بی آند او» و توسط کمپانی کشتی رانی «سیتی لاین آند کمپرس» از کلکته تا طوم ۲۰ روپیه است. چنانکه احرار کرایه از پورت سعد تا طوم توسط کشتیهای روسی (چه کشتیهای انگلیسی مستقیماً سمر نمکند) نیز خیلی گران است.

حکومت هند بآوردات جای در حلیح فارس اهمیتی را که لازم بوده نداده است. حلیح مایه تأسف است که در اداره وزارت خارجه در کاعد ۳۱۷ — ۱۰۸ مورخه ۱۸ فوریه خوانده میشود که تجارت جای هند با ایران سالمی و خوبی از نقطه نظر سیاسی چندان اهمیت ندارد. ولی اگر حکومت هند مالی است که توسعه تجارت روس و همچنین عود آندول در اصفهان شکست بخورد باید بدو طریق از آن جلوگیری کند و بدانها اهمیت بدهد مخصوص در باب تجارت جای. یکی آنکه حقوق گمرکی واردات های باران تحمیف داده شود، دیگر آنکه اقدامات بعمل آورده و کمپانی انگلیسی «ایسیدیا استیم ناویگیشن» و سایر کمپانیها فهمانده شود که گران احرار کرایه تا بعدد و بوشهر نسبت بکرایه از کلکته تا ناصوم تا چه درجه منافع سیاسی ما سخته و رد مأورد.

کله اوصاع تجارت انگلیس در حوب و مرکز آران.

ظاهراً قل از هر گو، تدبیری برای سکت دادن نفود تجارت روس، که تدفق عمیقی در اوصاع تجارتخانههای انگلیس در حوب و مرکز آران از ازم لوازم است. عموماً میتوان قول کرد که تا چه اداره تجارتخانههای انگلیس با عمال اروپائی در ایران کم است و حقدرا آنها با اساس و میان میانی

و در عملیات خود بی‌هایب معامله کار و در داد و ستد خود بسیار محدود
هستد، و در این باب بورارت تجارت تا کمون از طرف جدید هر از این
تجارت احتیاطات تهدید آمیز رهیده که می‌خواهد کلی از تجارت ایران دست
نکشد. این تجارتخانه‌ها از قرار دلیل است:

کمانی «گری بول» و سرگاه که با داخله ایران هیچ معامله نمی‌کند، گاهی
مقدار کمی قد می‌فرستد، بکار صادرات ادا دست می‌برد (مگر گاهی حیوانات).
و کار آنها منحصر است بر ادا احتیاجات.

کمانی «ریگلر» و سرگاه که قد بلریک در بوسهر می‌روشد (ولی آرا
داخله مملکت می‌فرستد)، و اتمه متفرقه می‌چست و هالندرا در اصفهان و
سراسر حرده فروشی می‌کند، و گاهی هم مس و نادرآ بر شمع می‌فرستد.
هیچ صادرات ندارد (مگر نادرآ حیوانات).

کمانی «دیکسون» و سرگاه. فقط حرده فروشی می‌کند. و قشکه فصل
مناسب باشد حیوانات بر بخارج می‌فرستد.

کمانی لیتند «لیویگستون و ریتون» و سرگاه. واردات حرده فروشی
شیراز (مقدار لیل) و کمی مال حراری. صمغ و قالی و تریاک بخارج
می‌فرستد.

«لسج» و رادران در محمّره و احوار. قد.
کمانی «استرک و اسکوت» و سرگاه در محمّره. واردات از هر قیل
مقدار قلیل. و قشکه فصل موافق باشد حیوانات بخارج می‌فرستد.

فقط حرده فروشی می‌کند و عمال ایرانی دارند	}	کمانی «د. ا. سومچ» و سرگاه
		کمانی «هولنس و ووب و هوچی» و سرگاه
		«آ. و ت. ح. ملک». شمع.

صورت فوق یک تصوّر احتمالی از اداره داد و ستد و عده تجارتخانه‌های
انگلیسی که نمایندگی مخصوص در حوب ایران از سدر عباس تا احوار و
اصفهان دارند بدست می‌دهد.

در نتیجه باید ملاحظه کرد که تجارت ایرانی که یا مستقیماً با تجارتخانه‌های
انگلیس طرفه یا اینکه خود نمایندگی مخصوص هستند از طرف تجارتخانه‌های

اگرچه در انگلستان یا در هند ما آنسه جقدر مهمتر و معتبرتر میباشد بطوریکه
مستوان گفت تمام فایده های تجارت ما در دست ایرانیان است.

کارها آنطوری که باید باشد نیست. تجارتخانه های اداسی باید در ایران
کارهای حلی موعود و مختلف تر در دست بگیرند. نماینده های مخصوص بایجا
عربند. امروره اگر احرای فوسوگری خوانند بعضی تحریرات تجارت
تمامد ما بعضی ما لثجادهارا نقطه خون ایران وارد کسد ما ناره محصول
تدره را بخارج هرسند محورد که نارامه ما بخارج ایرانی رجوع نمایند. بعضی
از مال عمده برای عقب افتادگی تجارتخانه های آلمانی در ایران این است
که تمامدان آن تجارتخانه و لا تسوق و محورد در باد گرهی ر ب فارسی
و در احلاط ما مالی نمی رسد. به اداره ندارد اداره خود را کرده
بحوالی سیاحت تمامد و برای خود رستاشای ناره ارکار مبادا که ما مال این
نماینده ها که از انگلستان فرستاده شده اند اغلب حوال و بی تجربه هستند.

ولی برگرین احتیاجت ما این است که یک تصمیم گیری گرفته شود که
بجانب ما بیس از حل حاضر و مست و ثبوت نامد و از طرف همه تجارت
بیش از بیش کوشش و فعالیت در خصوص صادرات ایران بعمل آید.

ه. ح. حکا

مسار سرت.

مکبوب محرمانه حکومت هند بمادرکیر اف کربو مورچه ۲۲ رابویه ۱۹۱۴

۲۴ صفر ۱۳۳۲ |

محرمانه

از جانب حکومت هند بمادرکیر اف کربو

دلی ۲۲ رابویه ۱۹۱۴

لرد محترم

راجع تاکراف حصرتبالی مورچه ۱۷ نوامبر ۱۹۱۳ امتحار داریم که
ملاحظه ت دلی را در خصوص رقابت تباری روس در حوب ایران آنطور که

در بارداشت مسترچک (که اسمیعه مکشوب به رت سوبر، کوکس مورچه ۲۸ سپامبر ۱۹۱۳ بورارت امور حرحه در ایدن فرستاده شده) مسروح اسب اظهار بداریم. ۲ - ما دتای موافقت داریم که لارم اسب هر گوی و سائل مخیج عاؤلا. رای گسپیل و سوبق حارت ما از حبوب تا حط بوشهر شیراز-اصه ال اتحاد سود به سطر از قعنه در مافع تحارق همد ملکه بدلائل سسی رای حلوگری از توسعه حارت روس و نالئع عود روس از شمال محوب. ولی رای مدسب آوردن وسائل عمل رای ان کار که مصارف آنها بر موی تحمل ماسد و حار هشات ریه سیم.

۳ - ما کول حوسه بی میتوایم یادآوری کنیم که در ان اواخر مسأله ای - عمومی در راه مذکور - ملی رو بهوی گذاشته است. س مسئل رای حار - ها که مدیخته امور در حال فایح است یک قوؤ ره م محسد. یک سره دیگر که اسباب حوسوهی است تحصف فاقن احرت که ن حمل و تل اسب بواسطه فرار داد اراؤه قاصر. ملی در عوض حوائت رکس - ملی کماش سند. است و این مسئله همه این سه امر و ا - مات را مبر میدهند و بی بدح میگذارد. رای حاوگری از اس س - سر - ک وسائل دیل را مسعاد میکند: ۱ - مسأله حمل و تل و شرایط آرا باید اصلاح و م - تم نمود.

۲ - علاوه بر فاط ادا لاع و ستر بر حلی یس از سالد. در راه برار - اصفال کار ادا ح.

تفقد هی سائل مسکور باد نایاق و همراهی احرا قونسواکری دول بد - اهی در سراز و بوشهر و معاونت حکومت محلی اتحاد - شود. ما در این باب نکلی بوقت داریم. ترتیب و اصلاح وسائل حل و تل در ره سوسی - سیاست ما که ترهی محسوس در - ارب ما کرده اسب و ما کماش مکسیم که حوب اسب باحراء قونسولگریهای سراز و اصمیهان فورده ا ره س - ا - بود که ن دکر ب محلی سراز ره که مستر - ک دستور العمل داده سب حل مذاکرات شود.

۴ - و همچنین ما مواجب داریم در انک ترتیب داد احصائات مخیج تر و - ا - د - ا - خصوص تارت مادر حصوص حوب اربا حلی مهم است.

و با استصواب جابجایی برای تربیت مصارف آن یعنی از قرار سالی یکصد ابره که مستر چیک در یادداشت خود برای این کار پیشنهاد کرده است هم حاضریم .

۵ - ما وسائل دیگر را که برای ترقی دادن تجارت هند ما بین شیراز و اصفهان گاه بپیشنهاد شده اند تمام را در نظر گرفته و خوب سنجیده ایم و قبیل مساعدۀ دولتی بتجارت ، و امکان اینکه «شرکت کشتی رانی انگلیس و هند» (بریتیش ایندیا استیم ناویگاشین) و سایر شرکت های کشتی رانی را وادار کنیم که اجرت کرایۀ جای هند را بایران کمتر کنند ، و تأسیس یک دستگاه انومویل رانی در راه مذکور ، لکن عجله ما هیچکدام از این وسائل را نمیتوانیم تقویت کنیم و برعهده بگیریم .

۶ در خصوصی نقشه اتومویل رانی بین طهران و شیراز که سیر پ. کوکس بدان اشاره میکنند ما متظربیم که ولی پادشاهی انگلیس اگر احتیاج داشته باشد که این نقشه صورت خارجی پیدا کند آنچه در قوه دارد بعمل آورد که آرا باطل نماید یا افلاّ جذب و جهد نماید برای بدست آوردن امتثال این نقشه یا امتیازاتی دیگر از این قبیل که منفع ما در آن ملحوظ بماند .

۷ - روز بروز واضح تر میشود بخصوص بعد از تلاش روسته در ساختن راه آهن از طرف سمال که فقط وسیله که بواسطه آن بتوان تجارت انگلیس را در ایران محافظت کرد و ترقی داد همان است که انگلیس هم یک راه آهی از ساحل جنوبی ایران بداخلۀ ایران بکند .

ما گمان میکنیم که در این رشته است که باید ما همه مساعی خودمان را بکار بیندازیم و آنرا بصب العین همت خود قرار دهیم ، ولی عجله و فعلاً وسائل موقتی فرعی مذکور که ما یادآوری کردیم اگر بموقع اجرا گذارده شود حیل مفید خواهد بود .

ارادتمندان

هاردینگ اف نادررت

او . م . کریگ

س . آ . ایلم

و . ه . کلارک

ر . ه . کراؤوک

و . س . مایر .

تلگراف قونسول انگلیس در شیراز بسفیر انگلیس در طهران بتاريخ
۱۲ فوریه ۱۹۱۴ [۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۲].

سواد تلگراف قونسول دولت پادشاهی در شیراز بسفیر دولت پادشاهی در
طهران (تکرار شده بنابینده سیاسی انگلیس در خلیج) نمرة ۲۰ مورخه
۱۲ فوریه ۱۹۱۴ که همان روز هم رسیده است

اخیراً در اینجا میان تجّار ایرانی بعضی مذاکرات برای تشکیل یک کمّانی
بجهت ساختن راه آهن مابین شیراز و بوشهر بمیان آمده است. همه نوع دلیل
در دست هست که این نقشه را قونسول آلمان در تابستان اخیر در مدت توقف
خود در اینجا کشیده است. اصل خیال این بود که این شرکت یک شرکت
ایرانی باشد لکن یک مقدار هنگفتی از سرمایه بایستی در آلمان بدست آید. من
تصوّر نمکنم که این نقشه بجائی برسد لکن در هر حال این مسئله قابل آن
است که بدقّت در نظر گرفته شود.

نصّ معاهده انگلیس و روس در سنه ۱۹۰۷ (۱۳۲۵) در باب ایران
(ترجمه از انگلیسی).

معاهده مابین مملکت متّحده [انگلستان] و روسیه راجع بایران و افغانستان و تبت.
امضا شده است در پترزبورغ ۳۱ اوت ۱۹۰۷، بصحّه رسیده است
۲۳ سپتامبر ۱۹۰۷

معاهده

اعلیحضرت پادشاه مملکت متّحده بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات
انگلیسی در ماوراء بحار و امپراطور هندوستان، و اعلیحضرت امپراطور کلّ
روسیه، چون مایل و راغب شدند که بعضی مسائل مختلفه راجع بمنافع ممالک
خود را در قطعۀ آسیا از روی صدق و صفا با تراضی طرفین تصفیه نمایند مصمّم
گشتند که قراردادهائی ببندند برای جلوگیری از هرگونه اسباب سوء تفاهم مابین
بریتانیای کبیر و روسیه راجع بمسائل مزبوره، و برای انجام این مقصد وزرای
مختار خود را معین کردند از قرار ذیل:

از جانب اعلیحضرت پادشاه مملکت متّحده بریتانیای کبیر و ایرلند و
مستملکات انگلیسی در ماوراء بحار و امپراطور هندوستان: جناب اجل سیر
آرتور نیکولسون سفیر کبیر اعلیحضرت پادشاهی و مأمور فوق العاده و دارای
وکالت تاقه در دربار اعلیحضرت امپراطور کلّ روسیه،

از جانب اعلیحضرت امپراطور کلّ روسیه: الکساندر ایزوولسکی رئیس
دربار و وزیر امور خارجه،

نمایندگان مذکور پس از ارائه وکالت نامه‌های خود بیکدیگر و رسیدگی
بصحتّ و اعتبار آنها متفق شدند در فقرات ذیل:

قرارداد راجع بایران

از آنجا که دولّین بریتانیای کبیر و روسیه هر دو متعهد شده‌اند که مصونیت
و استقلال ایران را رعایت کنند و از روی صدق نمایند که هم نظم و امنیت را

در اکناف آن مملکت و ترقی صلح آمیز آنرا نگاهداری نمایند و هم حقوق متساویه برای تجارت و صنایع ملل دیگر بطور دائمی برقرار کنند، و نظر بآنکه هر کدام از این دو دولت بواسطه اسباب جغرافیائی و جهات اقتصادی یک علاقه مخصوصی در نگاهداری صلح و امنیت در بعضی ولایات متصله یا مجاوره بسرحدات روس از یکطرف و سرحدات افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر دارند، و هم مایلند که هر گونه اسباب تعارض فیما بین منافع دولتین را در ایالات سابق الذکر ایران برطرف نمایند،

در مواد ذیل متفق شدند :

۱ - دولت انگلیس تعهد میکند که در ماوراء خطی که از قصر شیرین شروع شده و از اصفهان و یزد و کاخک گذشته و در یک نقطه در سرحد ایران در محل تلاقی سرحدات روس و افغان منتهی میشود در پی تحصیل هیچ نوع امتیاز سیاسی یا تجارتی - از قبیل امتیازات راه آهن، بانک، تلگراف، راهها، مناقلات، بیمه و غیره - برای خود بر نیامده و در حق اتباع انگلیس یا اتباع دولت ثالثی هم در تحصیل این نوع امتیازات تقویت نکند، و همچنین نه مستقیماً و نه غیر مستقیم بتقاضاهائی که در منطقه مزبوره برای این قبیل امتیازات از طرف دولت روس تقویت میشود ممانعت ننماید، مخفی نماید که نقاط سابق الذکر در جزو آن منطقه ایست که دولت انگلیس تعهد میکند در آن منطقه در پی تحصیل امتیازات مذکوره بر نیاید.

ب - روسیه نیز تعهد میکند که در ماوراء خطی که از سرحد افغانستان از طریق گرگیک و بیرجند و کرمان منتهی شده و ببندر عباس منتهی میشود در پی تحصیل هیچ نوع امتیاز سیاسی یا تجارتی - از قبیل امتیازات راه آهن، بانک، تلگراف، راهها، مناقلات، بیمه و غیره - برای خود بر نیامده و در حق اتباع روس یا اتباع دولت ثالثی هم در تحصیل این نوع امتیازات تقویت نکند، و همچنین نه مستقیماً و نه غیر مستقیم بتقاضاهائی که در منطقه مزبوره برای این قبیل امتیازات از طرف دولت انگلیس تقویت میشود ممانعت ننماید. مخفی نماید که نقاط سابق الذکر در جزو آن منطقه ایست که دولت روس تعهد میکند در آن منطقه در پی تحصیل امتیازات مذکوره بر نیاید.

ج - نیز روسیه متعهد میشود که بدون اینکه قبلاً قراری با دولت انگلیس داده باشد بداده شدن هیچ نوع امتیازی از هر قبیل باتباع انگلیس در نقاطی از ایران که مابین دو خط مذکور در مادهٔ اول و دوم واقع شده‌اند مخالفت ننماید دولت انگلیس هم راجع بداده شدن امتیازات باتباع روس در همان نواحی ایران نظیر همان تعهد را مینماید.

تمام امتیازاتی که در منطقه‌های مذکوره در مادهٔ اول و دوم فعلاً موجودان محفوظ خواهند ماند.

د - مسأله است که عایدات تمام گمرکات ایران - باستانی گمرکات فارس و خلیج فارس - که در مقابل استهلاک و فرع استقراضهایی که دولت ایران تاریخ امضای قرار داد حالیه از بانک استقراضی روس نموده بضمانت داده شد است کما فی الساق بهمان محل تخصیص خواهد شد.

و همینطور مسلم است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس و همچنین عایدات سیلات سواحل ایرانی بحر خزر و عایدات بستانها و تلگرافخانه‌ها کما فی الساق برای تأدیه استقراضهایی که دولت ایران تا تاریخ امضای قرارداد حالیه از بانک شاهنشاهی ایران نموده تخصیص خواهد شد.

ه - در صورتیکه در استهلاک اقساط یا در تأدیه فرع استقراضهایی که دولت ایران تا تاریخ امضای قرارداد حالیه از بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی ایران نموده بی ترتیبی روی دهد و در صورتیکه برای دولت روس ضرورت پیش آید که بر منابع عایداتی که برای پرداخت منظم اقساط قروض بانک استقراضی بضمانت داده شده و آن منابع در منطقه مذکوره در مادهٔ دوم از قرارداد حالیه واقع‌اند نظارت (کنترول) برقرار نماید دولتین انگلیس و روس ملتزم میشوند که قبلاً دوستانه بین خود مبادله افکاری نمایند برای آنکه باتفاق یکدیگر وسائل نظارت مذکوره را معین کرده و از هر نوع مداخلاتی که موافقت با اصولی که قرارداد حالیه مبتنی بر آن است ندارد احتراز نمایند.

یاد داشتی که وزیر مختار انگلیس در طهران سیر سیل اسپرینگ ریس
راجیج بکفیت و غرض از معاهده انگلیس و روس بزبان فارسی (۱) در ۴ سپتامبر
۱۹۰۷ بدولت ایران فرستاده است.

بدوستان اطلاع رسیده است که در ایران خبری شایع شده است که
نتیجه معاهده مابین روس و انگلیس این خواهد شد که این دو دولت مداخله
نکارهای ایران کرده و آنرا میان خود تقسیم نمایند. حضرت اجل آئینه مسبق
هستید که مذاکرات مبار روس و انگلیس نکلی یک شکل دیگری داشته است.
زیرا که مشیر الملک که اخیراً در پترزبورغ ولندن بوده مسئله را با وزرای
خارجة هر دو دولت مذاکره کرده است و مشار الیها باو صراحة مقاصد دول
خود را در باره ایران بیان کرده اند و شبهه نیست که وی نیز آن تأمینات را
کما هو حق اطلاع داده است.

سیر ادوارد گری مضمون مذاکرات خود را با مشیر الملک و همچنین مضمون
اظهارات ایزوولسکی را بمشیر الملک که رسماً بدولت انگلیس ابلاغ سده باین
جانب اطلاع داده است.

سیر ادوارد گری باین جانب اطلاع میدهد که او بمشیر الملک توضیح کرده
که خود او و مسیو ایزوولسکی هر دو در سر دو نقطه اساسی کاملاً متفق اند.
اول آنکه هیچیک از دو دولت نکارهای ایران مداخله نخواهند کرد مگر
آنکه صدمه بفوس با اموال اتباع ایشان وارد بیاید.

دوم آنکه مذاکراتی که بواسطه قرار داد روس و انگلیس مابین آندو
دولت پیش آید نباید بمصونیت و استقلال ایران رخنه وارد بیاورد.

نیز سیر ادوارد گری باین نکته اشاره میکند که تا حال میان انگلیس و روس
صدیت وجود داشت و هر کدام از آنها سعی داشتند که از پیشرفت آن دیگری
در ایران جلوگیری کنند، و اگر این اختلاف در حالت حالیه متزلزل ایران

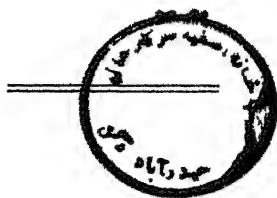
(۱) چون اصل فارسی این یادداشت بدست نامد لهذا ناحار بترجمه تحت اللفظی از
ترجمه انگلیسی آن اکفا رفت — مترجم.

امتداد پیدا میکرد یکی از این دو دولت یا هر دو ممکن بود که بصدد مداخله در کارهای داخلی ایران برآید خواه باین قصد که از استفاده آن دیگری از اوضاع حالیه ایران جلوگیری نماید و خواه بقصد آنکه بر ضرر دیگری برای خود تحصیل منافع نماید. غرض از مذاکرات مابین دولتین انگلیس و روس، جلوگیری کردن از حدوث این گونه اشکالات در میان خودشان بوده و این مذاکرات هیچوجه بر ضد ایران معطوف نبوده است چنانکه مسیو ایزوولسکی صریحاً بمشیر الملک توضیح کرده که «هیچکدام از دو دولت در پی تحصیل هیچ چیز از ایران نیست بطوری که ایران میتواند تمام قوای خود را بتسویه امور داخلی خود حصر نماید». هر دو وزیر در باب سیاست عدم مداخله در ایران کاملاً متفق اند و هیچگونه زمینه ممتکی برای شک در این مسئله نگذاشته اند. عین عبارت مسیو ایزوولسکی که شامل نیات دولت انگلیس هم هست از اینقرار است: «اساس سیاست عمومی دولت روس این خواهد بود که از هر نوع مداخله بکارهای داخلی ممالک دیگر مادمی که صدمه بمنافع روسیه وارد نیاید احتراز نماید، و بکلی محال است که در این مورد بالخصوص از این اساس انحراف جوید».

اما در باره اخبار شایعه راجع بتقسیم ایران مابین روس و انگلیس که در آنخصوص چنین شهرت داده شده که دولتین سابق الذکر میخواهند منطقه‌های نفوذی برای خود تحدید نمایند سیر ادوارد گری و مسیو ایزوولسکی صریحاً اظهار کرده‌اند که این اخبار اساسی ندارند. چیزی که دولتین مایلند آنست که نوعی با یکدیگر کنار بیایند که از حدوث اشکالات و منازعات آینده جلوگیری شود باینطور که ضمانتی بر قرار شود که هیچیک از آندو دولت در آن نواحی ایران که مجاور سرحدات آن دیگر است در صدد کسب نفوذی بر نیاید. این قرار داد نه بمنافع دولت ایران و نه بمنافع یک ملت خارجی دیگر مضر است زیرا که آن فقط انگلیس و روس را ملتزم میسازد که در اعمال خود در ایران هیچ نوع ترتیبی پیش نگیرند که بمنافع آن دیگری ضرری وارد آورد و بدینطریق در آیه ایران را از آن تقاضاهای دولتین که تا بحال اینقدر بترقی آمال سیاسی ایران مضر بوده است خلاصی بخشند. آنچه مسیو ایزوولسکی میگوید از اینقرار است:

«این قرار داد میان دو دولت اروپائی که از همه بیشتر در ایران علاقه دارند و چنانکه مصرح است مبتنی بر ضمانت استقلال و مصونیت ایران است فقط پیشرفت و تقویت منافع ایران خدمت تواند کرد زیرا از این بعد ایران که این دو مملکت همسایه قوی او را مساعدت و معاونت خواهند کرد میتواند تمام قوای خود را در اصلاحات داخلی صرف نماید».

از بیانات فوق ملاحظه خواهید کرد که این اشتها رات راجع بحرص و طمع انگلیس و روس در باره این مملکت که اخیراً در ایران انتشار یافته تا چه درجه بی اساس و بی پایه است. منظور دولّین از بستن این قرار داد هیچوجه حمله و تعرض باستقلال ایران نبوده بلکه مصون داشتن استقلال ایران بوده است الی الابد. نه فقط دولّین نمیخواهند که هیچ بهانه برای مداخله بدست آورند بلکه مقصود آنها در این مذاکرات دوستانه آن بوده است که هر کدام دیگری را از مداخله بهانه حفظ منافع خود مانع شود. دولّین امیدوارند که در آتیه ایران بطور همیشگی از ترس مداخله خارجی آسوده شده و بنا بر این رای اداره کردن امور خود بسلیقه مخصوص خود کاملاً فارغ البال و آزاد بدهند، بدینگونه فوائد آن هم بخود ایران و هم بهمه دنیا عاید خواهد شد.



نقشه ایراب

